

# اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی - یگانه

## سلاح کسب پیروزی است

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۹ دوره سوم دوشنبه ۷ دی ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۴۰۲ و ۲۸ بهمن ۱۹۸۱ ۳۰۴ ریال

دمکراتیک صحرای (پولیساریو)، تهدید مداوم جمهوری دمکراتیک خلق یمن، تسلیح و تعلیم دستجات خرابکار افغانی در پاکستان و اعزام مداوم آنها به "ماوریت" های ضد انقلابی به خاک افغانستان، تسلیح پاکستان و واگذاری نقش زاندارم منطقه‌ای به رژیم نظامی این کشور برقراری روابطی "ویژه" باترکیه به اصطلاح "فراتر از چارچوب ناتو"، طرح فهد، طرح

سودان، در سومالی، در کنیا، در عمان، ایجاد ستاد "محلی" برای عملیات این نیروها، توسعه مداوم پایگاه عظیم نظامی در جزیره دیه‌گوکارسیا و انبار اسلحه موشکی - هسته ای دوربرد در آن، استقرار دائمی ناوگان جنگی در اقیانوس هند و در دریای عمان، تجاوز نظامی به آنگولا (توسط آفریقای جنوبی)، تهدید اتوپسی، تسلیح و تشویق مراکش به گسترش تهاجم نظامی علیه جمهوری

قرارداد نظامی "امنیت"، که به دنبال بهانه "مداخله ایران در امور داخلی بحرین"، بین بحرین و عربستان سعودی امضاء شد، فقط حلقه‌ای است از حلقه‌های زنجیره توطئه - های آمریکا در منطقه حلقه‌های دیگر آن الحاق "رسمی" بلندی‌های جولان به اسرائیل، تخریب یکات ضد لیبی، ایجاد پایگاه‌های نظامی و انبارهای اسلحه و مهمات برای نیروهای "واکنش سریع" در مصر، در

## امام خمینی و آزادیهای سیاسی

**"امسال، سال قانون است" امام خمینی**

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی و به ویژه مسئولان قضایی کشور برآنند، تا این فرمان رهبران انقلاب را اجرا کنند. کوشش همه جانبه - ای برای استقرار قانون در جامعه آغاز شده است، که بخش مهم آن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران و نظریات رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و دیگر مسئولان درجه اول کشور درباره آزادیهای سیاسی است. ما برای آنکه، به سهم خود، در این زمینه هم به استقرار قانون یاری رسانیده باشیم، نظریات و قوانین موجود را درباره آزادیهای سیاسی به ترتیب منتشر خواهیم کرد. در آغاز به درج نظریات امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، اقدام می‌کنیم.

س- شما حزب کمونیست را غیر قانونی میدانید؟  
امام خمینی: حکومت اسلامی ما متکی به آراء عمومی خواهد بود و همه احزابی که برای مصالح ملت کار کنند آزاد خواهند بود (از مصاحبه امام خمینی با خبرنگار گاردین، ۱۰ آبان ۱۳۵۷)

س- در جمهوری اسلامی آیا حزب کمونیست آزاد خواهد بود؟  
امام خمینی: اسلام بیش از هر دینی و پیش از هر مصلحتی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است. در جمهوری اسلامی کمونیست هانیز در بیان عقاید خود آزادند. (از مصاحبه امام خمینی با روزنامه هلندی دی ولت کرانت، ۱۶ آبان ۱۳۵۷)

س- در مورد آزادیهای دمکراتیک میخواهیم بدانیم آیا کمونیست ها و مارکسیست ها آزادی اظهار عقیده و بیان خودشان را دارند یا نه؟  
امام خمینی: دولت اسلامی یک دولت دمکراتیک به معنای واقعی هست... و هر کس میتواند اظهار عقیده خود را بکند... و دولت اسلامی همه منطقیها را با منطق جواب خواهد داد. (از مصاحبه امام خمینی با گروهی از خبرنگاران غربی، ۱۸ آبان ۱۳۵۸)

س- آیا در حکومت اسلامی، مارکسیست ها، آزادی عقیده دارند؟  
امام خمینی: در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده ای هستند، ولیکن آزادی خرابکاری ندارند. (از مصاحبه امام خمینی با نماینده سازمان عفو بین المللی - کیهان، ۱۹ آبان ۱۳۵۷)

س- آیا احزاب آزاد خواهند بود؟  
امام خمینی: احزاب و همه مردم آزادند، مگر حزبی که مخالف مصالح مملکت و مردم باشد. (اولین مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران ایرانی - کیهان، ۳ بهمن ۱۳۵۷)

امام خمینی: هنگامیکه حکومت اسلامی در ایران ایجاد شود، مارکسیست ها آزاد خواهند بود خواهسته های خود را بیان کنند، اما آزادی توطئه علیه کشور نخواهند داشت. (پاسخ امام به خبرنگار روزنامه لبنانی اللوات - کیهان، ۲۶ دی ۱۳۵۷)

امام خمینی: بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد میباشد، ولیکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمی دهند. (از پیام امام خمینی، ۱۹ اسفند ۱۳۵۷)

امام خمینی: آزادی بیان هست. هر کس هر چه می خواهد بگوید، آزادی بله و توطئه نه... (از سخنرانی امام خمینی در قم - ۱۹ اسفند ۱۳۵۷)

امام خمینی: همه احزاب و گروه ها، تا وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکردند، به طور آزادانه عمل می کنند و به طور آزاد دارند حرف های خودشان را می زنند. (از سخنرانی امام خمینی در جمع گروهی از علمای آذربایجان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

## ترند امروزی امپریالیسم مسخ سرشت واقعی انقلاب است

بزرگترین خدمت امام خمینی به دیانت اسلام آن بود و هست که جنبه سیاسی، انقلابی و مردمی آنرا به مثابه جوهر اصلی بینش صدر اسلام مورد تاکید و تصریح قرارداد و دیدنسان جاذبه های ایجاد کرده یکی از نیرومندترین پایگاه های امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم

آمریکا، یعنی رژیم شاه ملعون را در منطقه و از گون و ضربتی عظیم بر پیکر شیطان بزرگ - آمریکا وارد ساخت. مسخ کنندگان انقلاب که عجلالتا خود را در جامعه اسلام و جاده انقلاب جازده اند، درست همین جوهر را مورد بقیه در صفحه ۴

## امپریالیسم خبری

اگر یمن هزار زبان گمراه سازی بسود غارتگران و ستمگران اجتماعی

روزنامه اطلاعات، اول دی ۱۳۶۰ چاپ شده است، دیدگاه های خود را درباره مسائل خاورمیانه، مناسبات اعراب و اسرائیل، روابط سوریه با کشورهای عربی منطقه، جنبه های پایداری سازمان آزادی بخش فلسطین و اتحاد شوروی، درباره جنگ تجاوزکارانه رژیم جنایتکار صدام علیه ایران و روابط سوریه با جمهوری اسلامی ایران بطور مسووت بیان داشته است.

## حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه بار دیگر از انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی می کند

حافظ اسد: گسترش روابط سوریه و شوروی منفع سوریه و اعراب است. از دیدگاه ما اتحاد شوروی هم - چنان دوست نیرومندی در کنار هم - بیمانان خود خواهد ماند.

حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه، طی مصاحبه با سردبیر روزنامه "الرای العام"، که متن آن در روزنامه "البعث"، ارگان رسمی حزب بعث سوریه، انتشار یافته و ترجمه آن در

## هنر در جمهوری اسلامی باید مقام شایسته خود را احراز کند

سخنی بدنبال اظهارات آقای وزیر ارشاد اسلامی درباره هنر

باید با همکاری و نظارت وزارت کار و شوراها تشکیل شود، توان پرسنلی - اش را نداریم، که این همکاری را به آنها بدهیم. ما چون دیدیم توان رسیدگی به این مسائل را نداریم، مجبوریم فقط یک اسم ظاهری شورورا بگذاریم، ولی هیچ کمکی نتوانیم به آنها بکنیم موقتاً گفتیم که شورائی تشکیل نمی دهیم، شوراها موجود را تقویت می کنیم، در کنارش خودمان را تقویت می کنیم از نظر پرسنلی، آموزشی و هم از نظر تعداد افراد که انشاء... همزمان با رشد شوراها تشکیل شده، شوراها اصیل و سالمی را در ماه های آینده بی-

آقای احمد توکللی وزیر کار و امور اجتماعی و سخنگوی دولت، در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود، درباره تشکیل شوراها، کارگران و کارکنان نظریات زیرین را بیان کرده است: "برای تشکیل شوراها، شورای انقلاب قانون تصویب کرده، آئین نامه موجود است، طبق آن آئین نامه مدتی است که تشکیل شورای قانونی شروع شده و تعداد زیادی هم شورا تشکیل شده است. در مطالعاتی که ما انجام داده ایم، دیدیم که اینقدر میل به مشارکت در کارگران زیاد است، که تقاضا خیلی زیاد می رسد و طبعاً چون

## گام هایی امیدبخش در جهت بازگشایی دانشگاه ها، ولی...

پس از ماه ها انتظار، روز های اخیر، روزهایی امیدبخش در جهت بازگشایی دانشگاه ها و مدارس عالی کشور بود.

ثبت نام دانشجویان رشته های فنی و کشاورزی و علوم پایه، که ۲۵ واحد به پایان تحصیل شان مانده، و عده تعیین تکلیف دانشجویان ۲۵ واحدی در دیگر رشته ها و دانشجویان ۷۰ واحدی و بدیش دانشجوی جدید، میانگرن آن است که پس از قریب به یک سال و نیم بوقف، نظام آموزش عالی کشور می رود تا از دیگر فعالیت خود را از سر گیرد. این روند، که هم اکنون بطور محدود آغاز شده، روندی است مثبت، که اگر سی و هفت و طبعی وعده های داده شده ادامه یابد، بازگشایی کامل مراکز آموزش عالی کشور در جهت منافع انقلاب و نیازهای جمهوری بقیه در صفحه ۱۵

## فرارسیدن سالروز تولد مسیح و آغاز سال نو میلادی رابه همه هم میهنان مسیحی تبریک می گوئیم و سالی سرشار از پیروزیهای بزرگ در مبارزه ای که آنان دوشادوش دیگر مردم انقلابی ایران علیه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی از پیش میبرند، آرزو می کنیم

۱۹۸۲

فرارسیدن سالروز تولد مسیح و آغاز سال نو میلادی رابه همه هم میهنان مسیحی تبریک می گوئیم و سالی سرشار از پیروزیهای بزرگ در مبارزه ای که آنان دوشادوش دیگر مردم انقلابی ایران علیه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی از پیش میبرند، آرزو می کنیم

هواداران صادق ولی نا آگاه "مجاهدین خلق" بتدریج آگاه می شوند و به جبهه انقلاب می پیوندند

صفحه ۹

بیزی بکنیم... (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲ دیماه ۱۳۶۰) چنانکه از پاسخ وزیر کار و امور اجتماعی برمیآید، مطالعات مقدماتی ایشان را به این نتیجه رسانیده که "لایحه قانونی تشکیل شوراها، اسلامی کارکنان... و آئین نامه های آن، چنانکه باید، پاسخگوی میل کارگران به مشارکت در نظارت و اداره واحدهای تولیدی و خدماتی نیست و برای پی ریزی شوراها، اصیل و سالم در ماه های آینده، فعلاً باید شورائی تشکیل داد، تا انجام این کار فقط یک اسم گذاری ظاهری نباشد. بقیه در صفحه ۲

## "لایحه قانونی تشکیل شورای اسلامی کارکنان" و آئین نامه های آن ناقض حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان است

باید با همکاری و نظارت وزارت کار و شوراها تشکیل شود، توان پرسنلی - اش را نداریم، که این همکاری را به آنها بدهیم. ما چون دیدیم توان رسیدگی به این مسائل را نداریم، مجبوریم فقط یک اسم ظاهری شورورا بگذاریم، ولی هیچ کمکی نتوانیم به آنها بکنیم موقتاً گفتیم که شورائی تشکیل نمی دهیم، شوراها موجود را تقویت می کنیم، در کنارش خودمان را تقویت می کنیم از نظر پرسنلی، آموزشی و هم از نظر تعداد افراد که انشاء... همزمان با رشد شوراها تشکیل شده، شوراها اصیل و سالمی را در ماه های آینده بی-



### لایحه قانونی

بقیه از صفحه ۱

ماضی اینکه با این برداشت وزیر کار و امور اجتماعی موافقم، معتقدیم که مسئله "لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان" و آئین نامه های آن بجز آنست که تاثیر آن به اسم گذاری ظاهری برای شورا محدود شود و یا گره کار تنها مربوط به وزارت کار و عدم توانایی آن از نظر پرسنلی، آموزشی و غیره باشد. لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان "و آئین نامه های آن، بدلیلی که ما در زیر به آن اشاره خواهیم کرد، ناقص حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان و ایجاد سر درگمی در این دو مسئله مهم است، که بدون حل صحیح و منطقی آنها، حل مسائل گزهی سیاسی - اجتماعی در واحدهای تولیدی - خدماتی عملا غیر ممکن خواهد بود و آشفتگی در محیط های کار و کارگری همچنان بقوت خود باقی خواهد ماند.

بمنظور آنکه وزارت کار و امور اجتماعی، همانطور که وزیر کار و امور اجتماعی می گوید، بتواند ایجاد شورا - های اصیل و سالمی را در ماه های آینده پی ریزی کند و ایجاد شوراها تنها مسئله اسم گذاری نباشد و حقوق صنفی و شورایی کارگران چنانکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول ۲۶ و ۱۰۴ رسمیت قانونی پیدا کرده، به اجرا درآید، ضرور است که "لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان" و آئین نامه - های آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد و اگر ثابت شده که این ترفند لیبرالها و مخالفین جمهوری اسلامی ایران - موجب سردرگمی در تنظیم روابط در امر تولید و خدمات است، نسبت به لغو این لایحه و آئین نامه های آن و تدوین و تصویب قانون و آئین نامه های جدید منطبق با اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی درباره رعایت حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان هر چه زودتر اقدام بعمل آید.

بمنظور کمک به امر فوق "اتحاد مردم" نتایج بررسی های تحقیقی خود را درباره "لایحه قانونی" و آئین نامه های آن به شرح زیرین در اختیار افکار عمومی کارگران و زحمتکشان و مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی قرار میدهد.

### مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضدا امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان، که خود نقش اساسی و تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشتند، با دوبرخورد متفاوت از جانب حاکمیت انقلاب مواجه گردید. یک بر - خورد متعلق به مسلمانان انقلابی پیرو خط امام بود، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بصورت اصول ۲۶ و ۱۰۴ منعکس گردید و رسمیت پیدا کرد.

اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر میدارد:

"احزاب، جمعیت ها، انجمن - های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی با اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس رانمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت." اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز چنین حاکمیت:

"به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هم آهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحد - های آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهای مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل میشود. چگونگی تشکیل این شوراهای محدود و وظایف و اختیارات آنها را قانون معین میکند." چنانکه در اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران دیده می - شود، حق تشکیل صنفی کارگران و زحمتکشان و حق شورایی آنان، حاوی مشارکت در نظارت و اداره واحدهای تولیدی - خدماتی بصراحت و روشنی تمام در قانون اساسی انعکاس یافته و رسمیت پیدا کرده است، این دو اصل را می توان سرفصل دستاوردهای کارگران و زحمتکشان از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. تعلق خاطر کارگران و زحمتکشان به رعایت کامل این اصول نیز ناشی از چنین اهمیتی است.

چنانکه در اصل ۲۶ دیده میشود، کارگران و زحمتکشان، اعم از شاغلان کار ییدی و یا فکری، بدون هیچ گونه محدودیتی از لحاظ سنی، نژادی، مذهبی، عقیدتی و ملیت آزادند در انجمن های صنفی خود گرد آیند و از منافع صنفی - اجتماعی خود، بگونه - ای که مغایر با "اصول استقلال، آزادی و وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی نباشد" دفاع کند. هیچکس رانمی توان از شرکت در آنها منع کرد، یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

ذکر قسمت اخیر در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصادفی نیست. این حاصل تجربه تلخ دوران دیکتاتوری طاغوت است، که خود را به هر نوع دخالتی در امور احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی محازمی دانست، مثلاً برای کارگران و زحمتکشان سندیکایی ساخت، یا آنان را به ورود در سازمان های قلابی و ادار ميساخت و با تشکیل انجمن های آزاد صنفی کارگران مانعت بعمل می - آورد.

بمنظور جلوگیری از چنین اقدامی در آینده از هر جانی که باشد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به درستی هر نوع دخالتی را در انجمن - های صنفی و سایر تشکلهای سیاسی و اجتماعی با قاطعیت تمام منع میکند.

انجمن های صنفی کارگران و زحمتکشان، ضمن اینکه از منافع صنفی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان دفاع میکنند، به نمایندگی از جانب کارگران و زحمتکشان، از حق مشارکت در نظارت و اداره تولید اجتماعی نیز برخوردارند. مشارکت در نظارت و اداره تولید اجتماعی از حقوق شناخته شده انجمن - های صنفی کارگران و زحمتکشان است، که باید از سالهای با یکطرف به مناسبت اجتماعی شدن تولید و خدمات در مقیاس نسبتاً وسیع در کشور ما رسمیت شناخته میشد. لیکن رژیم طاغوت، همانگونه که حق تشکیل آزاد صنفی کارگران و زحمتکشان را زیر پای گذاشت، همانگونه هم به شناسایی حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت و اداره تولید اجتماعی تن در نمی داد. سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته در ایران مانع از شناسایی این حق بود.

اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از نظر شناسایی حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان در اینست که، در آن نه فقط حق تشکیل آزاد صنفی آنان به رسمیت شناخته شده، بلکه طبق اصل ۱۰۴ حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت و اداره تولید اجتماعی تأیید و تشویق اعمال آن نیز بصراحت و روشنی تمام خاطر نشان شده است. طبق این اصل، کارگران و زحمتکشان از طریق انتخاب نمایندگان خود (که طبعاً از جانب تشکلهای صنفی انتخاب خواهند شد) جهت تشکیل شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، حق شورایی خود را "به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی" اعمال خواهند نمود. حق شورایی کار - ندان و کارکنان "در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها" از طریق تشکیل شوراهای مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها اعمال میشود.

در حالیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۶ مقامات دولتی را از دخالت در امور انجمن های صنفی بر حذر داشته. در اصل ۱۰۴ به درستی خاطر نشان می سازد که، "چگونگی تشکیل این شوراها"، یعنی شوراهای که از

"نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران" تشکیل میشود، و "حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین میکند". بدیگر سخن، آنچه نیاز - مند لایحه قانونی و آئین نامه است، نه تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان در کارخانه ها و کارگاه ها و موسسات و ادارات، بلکه شوراهای قانونی است، که اصل ۱۰۴ تشکیل آنها را مقرر داشته است.

وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی و یا هر سازمان دیگری که بخواهد بتدوین لایحه قانونی و آئین نامه های مربوط به تشکیل شوراهای اصل ۱۰۴ قانون اساسی اقدام نماید، از قبل معلوم و روشن شده است. چنین لایحه ای باید مبتنی بر چگونگی تشکیل شوراهای تعریف شده در اصل ۱۰۴ قانون اساسی، بعنوان نهاد قانونی باشد، که نه تشکلهای صنفی است و نه مدیریت، بلکه نهادی متشکل از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران است، که وظیفه دارد "تامین قسط اسلامی و همکاری در پیشرفت امور واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی" را، با استفاده از حدود وظایف و اختیاراتی که قانون برای آن معین می کند، تحقق بخشد.

وزارت کار و امور اجتماعی، در گذشته باید مبادرت به تدوین چنین لایحه قانونی میکرد و پس از تصویب، آئین نامه های آن را نیز تدوین و به اجرائی گذاشت.

اعتقاد ما بر اینست که مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و در رأس آن ها شهید آیت اله بهشتی که نقش اساسی در تدوین و تصویب قانون اساسی داشته اند چنانکه بعداً خواهیم دید، چنین برداشتی از اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی داشته اند. اما متأسفانه باید گفت که برخلاف برداشت مسلمانان انقلابی پیرو خط امام، لیبرالها و محافظین منافع سرمایه داری بزرگ با استفاده از نفوذ و موقعیت خود در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در دوران دولت موقت، معسرفی به "دولت گام به گام"، تار یاست جمهوری بنی صدر معزول و فراری موفق شدند که با ترفندهای باصطلاح قانونی، هم

حقوق صنفی و هم حقوق شورایی کارگران و زحمتکشان را زیر پای بگذارند این ترفندهای باصطلاح قانونی در "لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان در واحدهای تولیدی و خدماتی" که با استفاده از ریاست بنی صدر بر شورای انقلاب به تصویب رسید، وهم - چنین آئین نامه هایی که بر اساس آن تدوین گردید، انعکاس کامل یافته است. لیبرالها، بعنوان محافظین منافع سرمایه داری بزرگ و وابسته، نه فقط با تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان مخالف بودند، بلکه حق نظارت شورایی را مغایر منافع و مقاصد خود میدانستند به همین جهت آنها از همان روز پیراز پیروزی انقلاب، هم با رعایت حقوق صنفی کارگران و زحمتکشان و هم با حقوق شورایی آنان از در مخالفت در آمدند. اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بعنوان دو خار بزرگ در چشم کلان سرمایه داران و محافظین منافع آنها، به هیچ روی برای لیبرالها قابل تحمل نبود. به همین جهت آنها در صدد برآمدند، تا با ترفند باصطلاح قانونی با حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان مخالفت کنند. با "لایحه قانونی تشکیل شورا - های اسلامی کارکنان" و آئین نامه - های آن در واقع با یک تیر دو نشان زده شده است: هم حق تشکیل آزاد صنفی کارگران و زحمتکشان، طبق اصل ۲۶ قانون اساسی زیر پا گذاشته شده و هم حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت و اداره واحدهای تولیدی اجتماعی، طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی تضییع گردیده است.

لایحه قانونی و آئین نامه های مورد بحث، که ما به تفصیل به تشریح آنها خواهیم پرداخت، از چنین ماهیتی برخوردارند. قبلاً وبه اختصار ناچار به تذکر هستیم که هدف "لایحه قانونی تشکیل شورا - های اسلامی کارکنان" و آئین - نامه های آن، که اکنون طبق دستور وزیر کار اجرائی آن متوقف می شود، به بند - کشیدن جنبش صنفی کارگران و زحمتکشان

### حافظ اسد

بقیه از صفحه ۱

جنایتکار صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران اظهار میکند:

"این جنگ ارتش عربی را در عراق از دست ما گرفت و نیروی عظیم انقلاب ایران را ضعیف کرد. انقلابی که از لحظه نخست اعلام کرد: مسئله "قدس" مسئله اوست و در نتیجه با همه امکانات خود در کنار اعراب برای آزادی "قدس" خواهد ایستاد." (اطلاعات اول دی ۶۰)

حافظ اسد در مورد توطئه ها و شایعه پراکنی های محافظان تبلیغاتی امپریالیستی درباره روابط ایران با اسرائیل اظهار داشت:

"باید گفت ایرانی ها این مطلب را قاطعانه تکذیب کرده اند. رئیس جمهوری عربی سوریه افزود "انقلابی که پرچم اسلام را بلند میکند و آزادی "قدس" از اشغال اسرائیل را یکی از اساسی ترین اصول خود میداند و از لحظات نخستین پیروزی، روابطی که رژیم شاه با اسرائیل موجود آورده بود، قطع میکند و در برابر مسئله فلسطین موضعی اتخاذ میکند، که همان موضع قاطع اعراب است، نمیتواند که با اسرائیل همکاری کند. میخواهم در این زمینه بگویم که هدف این تبلیغات ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران است، نه هیچ چیز دیگر." (همانجا)

بدین ترتیب، حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه بار دیگر در این مصاحبه مواضع صریح و قاطع دولت سوریه را در جانبداری و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تأیید نموده و محتوی سیاست انقلاب شکوهمند مردم ایران را با مبارزه خلق های عرب علیه سیاست توسعه طلبانه دولت صهیونیستی اسرائیل و سیاست تجاوز کارانه آمریکا در این منطقه هم سو ارزیابی میکند.

حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه در مورد روابط سوریه با اتحاد شوروی خاطر نشان نمود:

"در مورد اتحاد شوروی باید بگویم که این کشور در کنار ماست و از ما از نظر تسلیحاتی حمایت خوبی میکند و گسترش روابط سوریه با اتحاد شوروی به نفع سوریه، اعراب و اتحاد شوروی است. از دیدگاه ما شوروی همچنان دوست نیرو - مندی در کنار هم پیمانان خود خواهد ماند، و همانگونه که تجربه جنگ اکتبر ثابت کرد و دیدیم که در جنگ مزبور در کنار سوریه و مصر قرار گرفت و اسلحه و مهمات زیادی در اختیار آنها گذارد. بحث ها و گفتگوهای ما با شوروی در یک چارچوب دوستی و اعتماد متقابل صورت میگردد." (همانجا)

در مورد پیمان استراتژیک اسرائیل و آمریکا و مقایسه آن با پیمان دوستی و همکاری و کمک متقابل میان سوریه و اتحاد شوروی، حافظ اسد اظهار داشت:

"پیمان ما با شوروی صرفاً یک پیمان دوستی است، که مضمون آن نیز واضح است. اما آنچه ایالات متحده و اسرائیل در مورد آن به توافق رسیده اند و نام آنرا همکاری استراتژیک گذاشته اند، در بطور کلی، ادامه دخالت های غیرقانونی دوران طاغوت در امر تشکلهای صنفی و تبدیل آنها به سازمان های دولتی و شبه دولتی است، که به هیچوجه به نفع یک دولت انقلابی نیست. این لایحه و آئین نامه های اجرائی آن ناقض اصول قانون اساسی است، زیرا هم حق تشکیل آزاد صنفی کارگران و زحمتکشان (اصل ۲۶) را زیر پای می گذارد و هم حق مشارکت کارگران در نظارت و اداره تولید اجتماعی (اصل ۱۰۴) را تضییع میکند. لایحه قانونی و آئین نامه های آن اعمال فشار

حقیقت پیمان دشمنی و تجاوز به امت عرب است... دقیقاً نام پیمان تجاوز در مورد آن صدق میکند. (همانجا) پشتیبانی مجدد و موکد رئیس جمهوری عربی سوریه - از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موید این واقعیت است که گسترش مناسبات دوستانه جمهوری اسلامی ایران با جمهوری عربی سوریه و دیگر کشورهای عضو "جبهه پایداری" و تشکیل جبهه متحد و گسترده ضدا امپریالیستی از کشورهای مستقل ملی و جنبش های رهاغی بخش ملی این منطقه و تدوین یک سیاست هم آهنگ بر پایه پایداری در برابر امپریالیسم آمریکا، دولت صهیونیستی اسرائیل و رژیم های ضد - خلقی و وابسته به امپریالیسم مهم - ترین و موثرترین عاملی است که می - تواند تمام طرح های تجاوز کارانه و توطئه های براندازی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی این منطقه را خنثی و محکوم به شکست نماید.

اظهارات حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه در مورد روابط اتحاد شوروی با سوریه و پشتیبانی قاطعانه اتحاد شوروی از مبارزه خلق های عرب تا یکدیگر برای این مطلب است که خلق ها و رژیم های مستقل ملی این منطقه، با گسترش روابط و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای ترقیخواه جهان، می تواند پیروزی خود را در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی بسرکردگی آمریکا تضمین نمایند.

این اظهارات حافظ اسد بویژه از این نظر شایان توجه است که جمهوری عربی سوریه که بعنوان عضو جبهه پایداری و نیروی بازدارنده در برابر تجاوز اسرائیل و امپریالیسم آمریکا در این منطقه، هم - واره مواضع قاطعانه و آشتی ناپذیری اتخاذ نموده و به همین سبب به آماج عمده تحریرات و اقدامات ماجراجویانه دولت صهیونیستی اسرائیل و امپریالیسم امریکا تبدیل شده است، گسترش روابط سوریه با اتحاد شوروی را به نفع سوریه و به نفع مبارزه خلق های عرب در برابر صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا ارزیابی میکند.

در شرایط کنونی که امپریالیسم آمریکا و دستیاران منطقه ای آن، به ویژه دولت صهیونیستی اسرائیل دامنه توطئه ها و تحریرات نظامی و اقدامات ماجراجویانه خود را علیه کشورهای مستقل ملی منطقه و قبل از همه علیه کشورهای عضو "جبهه پایداری"، سازمان آزادیبخش فلسطین، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان گسترش داده اند و تلاش دارند که طرح های براندازی امپریالیسم آمریکا را در مورد رژیم های انقلابی و مستقل ملی این منطقه تحقق ببخشند، ضدا امپریالیستی و ضد صهیونیستی کشور های مستقل ملی این منطقه و گسترش و تعمیق همکاری میان این کشورها به مبرم ترین مسئله در فعالیت های سیاست خارجی آنان تبدیل میشود.

دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه خاص و مبرمی در این زمینه دارد که امید است با پیگیری انجام گیرد. ادامه دارد.

**برای خنثی کردن توطئه های جدید شیطان بزرگ - آمریکا متحد شویم!**

به کارگران را "قانونی" میسازد و سر - چشمه بسیاری از اختلالات در محیط های کارگری در گذشته بوده، اگر حفظ شود، در آینده نیز خواهد بود. روشن است که چنین لایحه ای به همراه آئین - نامه های اجرائی آن باید لغو گردد و کارگران و زحمتکشان از حقوق صنفی و شورایی، چنانکه اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحت دارد، برخوردار گردند.



# هنر در جمهوری اسلامی

## باید مقام شایسته خود را احراز کند

### سخنی بدنبال اظهارات آقای وزیر ارشاد اسلامی درباره هنر

حجت الاسلام معاد یخوآه وزیر ارشاد اسلامی اخیراً چنین گفت: "هنر در جمهوری اسلامی یکی از مهمترین ابعاد انقلاب اسلامی است. متأسفانه پیرامون آن کار نشده است. البته (باید به این کار) با استغناء از نظرات و پیشنهادهای مردم انقلابی و خوش ذوق بپردازیم، که این خود نیز احتیاج به برنامه ریزیهای اساسی و دراز مدت دارد."

سخنان وزیر ارشاد اسلامی یادآور سخنان همانندی است که زمانی حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور، در دوران امامت جمعه تهران، گفته بود و در همان ایام واکنش مثبتی در جامعه و به ویژه بین هنرمندان و هنردوستان یافت. نخست وزیر شهید باهنر نیز در برخورد با هنرمندان بارها از علاقه جمهوری اسلامی ایران به بسط هنر سخن گفته بود. این سخنان نیز همه مبین دوستان همه دوستداران هنر را نه تنها شادمان بلکه چشم براه و امیدوار می‌کند، زیرا مشتاقی قشری بایکسان گرفتن هنر با "لغو لغت" و "منکرات" اخلاقی (!) در واقع این رشته عظیم و جوشان آفرینش فرهنگی انسانیت را دچار بحرانی ساخته است. که در تاریخ کشور ما سابقه است و این خود مایه شرمناکی است.

در جهان چیزی بنام "هنر اسلامی" وجود دارد، که از "الحمراء" اندلس و "باب الشمس" ظلیطه گرفته، تا آثار اصفهان و سمرقند و هند شاهکارهای جاویدان خلق کرده است و در زمینه خط و معماری و کاشیکاری و موسیقی (تلاوت و روضه و تعزیه و دسته و نوحه) و هنر تزئینی و تذهیبی و نقاشی (شماپیل

— سازی) هنرمندان شیعه ایرانی آثار گرانبهائی بر جای گذاشته اند و در تکامل هنر کشور ما نقش برجسته‌ای ایفاء نموده‌اند.

در جهان امروزین به اصناف سنتی هنر (مانند موسیقی و نقاشی و پیکر تراشی و معماری و ادبیات و تئاتر و غیره) فیلم و تلویزیون نیز افزوده شده و رسانه‌های گروهی، که برخی از آنها مانند: ویدئو، کاست و تله ستار و سلایدهای امروزین در اوج تکنولوژی معاصرند هنر را به یک بخش مهم حیات اجتماعی بدل ساخته‌اند و اثرگذار گشته و کنار جامعه متمدن امروزی رخنه داده‌اند و روز به روز هم بیشتر رخنه می‌دهند.

هنر وسیله معرفت، تربیت، آموزش، پرورش ذوقی و تفریح سالم است، پس چگونه ممکن است که پیش اسلامی و جمهوری مبتنی بر این پیش آت را نادیده و خوار می‌گیرد؟ وقتی دوستدار زیبایی است، (ان‌الجمیل و یحب الجمال) و هنر خود سخنگوی زیبایی است، چه جای سخن باقی میماند؟

پر کشور ما علاوه بر هنر سنتی، هنر جهانی سر رخنه زرقی یافته و از واقعیات بدنی و طبیعی زندگی ما عبود و کادرست و وسیع و موسسات متعدد هنری بوجود آمده است، که همه در شرایط کنونی متأسفانه دچار وضع بی‌تکلیفند، این محیط دلسردکننده ممکن است موجب افت و انحطاط شدید جهت فنی و سازمانی امور هنری شود و زیان‌های بسیار بار آورد. پس حق با آقای معاد یخوآه است که باید در این زمینه وارد برنامه ریزی‌های دراز مدت و اساسی شد.

# ورزش

## امروز و فردا

اهمیت ورزش بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل پرداختن به دلایل ضرورت ورزش بصورت یک سیستم که همگان بویژه جوانان و جوانان را شامل شود، لزومی پیدا نمی‌کند. خوشبختانه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران هم بر ضرورت و اهمیت مساله مهمی چون ورزش واقفند. حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور اسلامی ایران در مصاحبه‌ای می‌گوید: "بیگمان پرورش جسمانی... بعد مهمی است و به این ترتیب ما می‌بینیم مساله ورزش در متن وسایل انسانسازی در اسلام قرار می‌گیرد (جمهوری اسلامی - ۲۹ آذر ۱۳۶۰)

رئیس جمهور در همین مصاحبه ویژگیهای ورزش در جامعه ایران را چنین بیان می‌کند: (۱- در این روزگار، مانند همه روزگارهای دیگر، ورزش یک ضرورت برای جامعه ماست.

۲- ورزش باید هدفش همان چیزی باشد که از ورزش متصور است، یعنی تربیت جسمی انسانها و نه قهرمان سازی و چیزهایی از این قبیل.

۳- ورزش باید عمومی و در سطح جامعه باشد. به این ترتیب ما ورزش حردای را قبول نمی‌کنیم.

۴- ورزش باید حجم و وقت گیرش برای مردم زیادتر از اندازه لازم خودش نباشد و بصورت یک سرگرمی، که آنها را از کارهای دیگر بازمی‌دارد، در نیاید (همانجا)

رئیس جمهور اضافه می‌کند: آنچه که درباره ورزش گفتم، متعلق به همه است، یعنی از جمله زنان و نه فقط به مردان. زنها هم حق دارند آن ورزش سالم جهتدار و معنی داری را که گفتیم بکنند" (همانجا)

چنانکه بایسته مقام ریاست جمهوری است، نقطه نظرهای حجت الاسلام خامنه‌ای هم به جنبه پرورشی ورزش متوجه است و هم به جنبه اجتماعی سیاسی آن.

واقعیت این است که امپریالیسم در برنامه عمومی منحرف سازی افکار توده‌ها از مسائل اساسی جامعه، از ورزش نیز سوء استفاده می‌کند. عمال امپریالیسم می‌کوشند تا از سوئی انرژی جوشان جوانان را فقط و فقط متوجه ورزش کنند و از سوی دیگر ورزش را به یک قمار تبذیل و از این راه تیزجیب‌های سرمایه داران را پرتر کنند.

در جوامع مترقی وضع درست بر عکس است. در جوامع مترقی ورزش به صورت یک سیستم فراگیر حضور دائمی دارد. کودکان همین که به راه می‌افتند، مجال این را می‌یابند که با انواع ورزش‌هایی که در خوردن آنها است، پرورش خویش را آغاز کنند. این فرآیند، که آموزش نیز همراه آنست، تا

سوء استفاده‌ای که امپریالیسم و ارتجاع جهانی و رژیم سرنگون شده سلطنتی در هنر کرده و می‌کنند نگاه هنر نیست، چنانکه ساختن بمب هیدروژنی و نوترونی نیز گناه علم فیزیک نیست. ما در سرشته علم، هنر و فن باید به سطح جهانی برسیم و از هم اکنون در این سمت حرکت کنیم. معنای استقلال جز این نیست. اگر مادر هر یک از این رشته‌ها و پس مانده‌ها باشیم، بعدها انگشت‌نمایدند که به دندان خواهیم گزید.

در درجه اول وزارت ارشاد اسلامی، که بر خورد سالم و با فرهنگ خویش را به مسئله هنر در بیان وزیرش نشان داده است، باید برای ایجاد فضای سالم و آبرو برای هنر در جمهوری اسلامی ایران مساعی خود را بکار اندازد. البته این تنها مربوط به این وزارتخانه نیست و نهادهای دولتی و اجتماعی متعددی باید با وزارت ارشاد اسلامی در این امر مهم، که آقای معاد یخوآه آرا بدستی "یکی از مهمترین ابعاد انقلاب اسلامی" خوانده است، همکاری کنند و اجازه ندهند که تحت عنوان "بازارهای منکرات" به جای جلوگیری از بهره‌کشی و احتکار و گرانی و گرانرویی و غصب حاصل رحمت کارگرو دهقان، در راه شکوفائی هنر، مشکلات خشن پدید آید.

ما خرسندی و خوشنودی خود را از اظهار نظر صریح آقای وزیر ارشاد اسلامی ابراز می‌داریم و امیدواریم که از بی گفتار نوبت کرداری مناسب و گسترده فرارسد و دولت سیاست خود را در زمینه هنری بطور نهائی روشن سازد و راه تکامل هنری کشور را بگشاید.

## رادیو اویسی مدافع کدام "اسلام" و کدام "شرع" است

اسلامی ایران و رهبری آنرا مورد تهاجم قرار می‌دهند.

زیرلوی دفاع از این "اسلام اشرفیت" - به اصطلاح بجای رئیس مجلس شورای اسلامی - این "اسلام آمریکایی" - به اصطلاح درستی که پس از انقلاب اسلامی ایران رایج شده - تمام غارتگران، غاصبین و جنایتکاران در کشورهای اسلامی، توده‌های حجتکش را غارت کرده اند و مبارزات حق طلبانه آنان را "ضد اسلامی"، "غیر شرعی" و "گفرتیز" خوانده‌اند، همواره با آن اسلامی که توده‌های میلیونی مردم از آن پیروی نموده‌اند و بهمین دلیل دیروز از امام علی و امروز از امام خمینی پشتیبانی کرده‌اند، در برابر هم وجود داشته و با یکدیگر در جنگی آشتی ناپذیر درگیر بوده‌اند. پیروزی اسلام "محمد رضاها همواره به کشتار مردم انقلابی، ادامه غارت آنها و تسلط فقر و ستم و خفقان انجامیده، و پیروزی اسلام انقلابی، اسلام خمینی، آنگونه که دورنمای آنرا انقلاب اسلامی ایران به توده‌های مردم نموده است، به کوتاه شدن دست بزرگ غاصبان و بزرگ غارتگران، آری با ستم و فقر و اختناق و به تأمین استقلال و آزادی و سعادت و رفاه برای توده‌های میلیونی زحمتکش، منجر خواهد گشت.

بهمین دلیل است که رادیو اویسی، لویچی را که اموال غصب شده و غارتی مشتکی سرمایه دار فراری را به صاحبان اصلی آنها بازمی‌گرداند، جو رستم هزاران ساله مشتکی فتوادل را پایان می‌دهد و می‌کوشد تا دست مکندگان خون مردم انقلابی را کوتاه سازد، "ضد اسلامی" و "غیر شرعی" می‌خواند. از "اسلام" مورد دفاع

افکار مردم و دولت دکتر مصدق از خطر واقعی - آمریکا و برای ایجاد زمینه جهت وارد آمدن ضربه کودتای آمریکایی، با همین حرارت از جانب اویسی‌های آن زمان تبلیغ میشد، توطئه شومی که متأسفانه به نتیجه هم رسید. و اکنون اویسی‌های این زمان، که توسط انقلاب بزرگ مردم ایران از کشور بیرون رانده شده‌اند و هر روز دورنمای بازگشت و اعاده دوران خوش گذشته را تیسره تر می‌بینند، درست به هنگامیکه نیروهای نظامی آمریکا و متحدان اروپایی و وابستگان منطقه‌ایش در آبهای منطقه گشت می‌زنند و برای تمام جنبش‌ها و کشورهای انقلابی منطقه، بویژه ایران انقلابی، خط و نشان می‌کشند، شگرد - های آشنا را به میان می‌آورند - امری که سخت هشدار دهنده است.

دفاع بلندگوی اویسی خاشن و جلاد از "اسلام" در عین حال آموزنده است. تجربه دوران قریب به سه سال انقلاب اسلامی ایران، این واقعیت را به اثبات رسانیده است که دشمنان تشنه بخون انقلاب، از کدام "اسلام" کدام "شرع" دفاع می‌کنند. این "اسلام" همان "اسلامی" است که در نمونه‌های تاریخی، معاویه‌ها و یزیدها، در نمونه - های نزدیکتر، محمد علی شاه و رضا خان و محمد رضا خان، در نمونه‌های منطقه‌ای خاندانها، ضیا الحق‌ها، شاه حسین‌ها، شاه حسن‌ها، صدام‌ها و قابوس‌ها، در نمونه‌های پس از انقلاب "خلق مسلمان" ها، لبرالها، فرقانی - ها، بنی صدرها، زیرلویان، به مانند سلف خویش عمرعاص، به جنگ و اسلام انقلابی، اسلام علی و اسلام خمینی رفتند و اکنون نیز، با توسل بدان، به اشکال مختلف، انقلاب

این روزها برنامه‌های رادیوی جلادان ۱۷ شهریور، بسیار هشدار دهنده است. رادیو اویسی، که ضجه سوبیدانه ساواکی‌های جنایتکار فراری و زوزه خشمکین تيمساران خونریز و غارتگر را منعکس می‌کند - که کاملاً مفهوم است - ناگهان با حرارتی بیسابقه و شوری نامنظر، بیاد "اسلام" افتاده و سنگ "شرع" برسینه می‌زند!

که هشدار دهنده است.

گوش کنید:

"به گزارش خبرنگار رادیو از تهران، با تفویض اختیارات ولایت فقیه از سوی امام (امام) خمینی به مجلس شورای اسلامی، بزودی شاهد لوایح و قوانین عجیبی خواهیم بود... بسیاری از این قوانین از جمله قوانین مربوط به غصب (!) زمینهای کشاورزی، اراضی شهری و مستغلات مسکونی و تجاری، خلاف دستورهای قران و اسلام است. بنابراین هاشمی رفسنجانی و همکارانش چاره را در آن دیدند که از شخص امام (امام) خمینی... بخواهند که با دخالت خود کلاه شرعی بر سر اینگونه لوایح بگذارند". (برنامه ۶۵/۹/۱۴)

رادیو آزاد! "اویسی"، سپساز جمله این قوانین "ضد اسلامی"، "بند ج" و لایحه مسکن و... نام می‌برد و در برنامه دیگری (۶۵/۹/۱۲)، دولتی شدن بازرگانی خارجی را هم بدان می‌افزاید!

این دفاع پر شور از "اسلام" در برنامه‌های رادیو اویسی با خصی بهمان اندازه پر حرارت و ویر سرو صدا تکمیل می‌شود که تبلیغ می‌کند: "ایران در دامن کمونیسم است"، "این لوایح با اصول مارکسیسم انطباق کامل دارد" و... درست همان خطی که در روزهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد برای انحراف

پایان عمر افراد ادامه دارد. در نتیجه ورزش بصورت یک ضرورت روزانه با زندگی افراد در می‌آمیزد. نسل نو کشور - های مترقی در میدانهای ورزشی با روح همکاری و دوستی با همها ناسنبا پرورش می‌یابد. تجربه چند دهه‌ها اخیر نشان داده است که این شیوه انقلابی از یک سو به ایجاد نسل‌های نیرومند و توانا یاری رسانده و از سوی دیگر قهرمانان کشورهای مترقی جهان را بر سکوه‌های اول جهانی جاداده است. موفقیت این شیوه چنان است که کشور کوچکی مانند کوبا، در چند رشته مهم ورزشی، در شمار صاحبان نامان ورزش جهان در آمده است.

جامعه ایران - چنانکه در سخنان رئیس جمهور منعکس است - به چنان آینده درخشانی نظر دارد. جامعه‌ای که در آن ورزش نه در اختیار نور چشمی‌ها، بلکه امری همگانی باشد. آینده‌ای که در آن ورزش نه در خدمت فریب توده - ها، بلکه وسیله‌ای برای پرورش نسل نو باشد. و این هدف مقدسی است که برای رسیدن به آن از امروز باید پایه - های لازم را فراهم ساخت.

متأسفانه باید گفت، در سه سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، روشن - بینی رئیس جمهوری بر سیستم ورزشی ما، که میراث طاغوت است، حاکم نبوده است. در ورزش نیز بر خورد های قشری و سلیقه‌های شخصی فراز نشیب - های فراوان ایجاد کرده است. در نتیجه اکنون ورزش ایران، در زمینه ایجاد شالوده برای فردای امیدبخش دستاورد چندانی برای عرضه ندارد.

اکنون که انقلاب در همه زمینه‌ها در راه تثبیت گام بر می‌دارد، در ورزش نیز باید رهنمودهای رئیس جمهوری به کار گرفته شود بر اساس آن برنامه ریزی به عمل آید. نسل جوان ما، که در میدان - های رزم انقلابی شهادت و ولایت خود را نشان داده است، باید فرصت این را بیابد که از همه امکانات موجود در زمینه ورزش استفاده کند. تربیت کادرهای دلسوز و متخصص و استفاده از ورزشکارانی که اکنون دارای این ویژگیها هستند، اهمیت درجه اول دارد، با سازمان دادن سفرهای ورزشی و دعوت از تیم‌های ورزشی کشورهای انقلابی برای کسب تجربه و یختگی در میدانهای آزمایش، با گسترش زمین‌های ورزشی موجود و استفاده از پارکها و زمین‌های بایر محلات در کوتاه مدت، میتوان تا حدی کمبودهای کنونی را بر طرف ساخت.

اما آنچه بیشتر از هر چیز ضرورت حیاتی دارد، برنامه ریزی برای ورزش، با استفاده از تجربه کشورهای مترقی است، مافعلیه این کوتاه‌بسنده می‌کنیم و ضمن امیدواری به اینکه مسئولان ورزش رهنمودهای رئیس جمهوری را به کار ببندند، در آینده با هم به این مساله حیاتی خواهیم پرداخت.

"چنگال کمونیسم" فرامی‌خوانند. اظهاراتی که از حنجره خونین و کثیف اویسی‌ها بیرون می‌آید، هشدار جدی به مسئولان جمهوری اسلامی ایران است که هر چه سریعتر به آنچه این جنایتکاران را به زوزه کشیدن واداشته است، جامه عمل ببوشانند و با تصویب هر چه سریعتر قوانین و لوایح انقلابی و اجرایی آنها، مایه‌های امیدواری اویسی‌ها را نابود و "اسلام" مورد نظر آنها را افشا سازند. این اظهارات همچنین باید برای آن دسته از مسلمانان نا آگاهی که همچون بوموسی اشعری‌ها، فریب سالوس عمرعاص‌ها را خوردند و چون آنها نا آگاهانه و ناخواسته از "اسلام" غارتگران مدافعه می‌کنند، آموخته و هشدار دهنده باشد و آنها را از هم - نوایی با این دشمنان تشنه بخون انقلاب اسلامی ایران بازدارد.

اویسی خاشن و جلاد و ساواکیهای فراری، جز این انتظار نمی‌رود.

نگرانی و خشم "صدای آزادی!" از تصویب و اجرای لوایح انقلابی - که او بیپوده می‌کوشد زیر نقاب دفاع از "اسلام"، آنها را تخطئه کند - بعد دیگری هم دارد و آن این است که، تصویب و اجرای این لوایح می‌تواند آنچنان نیروی توده‌ای عظیمی را به پشتیبانی از انقلاب برانگیزد و آنچنان پایه‌های توده‌ای آنرا مستحکم سازد که هیچ نیروی امپریالیستی و ضد انقلابی نیز قادر به فروریختن آن نباشد. به همین دلیل است که اویسی‌ها درست همان زمان که برای "اسلام" دل می‌سوزانند، با تمام نیرو از قوای اهریمنی امپریالیسم سرگردگی آمریکا "استعداد" می‌طلبند و آنها را به مداخله هر چه سریعتر برای "نجات ایران" از



چندی پیش روزنامه "نویسن دوپچلند"، ارگان کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان "مصاحبه‌ای با "کوماندا نته دانیل اورنگا"، هم - آهنگساز شورای دولت و عضو رهبری ملی "جبهه ساندینستی آزادی ملی"، بعمل آورد، که متن آن در زیر نظر خوانندگان میگردد:

**پرسش:** یا توجه به تشدید حملات ضدانقلابی به انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ساندینستی، اوضاع کنونی نیکاراگوئه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
**پاسخ:** انقلاب ما اکنون از مرحله - ای دشوار می‌گذرد. در کشورمان نیرو - های هستند که قصدشان براندازی حاکمیت انقلابی در نیکاراگوئه است. این نیروها راستگرایان افراطی، گروه -

های بورژوازی و فراطیون چپ را دربر می‌گیرند. اینان مدتهاست که می‌کوشند حکومت خلق را زیر علامت سؤال قرار دهند و آنرا در برخی گستره‌ها ضعیف کنند. از سوی دیگر، باید از ارتجاع بین‌المللی نام ببریم، که تاکنون واقعیت حکومت انقلابی ما را به رسمیت نشناخته است و از گروهک‌های ضدانقلابی در داخل کشور هواداری می‌کند، که می - خواهند ثبات زندگی اجتماعی را برهم بزنند و شرایط پیش از انقلاب را به نیکاراگوئه بازگردانند.

البته خواست آنها یک چیز است و واقعیت چیزی دیگر. درباره حاکمیت انقلابی، که مردم نیکاراگوئه با جانبازی خود پدید آورده‌اند، حتی حاضر به بحث هم نیستیم. ماحق خود میدانیم که



برای نخستین بار پس از آزادی نیکاراگوئه، از کودکان یتیم نگهداری میشود.

## در نیکاراگوئه

### چه می‌گذرد؟

احترام به قوانین دولت را طلب کنیم - قوانینی که انواع مناسبات مالکیت و فعالیت احزاب گوناگون و حقوق دمکراتیک را تضمین می‌نمایند.

**پرسش:** دولت شما در سپتامبر قوانین اضطراری به تصویب رساند، که هدف آنها بویژه حفاظت از اقتصاد در برابر حملات ضد انقلاب و تجاوز اقتصاددی از خارج است. نتیجه این اقدامات تا کنون چه بوده است؟

**پاسخ:** همه کس با وضع پیچیده بازار جهانی آشناست. این بحران به ویژه بر کشورهای فقیری چون نیکاراگوئه اثر می‌گذارد. علاوه بر این باید از اخلاک‌گرایی سخن گفت، که شما نیز از آنها یاد کردید ما مجبور شدیم با اقدامات فوق العاده در برابر این وضع واکنش نشان دهیم، علت آنکه نتوانستیم به این امر متوسل شویم، پشتیبانی خلق و اعتماد نوده کارگران و دهقانان به رهبری انقلابی بود.

نخستین پیامد قوانین جدید - آمادگی بیشتر زحمتکشان برای افزایش تولید و هشیاری دو چندان در برابر کسانی است که قصد اخلال در کار صنعت و کشاورزی را دارند (سرمایه خود راه خارج انتقال میدهند و با ازگشت زمین خود داری میوزند). در این زمینه همچنین باید از اصطلاح "چپ‌هایی نام برد، که عوام فریبانه به طرح خواست‌های غیرواقعی بینانه، می‌پردازند و اعتصابات راه می‌اندازند، که به زبان

خود زحمتکشان است. خلق ما در برابر آن بخش از بورژوازی نیکاراگوئه، که به‌جای تولید، به‌مقابله با حاکمیت انقلابی برخاسته است، قاطعانه ایستادگی خواهد کرد.

این قوانین همچنین دارای سود - مندی اقتصادی است. بزودی خواهیم توانست در پنج درصد هزینه‌های بودجه پیشین صرفه جویی بکنیم.

**پرسش:** ممکن است درباره روش اصول سیاست داخلی و خارجی نیکاراگوئه توضیحاتی بدهید؟

**پاسخ:** در زمینه سیاست داخلی باید تاکید کنم که دولت انقلابی نیکاراگوئه به پشتیبانی خلق اتکالی کامل دارد. بنابراین، بعنوان دولتی مردمی، وظیفه داریم که روز بروز در راه بهبود شرایط زندگی کارگران و دهقانان و توده مردم بکوشیم و جامعه‌ای نوین را در نیکاراگوئه شالوده ریزیم.

مابرای پیشبرد این هدف به پشتیبانی برابر همگان نیازمندیم. کارگران باید بدانند که کار بهتر سود خود آنهاست، برای بخش خصوصی نیز باید انگیزه تولید بار آورتر و به سود مردم وجود داشته باشد.

امکانات همکاری اقتصادی و سیاسی برای محافل گسترده جامعه ما بسیار وسیع است. آنها حتی می - توانند در "شورای حکومت" که نهادی شورایی است و درباره قوانین نیکارا - گوئه تصمیم می‌گیرد، شرکت جویند. ما در عین آنکه برای همه شهروندان خود حقوق و آزادی‌های دمکراتیک را کاملاً تامین میکنیم، به هیچ‌کس اجازه بر - اندازی حاکمیت انقلابی را نمی‌دهیم. در گستره سیاست خارجی، ما از مشی عدم تعهد پیروی می‌کنیم و خواهان برقراری نظام اقتصادی جدید و عادلانه بین‌المللی هستیم. موضع ما موضع پیگیر ضد امپریالیستی است. این موضعگیری طبعاً شامل مناسبات

ما با ایالات متحده آمریکا نیز می‌شود، که بزرگترین تاثیر را بر تاریخ کشور ما داشته است. ایالات متحده آمریکا نیروی وزینی است، که در محاسبات مابینه آن توجه می‌شود. اما انقلاب ما نشان میدهد که مانیز برای خود احترامی پدید آورده ایم.

**پرسش:** ارزیابی شما از مناسبات خود با جمهوری دمکراتیک آلمان چیست؟



کوماندا نته دانیل اورنگا، هماهنگساز شورای دولت و عضو رهبری ملی "جبهه ساندینستی آزادی ملی"

**پاسخ:** مناسبات میان نیکاراگوئه و جمهوری دمکراتیک آلمان و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی پس از پیروزی انقلاب ساندینستی در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۸ تیر ۱۳۵۹) بر پایه همبستگی استوار است، که در دوران مبارزه علیه دیکتاتوری سوموزا پدید آمد. بدینسان، کاملاً طبیعی بود که در همان روز پیروزی مناسبات دیپلماتیک میان نیکاراگوئه و جمهوری دمکراتیک آلمان برقرار و روز بروز ژرف تر شود. جمهوری دمکراتیک آلمان به نوسازی کشور ما کمک معنوی، سیاسی و مادی میکند. مردم و دولت نیکاراگوئه از همبستگی و کمک‌های بی‌دریغ جمهوری دمکراتیک آلمان عمیقاً سپاسگزارند.

فتودالها و سرمایه داران از شمره کار کارگر و دهقان ثروت می‌اندوزند و آنها را استثمار می‌کنند؟

مگر این دروغ است که در جامعه - های طبقاتی اکثریت کوخ نشین و مستضعف و پابرهنگه، زحمت می‌کشد و چیزی ندارد و اقلیت کاخ نشین و مستکبر و متفرعن، شته و آزار از این درخت تناور تغذیه می‌کند؟

مگر استثمار دروغ است؟ مگر آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین بوسیله کشورهای امپریالیستی چا پیده نمی‌شوند؟

مگر تبعیض نژادی و جنسی دروغ است؟ مگر این دروغ است که آمریکادر جهان دوهزار پایگاه و پانصد هزار ارتش دارد و تا ۱۹۸۵ برابر با هزار و پانصد میلیارد دلار خرج تسلیحات می‌کند؟

ولی امپریالیسم خبری برای شما با اطمینان ثابت می‌کند که بله، البته که همه اینها دروغ است. خطر تنها از سوی امام خمینی، سرهنگ قذافی، فیصل کاسترو، ساندینستی‌های نیکاراگوئه، سیاهان آنگولا و امثال آنهاست که جهان را تهدید می‌کند، ولی آقای ریگان مملو از عواطف و احساسات بسیار رقیق و مسیحانه صلح دوستی است و دوستان ایشان امثال پینوشه، ملک خالد، ضیاء الحق، سلطان قابوس، ملک حسن، بگین، جعفر نمیری، و امثالهم همه نمایندگان پاکوپا کیزه تمدن شیک و معطر غربی هستند! این را رسانه‌های گروهی امپریالیستی به شما ثابت می‌کنند.

چگونه باید مردم جهان را از این خطر، از این سم مهلک، که "امپریالیسم خبری" نام دارد و هزارها روزنامه و مجله و کتاب شیک و خوش چاپ با عکسهای هیجان انگیز در دهها میلیون نسخه نشر می‌دهد و صدایش به همه زبانها، از قطب تا قطب منعکس است، بر حذر داشت؟

باید فریاد برآورد: مزدم! از این اهریمن مکار دروغ پرهیز کنید! عقل و منطق خود را بکار برید! سعی کنید از حقایق اجتماعی سردر بیاورید. دنبال شایعه و هیجان نروید!

## امپریالیسم خبری

### اهرمین هزار زبان گمراه سازی بسود غارتگران و ستمگران اجتماعی

و منظور از این واژه طنز آمیز ژرف - اندیشی بهمنای جدی این کلمه نیست، بلکه سرهم بندی مطالب تجریدی و به ظاهر بسیار علمی و فلسفی بابت های آگاهانه کاملاً معین است.

"ژرف اندیشی" برای شما فاکت می‌آورد و دروغ هم نمی‌گوید، ولی آن فاکتی را می‌آورد که دلخواه اوست. حتی تا مرز سه چهارم حقیقت هم پیش می‌رود، تا یک چهارم زهر خالص (۱۰۰٪ خالص) دروغ را جایزند و او بلد است که چگونه جا بزند که شما حسن ن کنید و خود را سراپا با علم و صداقت زور بوبرو بیانگارید!

مادر ایران نمونه‌های وطنیش را داشتیم و داریم. شاه ملعون و زنش گروه "اندیشمندان دانشگاهی"، راگرد می‌آوردند، تا درباره "دیالکتیک دور - نگر" شاهنشاهی (!) تصمیم بگیرند. دانشگاه‌های آمریکا و اروپای غربی صداها والت رستو، برژینسکی، پوپر، کیسینجر، ریمن آرون در اختیار دارند. "حلقه وین" و "حوزه فرانکفورت" و محافل رنگارنگ فلسفی راه می‌اندازند تا آنچه‌ی را ثابت کنند که بسود "ارباب" است.

برخی از آنها حتی نقاد و انقلابی و بیطرف و مستقل هم می‌شوند! پس چه خیال کردید؟! ولی در لابلای همه اینها "خط" ضد انقلابی و محافظه - کارانه، مودیانه، خود را جای می‌دهند. حداقلش آنست که شما را کج می‌کنند و ماور به حقیقت، ایمان به مبارزه را در شما متزلزل می‌سازند، به طوریکه خود بگوئید همه اش کلک است. ولی مگر این دروغ است که

ساده بینی، خوشامروزی، خواست اندیشی، شیرک کردن و به میدان فرستادن، استفاده می‌کند. برایش مهم نیست که در نتیجه، این روش تسکوارانه اش، افرادی که طعمه قرار می‌گیرند، دچار چه سرنوشتی شوند. برایش مهم نیست که دروغش فاش میشود. روز دیگر دروغ را به نحو دیگری تکرار می‌کند. یا تردستی حقه‌بازان حرفه‌ای، انسانهارا باز بچه خویش میسازد. واژه "استعمار" که ساخته‌اند، درباره امپریالیسم خبری کاملاً صادق است.

روشنفکران صهیونیست در رسانه‌های گروهی نقش مهمی دارند. قدرت اقتصادی صهیونیست‌ها، بویژه در آمریکا، کارپول ریختن بیای این روشنفکران خود فروخته را مانند آب خوردن سهل و ساده می‌کنند. این روشنفکران خود فروخته (مثلاً مانند داریوش همایون و امیر طاهری و تورج فرازند و وطنی خود مان در رژیم گذشته) سفیسطه، هوش، جاذبه، فصاحت، اطلاع و عوام فریبی خود را در اختیار "ارباب" قرار می‌دهند.

کالاهای تبلیغاتی که امپریالیسم خبری در کارخانه عظیم خود تدارک می‌بیند، بسیار رنگارنگ است. از شایعه - سازی مبتذل برای آذایی اطلاع و پی خیر از همه جا، تا کتابهای ضخیم "تئوریک" مملو از اصطلاحات کاملاً "مدرن" یونانی - لاتینی و اندیشه - های "ژرف اندیشانه" تا کنفرانس های "علمی" و "فلسفی" در رسانه‌ها و اتالار - های مجلل دانشگاه‌های پراوازه. واژه "ژرف اندیشی" در سده نوزدهم در آلمان و روسیه متداول شد

انقلاب علمی و فنی عصر ما، سیاره ما را بسیار بهم نزدیک ساخته است. وسائل ارتباط و اطلاع ما را مدرن، که تمام سطح کره را می‌پوشاند. دیگر مسئله عادی است. هم اکنون تلویزیون رنگین جهانی، عکسبرداری و خبررسانی دائمی از ماهواره‌ها در فضا، استفاده وسیع از سلاید، کاست و ویدئو، تلکس کمپیوتر و غیره امری رایج است. هر روز پیدای، در هر نقطه جهان، تقریباً بلافاصله در رسانه‌ها بازتاب می‌یابد و مفسران رسانه‌های گروهی امپریالیستی آنرا در مقطع دلخواه خودشان تفسیر می‌کنند. امپریالیسم از غرائز جانورانه: شهوت، حماقت، طمع، سادیسیم و آزار - دوستی، کشش بسوی پول و ثروت، تبدیل سیاست و علم به ماجراهای هیجان انگیز و افسانه‌های بی معنی، جعل خبر و ضد خبر (دزدن فرماسیون) و غیره حداکثر استفاده را می‌کند و راهش را خوب بلد است و مشتریان خود را با علاقه به این نوع شیوه‌ها با می‌آورد و مایل است آنها سطحی باشند و آسان در دام بیفتند.

طی قریب سه سالی که از انقلاب ما می‌گذرد، امپریالیسم خبری دهه مرتبه تاریخ و روز معین کرد که در آن روز جمهوری اسلامی ایران سرنگون خواهد شد!

رضاپهلوی و بختیار بارها وعده دادند که بزودی برمی‌گردند و چنین و چنان میکنند. "تسخیر احمق" و تاثیر در اذهان خوشبایور از شگردد های امپریالیسم خبری است.

امپریالیسم خبری روی مبتدل - ترین خصلت‌ها: نادانی، بی خبری،

یکی از اصطلاحات با محتوای روزنامه نگارانه، که بویژه در سالهای اخیر مرسوم شده و در مطبوعات کشور ما هم بکار می‌رود، اصطلاح امپریالیسم خبری است.

مقصود از این اصطلاح آنست که رسانه‌های گروهی و سمعی و بصری (البته با افزودن "مطبوعات") که در اختیار سرمایه‌داری امپریالیستی قرار دارند و به آخرین وسایل فنی و گاد درجه اول تبلیغاتی مجهزند، شب و روز در کارند، تا ثابت کنند که جهان ضد امپریالیستی (اعم از سوسیالیست یا غیر سوسیالیست) متجاوز، تروریست، خشن، متعصب و کوتاه بین است و یا ناسپاسی علیه ولی - نعمت "تمدن" غربی خود برخاسته است.

"خطر کمونیسم"، "خطر نیمکره جنوبی"، "مهمترین خطر جهانی است که فرهنگ پر فروغ غرب و دمکراسی را تهدید می‌کند" (این محتوی با اشکال بسیار متنوع و فریبنده تکرار میگردد. از انتظاف نباید گذشت، مبلغان امپریالیستی کار خود را از جهت تبلیغی بدانجام نمی‌دهند و دروغهای بیش‌مانه خود را، تا آنجا که می‌توانند خوب در جهان پخش و القاء می‌کنند و آنرا درست به بند بیهای گاه حدایی عرضه می‌کنند.

کارشناسان تبلیغات در کشورهای امپریالیستی (اعم از جامعه شناسی و روان شناس) دستور عملها و توصیه های عملی فراوانی تدارک دیده‌اند، که دزد صد - ها کتاب گرد آمده است. این کتابها را در کتابخانه‌های می‌فروشند. بعضی شیوه - های پلید نیز هست که از اسرار است و در کشورهای سری نگاه می‌دارند.

مانی خواهیم خواننده را با ذکر ارقام و اسامی ملول سازیم. "آنحاکه عیان است، چه حاجت به بیان است!" از موقعی که انقلاب در ایران پیروز شد، کشورهای امپریالیستی یک سلسله ایستگاه - های رادیویی در اختیار دار و دسته‌های ضد انقلابی ایرانی مقیم خارج گذاشتند که با طرز مبتذل و ناشایه ای "دروغهای بزرگ" گویزی می‌گویند و در عین حال برنامه‌های فارسی مخصوص خود را نیز بسط داده‌اند.



جولان نه، ایران!

در همان حال که غاصبان اسرائیلی اعلام کردند که ارتفاعات جولان را بعنوان ملک پدیری خودشان تصاحب کرده اند و به هیچ روی آنرا به صاحبان اصلیش پس نخواهند داد، شیخان و شاهان مرتجع عرب در مناها گرد آمدند، تا بهانه رویارویی با خطری که گویا از جانب ایران استقلالشان را (کدام استقلال؟) تهدید میکند، "تدابیر فوق العاده امنیتی" اتخاذ کنند.

کنفرانس منامه چهره سران مرتجع عرب را بار دیگر چون آینه نشان داد. نماینده عربستان سعودی در کنفرانس، به نیابت از شیطان بزرگ، آمریکا از کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج فارس" (عمان، قطر، امارات متحده عربی، کویت، بحرین) خواست که جنبه متحدی بر ضد جمهوری اسلامی ایران (بگفته و "تروریسم در منطقه خلیج فارس") تشکیل دهند. عربستان سعودی اصطلاح "تروریسم" را نیز از فرهنگ شیطان بزرگ - آمریکا به عاریت گرفته است. ریگان و دارودسته اش هر جنبش انقلابی هر کشور انقلابی هر شخصیت انقلابی را با کلماتی از قبیل "تروریسم" "تروریست" و غیره توصیف و بدینسان توطئه ها و دسائس خود را علیه آنان توجیه میکنند. چنین است که رژیم لیبی برای آن یک رژیم "تروریستی" است و کوبا و نیکاراگوئه، نیز کسانی چون قذافی و کاسترو "تروریست"!

توطئه ای که شاهان و شیخان مرتجع عرب زیر پرده "مبارزه با تروریسم در منطقه" طرح ریزی کرده اند، جزئی تفکیکناپذیر از سیاست امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس است، که از فروش آواکس به عربستان سعودی گرفته، تا مانور "ستاره" در خشان و ایجاد پایگاه های نظامی و فرودگاه ها و غیره را شامل میگردد و لبه تیز همه آنها نیز متوجه جنبش های انقلابی منطقه و قبل از همه انقلاب ایران و افغانستان و پیشگیری از تحولات انقلابی در عراق است.

سران مرتجع عرب بی پرده به کمک حامیان امریکائی خود برخاسته اند. سخنان نایف بن - عبدالعزیز وزیر کشور عربستان سعودی و شیخ محمد آل خلیفه وزیر کشور بحرین، هنگام امضای قرارداد امنیتی، نشان میدهد که امپریالیسم های امریکائی، با احتساب تحولاتی که اخیراً در جنبه جنگ تحمیلی عراق به سود ایران روی میدهد، تصمیم گرفته اند که جنبه "تازه ای علیه انقلاب اسلامی ایران بکشایند و بخشی از نیروهای مارا برای رها کردن عراق از شکست نهائی به سوی این جنبه جلب کنند. اگر در این جنبه، رویارویی نظامی نیز صورت نگیرد، ناگزیر قسمتی از نیروهای مارا به سوی خود خواهد کشاند، که خود کمک مستقیم به عراق است.

نایف بن عبدالعزیز در حالیکه بی شرمانه ایران را به داشتن گرایش های سلطه جویانه رژیم شاهنشاهی (زانداری خلیج فارس) متهم میکرد، اعلام داشت که عربستان سعودی هر اقدام ایران علیه کشورهای خلیج را حرکتی علیه امنیت خود تلقی خواهد کرد و ای سپهر در یک کنفرانس مطبوعاتی در پایتخت بحرین گفت که گویا ایران علیه تمام کشورهای حوزه خلیج، از عمان تا کویت توطئه بزرگی تدارک دیده است! بدینسان عربستان سعودی با طرح یک سلسله دروغ های بی اساس، جنگ مخفی خود با جمهوری اسلامی ایران را به رویارویی آشکار با انقلاب اسلامی ایران مبدل میکند.

بدنبال سخنان نایف بن عبدالعزیز، صدای آمریکا اطلاع داد که به پیشنهاد بحرین یک نیروی ضربتی در خلیج فارس تشکیل خواهد شد، تا در صورت بروز خطری برای یکی از کشورهای منطقه، به یاری آن کشور بشتابد. این نیروی ضربتی شاخه محلی "سپاهواکنش سریع آمریکا" خواهد بود و وظیفه اصلی آن نیز، علاوه بر رویارویی با انقلاب اسلامی ایران، سرکوب جنبش های انقلابی در هر یک از کشورهای منطقه (از جمله عراق، در صورت بروز تحولات انقلابی) خواهد بود.

آری، برای شیوخ و ملوک مرتجع عرب ایران انقلابی از صهیونیست های غاصب جولان خطر - ناکتر است. نیروی ضربتی را زیر چتر آواکس - های امریکائی، برای سرکوب جنبش های انقلابی منطقه تشکیل میدهند، اما سوریه را در برابر اسرائیل غاصب تنها میگذارند و در چنین حالتی چرا اسرائیل جولان را نبلعد؟

بودبنده نازنین مشتزن!

حملات لفظی سران اسرائیل به دولت آمریکا و لغو یک جانبه پیمان استراتژیک اسرائیل و آمریکا در برابر "تعلیق" آن از سوی دولت ریگان، که البته به گفته سران هر دو کشور "تأثیری در روابط حسنه" اسرائیل و آمریکا نخواهد داشت (!) نشانه است که بگین و دارو دسته اش به

اهمیت مقام اسرائیل در استراتژی آمریکا خوبی واقفند و میدانند که تعلق خاطر امپریالیسم یانکی به یار اسرائیلی اش بیشتر از آنست که با این درشتخوئی ها رسته محبت را بگسلد. منافع صهیونیسم جهانی در هیچ جا از منافع امپریالیسم جدانیت و در چارچوب این روابط است که امپریالیسم آمریکا درشت گوئی بنده نازنین خود را می پذیرد. اما در پشت پرده روابط حسنه تراز آنست که با این حرف ها در آن خدش های وارد شود. خود سری اسرائیل نیز در چارچوب همین روابط شکل میگیرد. اسرائیل خود سرانه هیچ تصمیم مهمی را اتخاذ نمیکند. در مورد جولان نیز چنین است شارون وزیر دفاع اسرائیل صریحاً اعلام کرده که تصمیم اسرائیل را در مورد الحاق بلندیهای جولان به خاک اسرائیل قبلاً به اطلاع دولت آمریکا رسانده شده است! و در اینجا است که چهره پلیس و منافقانه امپریالیسم آمریکا و عیار مانورها پیش در شورای امنیت و در برابر محافل اجتماعی جهان و به ویژه در قبال اعراب آشکار میگردد.

عرب محکمتر از آنست که به روی یکدیگر پنجه بزنند، سخنگویان آنان هر چه بگویند، در اصل مطلب که اشتراک منافع آنان در رویارویی با جنبش های انقلابی در جهان و منطقه است، تأثیری نخواهد داشت. انقلاب یک رونق جهانی است و ضد انقلاب نیز، و به هر کجا نظر افکنیم، صحنه هایی از این رویارویی را در برابر چشم خود می بینیم.

سال عزای برگردن ریگان

ریگان و دارودسته اش، سرویس های جاسوسی امپریالیستی، بانکداران و انحصار را تی که برای بلعیدن لهستان سالها برنامه ریزی کرده بودند، اکنون ماتم گرفته اند. آرزوهای خام آنان برای بازگرداندن لهستان به دنیای سرمایه داری و یا لااقل دور کردن آن از متحدان سوسیالیستی - اش، بایکضربیت قاطع بر باد رفت. اوضاع لهستان به سرعت بحال عادی باز می - گردد. وزارت کشور لهستان اعلام کرد که ۹۵ درصد کارخانه ها و موسسات صنعتی کار عادی

تفسیر وقایع مهم جهان



عین همین صحنه سازی در مورد بمباران تاسیسات اتمی عراق به وسیله هواپیما های اسرائیلی انجام گرفت. پس از این بمباران، دولت آمریکا اعلام کرد که تحویل ۲۲ فروند هواپیما "اف-۱۶" به اسرائیل را "باقیمانده از ۷۵ فروندی که بایست تحویل میداد و ۵۳ فروند آنرا تحویل داده بود و اسرائیلی ها از همین هواپیماها برای بمباران وحشیانه برلین استفاده میکنند (به دلیل این عمل اسرائیل متوقف می کند! خیمه شب بازی طوری تنظیم شده بود که گویا امریکائی ها از این عمل اسرائیل قبلاً اطلاع نداشته اند اولی چیزی گذشت که پته ها روی آب ریخته شد. معلوم گشت که نه تنها امریکائی ها از این تصمیم اسرائیل از پیش مطلع بودند، بلکه به نوشته روزنامه "السفر" چاپ لبنان، حمله به عراق از سوی سازمان های جاسوسی آمریکا و اسرائیل، آنهم به منظور بهره برداری سیاسی از آن در جنگ عراق و ایران تهیه دیده شده بود و آواکس های امریکائی با خدمه امریکائی، که در عربستان سعودی مستقرند هواپیماهای اسرائیلی را راهنمایی میکردند. پیوند امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

ارتش مردمی لهستان، که از اعماق توده های مردم برخاسته و با آنها پیوند ناگسستنی دارد، نقش عظیمی در خنثی کردن توطئه های ضد - انقلاب ایفا میکند. توطئه بطور کلی درهم شکسته شده است. اما ضد انقلابیون، طبق معمول، به سادگی از هدف های خود دست بردار نیستند، به ویژه آنکه از همدستان خود در خارج کمک فراوان گرفته اند. دولت لهستان اعلام کرد که به

محضر رفع خطر، حکومت نظامی، که طبق اصل ۳۳ قانون اساسی لهستان در کشور برقرار شده است، جای خود را به ارگان های دموکراتیک دولتی خواهد داد. هم اکنون برخی از این ارگان ها به کار رسمی خود آغاز نموده اند. کمیسیون های مجلس ملی (به لهستانی "سیم") وظایف عادی خود را از سر گرفته اند. کمیسیون بودجه و دارائی برنامه اقتصادی سال آینده را از نظر میگرداند. با اینهمه مدت نسبتاً زیادی لازم است که زخم لهستان التیام پیدا کند. سنگی را که یک دیوانه در چاه می افکند، چهل عاقل نمی تواند به سادگی از چاه بیرون بیاورد. دیوانگان ضد - انقلابی طی یکسال و چند ماه اخیر سنگ های بسیاری را که امپریالیسم آمریکا بدست آنها داده بود، به چاه افکنده اند. هنوز هم دولت های امپریالیستی از دادن سنگ به دست مزر دوران داخلی خود دست برنداشته اند.

با آنکه روشن بین ترین سیاستمداران غرب به بی حاصلی اجراجوئی خود و شکستشان در لهستان پی برده اند، سرخست ترین آنها و در راسشان دارو دسته ریگان حاضر نیستند به این سادگی دست از سر لهستان بردارند. ریگان بی دربی نطق و مصاحبه میکند و از ضربه ای که بر "دمکراسی نوپای" لهستان وارد شده است، توجیه سر میدهد. وی تهدید میکند که اگر حکومت نظامی در لهستان باقی بماند، آن کشور را در معرض "مجازات های اقتصادی و سیاسی" قرار خواهد داد! استهزای تاریخ را بتکرید دولت آمریکا به برقراری حکومت نظامی در یک کشور جهان که طبق قانون اساسی آن کشور برای دفاع از نظام مردمی و قانونی آن کشور انجام گرفته - اعتراض میکند و حال آنکه تمام دیکتاتورهای خونین نظامی جهان در نیم قرن اخیر برای سرکوب خلق ها و جنبش های انقلابی، همه و همه بطفیل پشتیبانی آمریکا به وجود آمده و زیسته اند. هم - اکنون دودیکتاتوری خونین نظامی در همسایگی ایران، در ترکیه و پاکستان وجود دارند، که هر دو از نزدیکترین دوستان آمریکا به شمار می روند. در همان حال که ریگان دولت مردمی لهستان را به "مجازات های اقتصادی و سیاسی" تهدید میکند، سرگرم بررسی افزایش کمک همه - جانبه به این رژیم نظامی ضد انقلابی است. از رژیم های دیکتاتوری خونخوار در آمریکای لاتین حرفی نمی زنیم.

روشن است که آنچه امپریالیسم آمریکا را به تهدید و ارعاب نسبت به جمهوری سوسیالیستی لهستان و دوستی و هماداری با "اورن" و "ضیاء الحق" و ادار میسازد، موضع گیری آنان در مسائل اساسی دنیای کنونی است: صلح یا جنگ، استقلال یا وابستگی، آزادی یا اسارت، عدالت اجتماعی یا غارت، سرمایه داری یا سوسیالیسم. اکنون که بزرگترین رویارویی بین دنیای سرمایه داری و سوسیالیسم در سال های اخیر، یکی در قلب آسیا (افغانستان) و دیگری در قلب اروپا (لهستان) با شکست مفتضحانه جهان امپریالیسم در شرف پایان است، دستگاه دروغ - برداری "امپریالیسم خیری" با شدت هر چه بیشتر به حرکت درآمده است، تا ماهیت حادش را که در این دو نقطه جهان گذشته و میگردد تحریف کند.

حجت الاسلام معاد بخواجه وزیر ارشاد اسلامی در یکی از سخنرانی های خود گفت که امپریالیسم بدون دروغ نمیتواند به حیات خود ادامه دهد. ما به این سخن پیراج می افزایم که همچنین بدون پذیرندگان این دروغ. اگر روزی فرا رسد که تمام مردم جهان تا آن حد آگاهی سیاسی یافته باشند که دیگر تسخیر احمق ممکن نباشد، فاتحه امپریالیسم را باید خوانده دانست. در کشور ما، در دوران پس از انقلاب، رشد آگاهی سیاسی مردم پیوسته سیر صعودی داشته است. شاید اکنون پذیرندگان دروغ - های امپریالیستی در میهن انقلابی ما از بسیاری از کشورهای جهان غیر سوسیالیستی به نسبت کمتر باشد و همین دلیل نیز کسانی که می خواهند دروغ های امپریالیستی را به حلق مردم ما فرو کنند، روز بروز با دشواری های بیشتری روبرو میشوند. بی اعتمادی مردم ما به آنچه خبرگزاری های امپریالیستی پخش میکنند، از تجربه های خودشان در دوران انقلاب سر چشمه میگردد. شعار "مرگ بر آمریکا" شعار "مرگ بر دروغ پراکنی" امپریالیسم آمریکا نیز هست.

باکمال تأسف باید گفت که برخی از دست - اندرکاران مطبوعات ماهنوز به حیله گری های "امپریالیسم خیری" عمیقاً پی نبرده اند و حتی تحلیل ها و استدالات خود را بر پایه همین دروغ ها میزنند. چگونه است که ما اخبار خود لهستان را نباید باور کنیم؟ چرا باید دروغ - های آسوشیتد پرس، فرانس پرس، رویتر و... را بجای سکه نقد بپذیریم؟ چرا باید پذیرفتن این دروغ ها را خواسته عمرا امپریالیسم را درازتر کنیم؟ چرا باید پذیرفتن دروغ های امپریالیستی قلب ریگان را، که حتی دوستان اروپایش را تنها گذارده اند نسلی دهیم؟

بگذریم! امپریالیسم آمریکا در ماتم خود تنها بماند!



مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

برای احقاق حق محرومان و نهیدستان به اندازه کافی کار نکرده ایم

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۳ جلسه علنی داشت. در این جلسات چند طرح و لایحه و از جمله "طرح توزیع عادلانه آب" به تصویب نمایندگان رسید. همچنین رئیس مجلس درباره اجرای مصوبات مجلس به دولت تذکر داد و خواستار عدم تغلظ در این امر شد. نماینده قوچان در مورد لزوم رسیدگی به مشکلات و خواستهای محرومان و مستضعفان جامعه سخن گفت و وعده زیادی از نمایندگان طی نامه‌ای اقدام تجاوزکارانه و بی شرمانه اسرائیل در غصب بلندی‌های جولان رایبه شدت محکوم کردند.

عادلانه آب بود. کلیات این طرح پس از سخنان نمایندگان موافق و مخالف و توضیحات وزیر نیرو، سه تصویب نمایندگان رسید. سپس تفسیر یکی از بندهای لایحه مربوط به "بنیاد امور جنگ‌زدگان" از سوی کمیسیون امور داخلی طرح شد و پس از بحث به تصویب رسید. در پایان جلسه لایحه مربوط به "شرایط انتخاب قضات" در شوروی مورد بررسی قرار گرفت.

جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۲ دی تشکیل شد. در سخنان قبل از دستور این جلسه، هائتی نماینده قروه طی سخنانی درباره توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی ایران، به فعالیت‌های جاسوسی، حمله نظامی مستقیم و غیرمستقیم، ترور و کشتار مردم و رهبران، ساختن مهربه‌ها، پناه دادن به جنایتکاران، تبلیغات ضد انقلابی و... اشاره کرد. پس از سخنان قبل از دستور، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ترور استکباری نماینده مجلس شورای اسلامی و نیز فرماندار شهرکرد بدست عوامل ضدانقلاب را به شدت محکوم کرد و گفت: "پیدا است که ضدانقلاب با هدايت دشمنان خارجی و داخلی نیروهای ارزنده را، مخصوصا در مجلس شورای اسلامی هدف گیری کرده است".

رئیس مجلس آنگاه ضمن گرامی - داشت خاطر، این نماینده شهید مجلس شورای اسلامی از مسئولین انتظامی بخصوص حفاظت سپاه پاسداران، خواست که در انجام وظایف محوله دقت بیشتری بخرج دهند.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث درباره جزئیات لایحه شرایط انتخاب قضات ادامه یافت و این لایحه به تصویب رسید. دستور بعدی مجلس شور دوم لایحه مجوز استخدام توسط وزارت دفاع ملی بود، که به تصویب رسید. آنگاه تشکیل کمیسیون خاص برای بررسی لایحه ملی شدن تجارت خارجی مورد بحث قرار گرفت و با اکثریت آراء تصویب شد. سپس گزارش کمیسیون امور اقتصادی مجلس در مورد رد لایحه اصلاح تبصره ۳ لایحه اصلاحیه قانون امور گمرکی قرائت شد. پس از بحث نمایندگان، نظر کمیسیون اقتصاد به تصویب رسید. در پایان این جلسه، تفویض اختیار به کمیسیون‌های مشترک برنامه بودجه، امور دفاعی و امور اقتصادی و دارایی جهت بررسی و تصویب "لایحه راجع به وضع خدمتی داوطلبان غیر نظامی، که در مناطق عملیاتی یا نیروهای مسلح همکاری میکنند، برای مدت ۳ سال" به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید.

رئیس مجلس آنگاه به برخی از موارد تاخیر اشاره کرد و از جمله آنان عدم روشن کردن وضع شرکت‌ها و کارخانجات تحت عملکرد بنیاد مستضعفان طرف

موسوی تبریزی نماینده مردم تبریز نیز طی سخنانی خطاب به مسئولان کشور، به فرمان مهم امام خمینی در ارتباط با "مخلفین و قانون شکنان" اشاره کرد و گفت:

"من به اولیاء امور تذکر میدهم که این فرمان را در پیروکاری و کابری بازی در نیارید. واقعا آنها که مسئول نیستند و در کاری که دارند، منشاء اثری نیستند. اینها را اولیاء امور جدا تعقیب کنید. شما میدانید این قانون شکنان، این مخلفین، آنها بی که حقتان نبود در کارها دخالت کنند، چه وضعی بر سر ملکنان آورده اند."

اجرای بیانیه الحزب و دفاع از حقوق ملت ایران گرفته شود، به بحث گذاشته شد و با اصلاح جزئی در این لایحه، مجددا مورد تصویب قرار گرفت.

محکوم کردن تجاوز اسرائیل

در پایان این جلسه نامه عده زیادی از نمایندگان در محکوم کردن اقدام "خناپکارانه و عاصیان پارلمان اسرائیل" در مورد الحاق بلندی‌های جولان، به قلمرو این کشور قرائت شد. در این نامه نمایندگان این اقدام را

عده "عدم تنظیم قانون هزینه‌های درمانی و بهداشتی"، "عدم تنظیم لایحه مربوط به اجرای اصل ۴۹"، "عدم تنظیم طرحی برای هیئت‌های منصفه و دادگاه‌های متهمین سیاسی مربوط به قانون فعالیت احزاب از سوی شورای عالی قضایی" را برشمرد.

رئیس مجلس افزود: "ما خواهش میکنیم که مسئولین این تذکر را جدی تلقی کنند و به مصوبات مجلس احترام بگذارند. تا ما مجبور نشویم تندتر از این اجرای مصوبات مجلس را از آنها بخواهیم". رئیس مجلس در پایان بار دیگر تاکید کرد. "این تذکر، به عنوان تذکر جدی و نهایی است که دولت میدهم تا هر چه زودتر تکلیف امثال اینگونه موارد را روشن کرده و به ما اطلاع دهد". آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش کار کمیسیون اصل ۹ برای اطلاع نمایندگان مجلس قرائت شد. سپس لویح "تجدید نظر در قیمت واحد

سهای مواد غذایی و واحدهای ارتش جمهوری اسلامی ایران"، "الحاق یک بند به لایحه تعیین تکلیف کارکنان دربار سابق و نیز "حذف شهرستان گرمسار از ردیف شهرستانهای مندرج در اصلاحیه تبصره ۲ ماده واحده قانون اعطای اعتبار برای اجرای قانون تربیت معلم و تربیت عمومی" پس از بحث و بررسی نمایندگان با مختصر تغییراتی به تصویب رسیدند. آنگاه گزارش شور دوم لایحه اجازه استخدام متخصصین پزشکی و پیرایشگری خارجی قرائت شد و مورد بحث قرار گرفت. طبق این لایحه متخصصین پزشکی خارجی با در نظر گرفتن "اولویت اسلام و طبق نظر هیئت ۳ نفره متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های بهداشت، خارجه و علوم و آموزش عالی" به مدت ۲ سال به استخدام دولت درمی آید. سپس اشکالی که "شورای گهبان" به "لایحه اجازه استخدام حقوق دانان خارجی برای

\* رئیس مجلس: خواهش می‌کنیم مسئولان به مصوبات مجلس احترام بگذارند، تا مجبور نشویم تندتر از این اجرای آنها را بخواهیم.  
\* نماینده تبریز: مسئولان باید جدی‌تر با پیام امام در مورد مجازات قانون شکنان برخورد کنند.  
\* عده زیادی از نمایندگان در ارتباط با اقدام تجاوزکارانه اخیر اسرائیل خواستار اخراج پارلمان اسرائیل از تاحا دیه این محاسن شدند.

وی در پایان بار دیگر مسئولان خواست که با این فرمان امام "حدی برخورد کنند" و در ارتباط با آن "حدی کار کنند". آنگاه مجلس وارد دستور شد و "لایحه تعیین حقوق قائم مقام وزیر" مورد بحث قرار گرفت. سپس از رای گیری رد شد. وزیر نفت طی سخنانی مشکلات پرسنلی و فنی این وزارتخانه و برنامه‌های آن را تشریح کرد. وی از حمله به تصمیم وزارت نفت در توزیع وسیع و گسترده گاز به تمامی نقاط کشور اشاره کرد و بر ادامه مبارزه بر ضد سیاست‌های استعماری امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکا، در سطح جهان تاکید کرد. وزیر نفت متذکر شد که در اوپک ایران به همراه لیبی در "راس پیکان مبارزه علیه آمریکا" قرار دارند. دستور بعدی مجلس، "طرح توزیع

"راهنمای بی شرمانه" توصیف کردند و از رئیس مجلس خواستار شدند که از اتحادیه بین‌المللی خواهد که پارلمان اسرائیل را از این اتحادیه اخراج کند. جلسه علنی بعدی مجلس روز سه‌شنبه اول دی تشکیل شد. در سخنان قبل از دستور این جلسه، حسین نیا نماینده رودسر طی سخنانی خطاب به مسئولان و گردانندگان امور کشور گفت: "مبارد روزی که به عناصر وابسته رژیم منحوس و معدوم دل سوزانید و امسون افسوسگران شیطان کارگریفتند که گهگاه از بیان برادران در لیبس در هم - ریختگی کشور و عدم تامین شغلی و غیره چنین ابهام می‌شود". وی متذکر شد که: "سرمایه داران وابسته خائن و وفودال‌های فاسد مخالف "اسلام، روحانیت شیعه، امام و رهبر انقلاب" هستند.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته روز یکشنبه ۲۹ آذر تشکیل شد. محمد اسمعیل شوشتری نماینده قوچان، یکی از ناطقین قبل از دستور این جلسه، طی سخنانی توطئه‌های امپریالیسم آمریکا برای نابودی انقلاب اسلامی ایران را تشریح کرد و از حمله گفت: "در عصر ما شیطان بزرگ آمریکا و امپریالیسم جهانی علیه انقلاب اسلامی ما با همه ترفندها از هیچگونه توطئه فروگذار نکرده اند. اما در این میان ملت شهروان ایران بر همه این توطئه‌ها فائق آمد، که در این میان سهم بسزای طبقه محروم کشورمان دارند، زیرا در هر شرایطی این طبقه مستضعف هستند که به فرمان امام هر چه دارند در طبق اخلاص نهادند و به میدان آمده‌اند و این حقیقت را در میان رزمندگانی عزیز در جبهه‌های جنگ میتوان دید و اینجاست که باید به دولت تذکر دهیم که مادر برابر این طبقه محروم و نهیدست، که اینگونه ایثار نشان میدهند، مهربون آنها هستیم. گر چه برای این طبقه، کار فراوان شده است ولی تا آنجا که حق آنهاست، بحق این طبقه را انجام نداده ایم."

تذکر مهم مجلس به دولت

در پایان سخنان قبل از دستور، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، طی سخنانی به تاخیر در اجرای مصوبات مجلس توسط دولت و ارگان‌های اجرائی اشاره کرد و از حمله گفت:

"اینگونه تاخیرها در شان دولت جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی نیست، که قانونی بگذرد و به آن توجهی نشود"

رئیس مجلس آنگاه به برخی از موارد تاخیر اشاره کرد و از جمله آنان عدم روشن کردن وضع شرکت‌ها و کارخانجات تحت عملکرد بنیاد مستضعفان طرف

ترفند امروزی...

بقیه از صفحه ۱

حمله موزیانه و مخفیانه و علنی خویش قرار میدهند و میکوشند تا سه پنهان، دروغین "دفاع از اسلام" از جاذبه مردمی و اجتماعی آن بکاهند، آنرا از سیاست، از انقلاب، از مردم دور کنند، اسلام را که شریعت سهله و سمحه نام دارد، به شریعتی انتقام جو، تنگ نظر، غضبناک، متعصب و کهنه پرست مبدل سازند.

نیروهای معینی کل جریان تجدد آمیزی را که مدنیت صنعتی امروزی انسانی در خیر و رفاه بشر و به مدد علوم طبیعی به وجود آورده است، (النته ریاکارانه) مورد حمله قرار می‌دهند! در حالی که خود از ثمرات آن برخوردارند، با دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی و اقتصادی به سود مستضعفان مخالفت می‌کنند، در مدارس و ادارات و کارخانه‌ها و روستاها، انسان‌های شریف هوادار انقلاب و پشتیبان خط امام، یا کسانی را که ابدا خصومتی با انقلاب ندارند، تحت عناوین مختلف محمول و با استفاده از قوانین و قواعد خود ساخته‌ها را بیکار می‌کنند، متهم می‌سازند و غیره و غیره، و هم‌اکنون راهم به نام "انقلاب اسلامی" انجام میدهند، تا مردم را از انقلاب، از اسلام و از رهبری انقلاب اسلامی رمنده و هراسنده کنند. این جریان است که

سعدت زحمتکشان اند، از اسلام انقلابی امام خمینی، که آنرا اسلام راستین می‌نامند و همین هدف‌ها را بر اساس قران و نهج البلاغه و دیگر مائورات اسلامی و شیعی در برابر خود نهاده و برجسته کرده است، پشتیبانی کنند؟ مگر عمل نشان نمیدهد که خواه خط امام و خواه خطی که پیروان سوسیالیسم علمی دنبال میکنند، در نبرد علیه امپریالیسم و در دفاع از زحمتکشان همانند و صحیح و منطقی و بی‌گیر بوده است؟ نیروهای معینی میکوشند که شرع را حتی علیه مسلمانان انقلابی پیرو خط امام نیز مورد تعبیر و تفسیر قرار دهند، همانطور که قاضی شریح آنرا علیه حسین بن علی مورد تفسیر قرار داد. آخری حکم قاضی شریح نیز حکم "شرعی" بود، ولی موافق این حکم "شرعی" حتی امام مبارز شیعیان نیز "خارجی" از آب در می‌آید!

از افراد ناآگاهی که در این دام افتاده‌اند که بگذریم، سرنخ این ریا - کاری‌های "اسلام پرستانه" به "عمارت لانگلی" در آمریکا، که مرکز کل "سیاست" ختم میشود. ممکن است از اسلام آباد و ریاض و قاهره و غیره نیز عبور کند، ولی به هر جهت آخر خط آنجاست. کارشناسان "سیاست" هستند که اسلام ضیاء الحق را ساخته‌اند، اسلام گلبدین حکمت‌یار و دیگر "مجاهدین افغانی" را ساخته‌اند، اسلام خالد و حسنی مبارک و نمیری را ساخته‌اند و حکم تکفیر امام خمینی را جابج و راست

مردم فهمیدند، و آنها هستند که در ایران نام "حاجی" بازاری شب بخوابد و صبح با دهها میلیون تومان ثروت تازه بر - خیزد، نتیجه اراده الهی نیست، نتیجه خرابی نظم اجتماعی است، والا خداوند کسانی را که یک زنون الذهب و الفضة "نکوهش نموده است". این تحول در جامعه رخ داده و اینها را "خط امام" به مردم فهمانده است. این جوهر آن اسلام انقلابی است که بر توده‌ها آشکار گردیده است. اگر کسی واقعا دوست است، باید از این حیثیت اسلام شادمان شود.

سوسیالیسم علمی یک مذهب نیست، بلکه یک بینش اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است و از اینکه بینش اسلامی این مطالب را برجسته میکند، خرسند است. روزی بود که پشت سر اسلام - پناهان دروغین و سالوس تخت طاووس، ساواک، شهربانی طاغوتی، ارتش شاهنشاهی، لندن و واشنگتن، بمثابة دولت‌های مقتدر، ایستاده بودند. خوب، آن موقع کار خود را آسان پیش میبردند. ولی امروز بنا به مثل معروف: "آن همه را لولو برده است!" امروز عصر قیامت گمراهی مردم علیه استکبار و تاراجگری است و با فرمان "اذبحوا" علیه انقلابیون، اعم از مسلمان و غیر - مسلمان، نخواهند توانست جلوی این سیل تاریخی را بگیرند. همه نکتة در این جاست.

صادر میکنند، و آنها هستند که در ایران می‌خواهند همان "اسلام" را پیاده کنند. سیوا و اینتلجنس سرویس شیعه مخصوص اسلام دارند. هزاران کار - شناس "اسلام شناس" از قبیل: سر - کیسیان (آلمان غربی)، الگار (انگلستان)، ردنسن (فرانسه)، کارکنان مرکز پژوهش ستراسورگ (فرانسه) مشغول بررسی هستند. همین بنی صدر از میوه‌های شجره خبیثه "اسلام شناسی" همین آقایان بود. حالا سنگر ضدانقلابی خود را در ایران نیز زیر نام اسلام برپا کرده اند. دشمن، برای این جگر سوختگان اسلام، امپریالیسم و فسادالها و سرمایه داران وابسته نیستند، بلکه دشمن، آن ایرانیان میهن دوستی هستند - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - که جرات کرده‌اند علیه این دیوان سیاه درون برخیزند. یک چیز مسلم است و آن اینکه مردم ایران از این انقلاب از زبان پیروان راستین خط امام چیزهایی فهمیدند. دهقان فهمیده‌است که زمین را خداوند به کارنده و آباد - کننده اشواگذار میکند، نه به یک دزد غاصب بزرگ مالک، که آنرا به عرق و تریاک بدل سازد. کارگر فهمیده‌است که خداوند کار و سعی را میثاء ثروت میداند و "لبس لایسان الا ماشائی" میگوید، نه اینکه یکی بیاید با دزدیدن کار کارگر میلیونر و میلیاردر بشود!



# سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه‌داری

## بخش سوم

خود را منحصر در عقب‌ماندگی فنی و ناملازمات ناشی از وضع اقلیمی می‌دانند. آنها بر روابط تولیدمیتنی بر استوار و نوع مالکیت بر زمین و آب زراعی حتی المقدور پرده استتار می‌کنند تا اساس استثمار از نیروی کار در رشته های گوناگون تولید کشاورزی مورد سؤال و در معرض تغییر بنیادی قرار نگیرد. چنین دولتهایی، اصلاحات در زمینه های فنی - اقتصادی، تقسیمات ارضی و وضع اجتماعی روستا و ادارات امور عمومی آنها فقط در چارچوب روابط تولید سرمایه‌داری جایز می‌دانند. یعنی هر نوع اصلاحات محاز، به رعم آنان، در تحلیل نهائی و در صورت موفقیت، به این نتیجه می‌رسد که ساختارهای ارضی و فنی و روابط تولید مبتنی بر شکل‌های استثمار ماقبل سرمایه‌داری به ساختارها و روابط استثمار سرمایه‌داری تبدیل شود. در این صورت، چون این دولتها چنین اصلاحاتی را در انطباق با تسلط انحصارات امپریالیستی بر کشور انجام

ده ساله، عقب‌ماندگی عمومی کشورهای رشدیابنده از کشورهای پیشرفته، به تدریج بیشتر شده است، چنانکه تولید سرانه ملی ناخالص کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری که در سال ۱۹۵۳ معادل ۸/۴ برابر کشورهای رشدیابنده بود، به ۱۶ برابر در سال ۱۹۷۳ رسید. بی‌غلت نیست که گروه کشورهای رشدیابنده، با وجود حجم عظیم جمعیت روستائی خود و کثرت افراد شاغل در امور کشاورزی، از نظر تولید کشاورزی و تامین خواربار به سختی در مضیقه‌اند. مسئولیت چنین وضعی، از یک لحاظ متوجه حکومت‌های منسوب به ملاکان بزرگ، سرمایه‌داران رباخوار و وابسته، اشراف و خوانین است، و از لحاظی دیگر متوجه سیاست‌های استعماری و نو-داری و انحصارات امپریالیستی. از لحاظ اول باید گفت که بر اثر وجود روابط تولید ماقبل سرمایه‌داری، که طی سالهای متمادی بصورت مداومت انواع شکل‌های سنتی استثمار بر روستاها

روشنایی در راه رشدیابنده از کشورهای پیشرفته، به تدریج بیشتر شده است، چنانکه تولید سرانه ملی ناخالص کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری که در سال ۱۹۵۳ معادل ۸/۴ برابر کشورهای رشدیابنده بود، به ۱۶ برابر در سال ۱۹۷۳ رسید. بی‌غلت نیست که گروه کشورهای رشدیابنده، با وجود حجم عظیم جمعیت روستائی خود و کثرت افراد شاغل در امور کشاورزی، از نظر تولید کشاورزی و تامین خواربار به سختی در مضیقه‌اند. مسئولیت چنین وضعی، از یک لحاظ متوجه حکومت‌های منسوب به ملاکان بزرگ، سرمایه‌داران رباخوار و وابسته، اشراف و خوانین است، و از لحاظی دیگر متوجه سیاست‌های استعماری و نو-داری و انحصارات امپریالیستی. از لحاظ اول باید گفت که بر اثر وجود روابط تولید ماقبل سرمایه‌داری، که طی سالهای متمادی بصورت مداومت انواع شکل‌های سنتی استثمار بر روستاها

امروزه دیگر شبهه‌ای نیست که بهبود امور در تولید کشاورزی، تامین خواربار، رفع عقب‌ماندگیهای فنی - اقتصادی، مبارزه با انواع محرومیت - های اجتماعی و فرهنگی در روستاها - از حادترین مسائل کشورهای رشدیابنده آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین است. دولتهای کلیه این گروه‌ها، کشاورها، اعم از آنکه راه رشد سرمایه‌داری و باراه رشد غیر سرمایه‌داری را پیش گرفته باشند، هر یک به نحوی با این مسائل درگیرند و با اقتضای راه رشدی که برگزیده اند، سیاست مخصوصی در قبال مشکلات تولید کشاورزی و روستائی‌های جامعه روستائی اتخاذ کرده‌اند.

مطلب به حد کافی واضح است: بخش مهمی از جمعیت جهان، و البته محروم‌ترین آنها، در همین گروه‌ها از کشورها زندگی می‌کنند، که در اکثریت خود، بین ۶۵ تا ۷۰ درصد، روستائی- اند. در برخی از این کشورها، نظیر تایلند و سنگال، اهالی روستاها از ۸۰٪ جمعیت کشور هم تجاوز می‌کنند. در ایران، بنا بر نتایج آخرین سرشماری عمومی در ۱۳۵۵، یعنی حتی پس از صدین سال مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها، که ناشی از سیاست کشاورزی ندد دهقانی رژیم پهلوی بود، بیش از ۵۳٪ جمعیت کشور و قریب به ۱۸ میلیون نفر روستائی اند و چنانچه اهالی مراکز دارای پنج تا ده هزار نفر جمعیت را هم، که در آن سرشماری جز مناطق شهری محسوب شده است، منظور نائیم، مردم روستائی ایران از ۶۰٪ جمعیت کشور تجاوز می‌کنند.

این حجم عظیم جمعیت روستائی برای گروه کشورهای رشدیابنده، از یک طرف نشانه مداومت ساختارهای اجتماعی - اقتصادی ماقبل سرمایه - داری در آنها و از طرف دیگر نشانه عقب‌ماندگی فنی و صنعتی این کشورهاست، چنانکه سهم مجموع کشور- های رشدیابنده آسیا و آفریقا از تولیدات صنعتی جهان، فقط ۷/۷٪ است. به همین علل، در این کشورها اراضی وسیعی، که حداقل بخشی از آنها را به شرط استفاده از پیشرفتهای علمی و فنی و صنعتی می‌توان به زیرکشت کشید، هنوز زراعت نمی‌شود. از مجموع اراضی کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا، جنوب و مشرق آسیا فقط ۱۱/۵٪ به زراعت اختصاص دارد و صرف نظر از چراگاه‌ها و جنگلها، در حدود نیمی از اراضی باسر است. در مورد ایران، بنا بر آمارهای رسمی (نشریه مرکز آمار ایران - ۱۳۵۲)، بیش از ۳۰ میلیون هکتار اراضی قابل احیاء و عمران وجود دارد، که بدون استفاده افتاده است.

از این گذشته، در اراضی تحت کشت کشاورهای رشدیابنده، از عواملی نظیر کود شیمیایی و تراکتور ماشین‌های کشاورزی دیگر کمتر بهره می‌برند. مثلا در سال ۱۹۶۵، در این گروه کشورها، فقط از ۹۰۹۰۰۰ دستگاه تراکتور استفاده میشد، یعنی برای هر ۱۰۰۰ هکتار کشت ۱/۲ دستگاه وجود داشت، اما در همان سال، کشورهای رشد یافته از ۱۲۴۴۴۰۰۰ دستگاه تراکتور استفاده می‌کردند، یعنی در مقابل هر ۱۰۰۰ هکتار، ۱۸/۸ دستگاه به کار گرفته شده بود. در سال ۱۹۷۳ - ۱۹۷۲ کشورهای رشد یافته، که فقط ۱۸٪ جمعیت جهان را دارند، بالغ بر ۴۰/۵ میلیون تن کود مصرف کردند، ولی در همان حال مصرف کود در کشورهای رشدیابنده، با ۴۸٪ جمعیت جهان، فقط ۱/۵ میلیون تن بوده است.

با این ملاحظات باید انتظار داشت که با آوری نیروی کار در کشور- های رشدیابنده سطح نازلی داشته باشد. عقب‌ماندگیهای فنی - اقتصادی باعث شده است که مثلا در سال ۱۹۷۰ متوسط بازدهی سالانه یک کارگر در این کشورها ۱۱/۵ مرتبه کمتر از کشورهای رشد یافته باشد. این عقب‌ماندگی در زمینه تولیدات کشاورزی هم به چشم می‌خورد، چنانکه در مورد تولید برنج و گندم مقدار محصول هر هکتار، در مقایسه با کشورهای رشد یافته بین نصف تا یک سوم و گاهی حتی کمتر از این مقدار است. مثلا حاصل - بخشی مزارع گندم در هلند پنج برابر پاکستان است. در عین حال،

# مسائل کشاورزی - روستائی در کشورهای رشدیابنده و مقایسه دوتی سیاست

می‌دهند، همبندی اقتصادی کشور خود و انحصارات را هم تشدید میکنند و از این رهگذر مردم صدمات دیگری به کشور می‌رسانند. مثلا برخی نتایج اصلاحات این قبیل دولتها را می‌توان در نمونه مشخص سیاست کشاورزی رژیم پهلوی برشمرد. آن رژیم، به ادعای نجات کشاورزی کشور از عقب‌ماندگی، اعتبارات هنگفتی را به صورت وام‌های کم بهره و حتی بلاعوض به بزرگان ملاکان و سرمایه‌گذاران ارضی موسس واحدهای "کش و صنعت"، "محتج شیر و گوشت"، "سازمان کشاورزی" و از این قبیل اختصاص می‌داد، چنانکه اعتبارات بانک کشاورزی از مبلغ ۵۱۸۸ میلیون ریال در سال ۱۳۴۶ به ۴۲۳۵۱ میلیون ریال در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت (سالنامه آماری ۱۳۵۶) و ناگشاده دستی به کبسه کلان ملاکان و سرمایه‌گذاران غارتگر ایرانی و غیر ایرانی ریخته شد. در حالیکه دهقانان عضو تعاونی - های روستائی و تولیدکنندگان خرده با به سختی می‌توانستند وام‌های کوچک و کوتاه مدت بگیرند. اما طی همان سالها تدریجا بر افزایش واردات گندم، گوشت، برنج، و دیگر محصولات کشاورزی از خارج افزوده شد، چنانکه (طبق سالنامه آماری سال ۱۳۵۲) از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ در مجموع ۱۷۴ میلیارد ریال تولیدات زراعی و دامی از خارج وارد کردند و از این رهگذر همبندی اقتصادی ایران و انحصارات امپریالیستی افزودند. در سال ۱۳۵۴ به ازای وارد کردن ۵۱۸۱۸ تن غلات از خارج، بیش از ۳۶/۵ میلیارد ریال پرداختند (سالنامه آماری سال ۵۶). یکی دیگر از نتایج سیاست کشاورزی رژیم سابق، ورشکستگی و خانه خرابی تولیدکنندگان سنتی و خرده پای رشته‌های گوناگون تولید زراعی و دامپروری بود که به ازای سطر روابط تولید سرمایه - داری و حمایت از سرمایه‌داران بزرگ خودی و بیگانه دامنگیر کشور شد. معوق ماندن حل واقعی مسئله ارضی، آوارگی زحمتکشان روستائی، ایجاد زمینه برای مهاجرت بی‌رویه شهرها و انواع عوارض ناگوار، از نتایج دیگر سیاست کشاورزی آن دولتهایی است

جوامع روستائی در اغلب کشورهای رشد یافته است، که اکثریت جمعیت آن از حداقل عایدات نصیب می‌برند، یا تحقیقات در مورد دشواری رشد یافته معلوم شده است که فقط ۳/۸ تا ۱۸٪ عایدات جوامع روستائی آن کشورها نصیب ۶۰٪ واحدهای کم درآمدی شود، در حالیکه نیمی از عایدات را ۲۰٪ واحد - های پردرآمد می‌برند. لازم نیست در زمینه محرومیت از بهداشت، درمان، تحصیل، مسئله بیگاری و محرومیت‌های اجتماعی دیگر سخنی گفته شود. مثلا، در مورد بیگاری بنا بر گزارش "سازمان بین‌المللی کار" (مندرج در شماره ۱۰۷ ماهنامه پیام یونسکو) قریب به ۴۱٪ نیروی کار در کشور - های رشدیابنده بیگار و نیمه بیگار است. در عین حال، ۸۰٪ بیگاران و نیمه بیگاران این کشورها از نواحی روستائی اند. امروزه، همه این قبیل مسائل حاد کشاورزی - روستائی کشورهای رشد یافته آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین به قدری واضح است که حتی سبک‌ترین دولتهای گوش به فرمان انحصارات امپریالیستی و مخالفان پیشرفت اجتماعی هم از کتمان آن عاجز مانده‌اند و هیچ دولتی در این گروه‌ها کشورها نمی‌تواند منکر لزوم اصلاحات در جامعه روستائی و بهبود امور در تولید کشاورزی باشد؛ منتهی باید دید که هر دولتی علل و منشاء این مسائل را از چه می‌داند و به اقتضای ماهیت و امکانات خود به چه نوع اصلاحاتی، با چه مقدار از وسعت و عمق و پیگیری، نظر دوخته است. از این لحاظ، در این گروه‌ها، میتون دولتهایی را، که نظیر رژیم سابق ایران مقید به راه

وایل‌ها علیه داشت و هنوز کم و بیش در اینها و تحا علیه دارد، اشراف، ملاکان بزرگ، خوانین، حکام و روسای محلی امکان داشتند و یادارند زحمتکشان رشته‌های گوناگون تولید زراعی و دامپروری را به شدت استثمار کنند و با ثروت ناشی از غارت این زحمتکشان در تنعم و عشرت بسربرند. برای آنان، در این حالت، نیازی نبود و نیست که به منظور استفاده از قنون پیشرفته و دستاوردهای جدید علمی و صنعتی در زمینه تولید کشاورزی به سرمایه‌گذاری بپردازند و نگذارند که یک تاخیر صد ساله باز هم بیشتر به تاخیر بیفتد. اما از لحاظ دیگر، سیاست‌های استعماری و نو استعماری دولتهای رشد یافته سرمایه - داری وسلطه انحصارات امپریالیستی هم به نوبه خود مانع پیشرفت عمومی این کشورها و از جمله مانع پیشرفت در زمینه تولید کشاورزی شده است. سرمایه - های انحصارات امپریالیستی با تاراج منابع طبیعی و نمره کار مردم این کشورها موجب ضعف بنیه مالی و فنی و مانعی در راه پیشرفت آنها شده‌اند. مثلا سود حاصله از سرمایه‌گذاری در اغلب کشورهای آسیایی و آفریقایی برای تعدادی از انحصارات امپریالیستی، بیش از سه برابر سودی است که از سرمایه‌گذاری در کشورهای خود بدست می‌آورند. چنین تاراجی مسلما انواع مشکلات و عوارض را، از جمله بصورت مضیقه‌های تولید کشاورزی و تامین خواربار در گروه کشورهای رشد یافته به جای گذاشته و می‌گذارد. در عین حال، نتایج ناشی از این قبیل مضیقه‌ها در درجه اول متوجه خانوارهای کم درآمد کشورهای رشد یافته است، که عموما روستائی‌اند، چنانکه در ایران، حتی به موجب آمار - های رسمی رژیم پهلوی، (نشریه ۷۷۶ مرکز آمار ایران) خانوارهای روستائی در سال ۱۳۵۵ به طور متوسط فقط ۱۲ هزار تومان درآمد داشتند و بودجه سالانه ۲۳/۴٪ این خانوارها کمتر از هزار تومان بود. چنین ارقامی، اگر با هزینه زندگی در همان سال مقایسه شود، تا حدی می‌تواند سختی معیشت زحمتکشان روستائی را منعکس کند. آسانی می‌توان نتیجه گرفت که خانوارهای روستائی کشور

که راه رشد سرمایه‌داری را بر تعدادی از گروه کشورهای رشد یافته تحمیل کرده‌اند. و لسی، در مقابل و به عکس، دولتهای انقلابی این گروه از کشورها مشکلات جامعه روستائی و موانع پیشرفت تولید کشاورزی را با سیاستی در راستای راه رشد غیر سرمایه‌داری برطرف میکنند، که خطوط عمده آن سیاست عبارت است از: - صادره اراضی کلان ملاکان و واحدهای سرمایه‌گذاران بزرگ ارضی بسود دهقانان کم زمین و بی زمین و به منظور ایجاد تعاونی‌های تولید کشاورزی و واحدهای دولتی، تقویت بخش عمومی در اقتصاد روستائی مرکب از دو شاخه تعاونی و دولتی، حمایت همه جانبه از تولیدکنندگان خرده پای رشته‌های گوناگون زراعت و دامپروری و صنایع روستائی، از جمله به صورت تجمع داوطلبانه آنان در انواع تعاونی‌ها و تضمین خرید عادلانه محصولاتشان در عین قطع تدریجی نفوذ سرمایه‌داری و محو سلف - خری و رباخواری، ایجاد سیستم‌های آبیاری و پایگاه‌های صنعتی بمنظور تامین ابزار و ماشین‌های کشاورزی و تسریع روند اصلاحی در زمینه‌های فنی - اقتصادی، عمران و نوسازی جامعه روستائی خصوصا از لحاظ بهداشت و درمان و فرهنگ و آموزش‌های فنی و مبارزه با بسوادی، ایجاد نهادهای نوین اجتماعی بمنظور تامین دخالت موثر روستائیان در اداره و کنترل امور عمومی روستاها و با تقویت اصلاحات قبل از نهادهای سنتی، که برای چنین منظوری مناسب هستند. با چنین سیاستی است که دولتهای انقلابی کشور - های رشد یافته تاکنون بخشی از مسائل کشاورزی - روستائی خود را حل کرده‌اند. مثلا دولت الجزایر، در لافاصله پس از کسب استقلال، در حدود ۲/۵ میلیون هکتار از اراضی مرغوب را، که استعمارگران فرانسوی در دوران سیادت خود جنگ آورده بودند، به دهقانان واگذار کرد و چند سال بعد، در ۱۹۷۲، توانست ۷۰۰۰۰۰ هکتار و سال بعد ۳۰۰۰۰۰۰ هکتار از اراضی مرزوعی بزرگان ملاکان الجزایر را به ۶۸۰۰۰۰ خانوار روستائی واگذار کند. دولت الجزایر از سال ۱۹۷۷ به بعد، یکبار ۲۶۰۰۰۰ هکتار و در دفعات دیگر ۱۲۰۰۰۰ هکتار زمین و یک میلیون نخل را در جنوب کشور به دهقانان بی - زمین و کم زمین داد. حل مسئله ارضی در الجزایر با یک سلسله اقدامات اجتماعی و اقتصادی دیگر و از جمله ایجاد تعاونی‌های زراعی و دامپروری و نوسازی روستاها همراه بود. دولت الجزایر تا دو سال قبل در حدود صد دهکده، نو بنیاد ساخته و آنها را با مسجد، مدرسه، درمانگاه، "سلف - سرویس" و فروشگاه مجهز کرده است. دولت الجزایر، بنا به تصمیمات کنگره اخیر جنبه، آزادی بخش الجزایر، در نظر دارد که ایجاد این قبیل دهکده‌ها را طی چند سال آینده به هزار واحد افزایش دهد. این قبیل پیشرفت‌ها منحصر به الجزایر نیست. کلیه دولتهای انقلابی کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، نسبت به طول مدتی که در راه رشد غیر سرمایه‌داری پیش می‌روند و نیز نسبت به امکاناتی که دارند، در زمینه حل مسائل کشاورزی - روستائی خود موفقیت‌های شایان تقدیری به دست آورده‌اند. دولت انقلابی کوبا، هنوز قبل از آنکه براه سوسیالیستی رشد گام نهد، در نخستین سال پیروزی انقلاب (۱۹۵۹) املاک چندین هزار هکتاری اشراف کوبائی و انحصارات امپریالیستی و از جمله املاک گروه "مورگان" و گروه "راکفلر" را صادره کرد و سه سال بعد توانست از املاک بیش از ۶۶۰ هکتار سلب مالکیت کند و آنها را، به موازات ایجاد تعاونی‌ها، بمنزحمتکشان روستائی واگذار نماید. البته در کوبا که با ایجاد نظام سوسیالیستی یک مرحله تاریخی به جلو رفته دولت توانسته است، طی سالهای بعد از انقلاب، اراضی جدیدی را به زیر کشت برود و بر حجم تولیدات کشاورزی به مراتب بفرزاید. مثلا تولید سالانه مرکبات از ۶۰ هزار تن به ۲۲۵



بمناسبت سالگرد انقلاب مردمی کوبا (۱۱ دی ۱۳۳۸ / ۱ ژانویه ۱۹۵۹)

# کوبای انقلابی

## جزیره آزادی

نام رسمی: "جمهوری کوبا"  
( REPUBLICA DE CUBA )  
سرزمین: کشور سوسیالیستی واقع در دریای کارائیب

وسعت: ۱۰۹۲۲۰ کیلومتر مربع  
مرکز از جزیره اصلی کوبا، "جزیره جوانان" ( ISLA DE PINOS ) سابق، ۲۳۴۰ کیلومتر مربع ( و بیش از ۱۶۰۰ جزیره کوچک، که بیشتر آنها بزرگی از سکنه است. ( ۳۷۱۵ کیلومتر مربع )

سکنه: ۹۷۰۶۳۶۹ نفر  
( ۴۹۰۹۵۸۶ مرد و ۴۷۹۶۷۸۳ زن )  
یعنی ۸۷/۵۱ نفر در هر کیلومتر مربع ( ۱۳۶۰ )  
۹۹/۳۰ درصد مرد و ۱/۰۱ درصد زنان هستند

پایتخت: هاوانا ( LA HABANA )  
با ۱۹۲۴۸۸۶ نفر جمعیت  
زبان رسمی: اسپانیولی

پول: پسو ( کوبا ) = ۱۰ سنتاوس  
کوبا از ۱۴ استان تشکیل میشود:

- کاماگی ( CAMAGUEY ) سین فوگوس ( CIENFUEGOS ) سیگوداویلا ( CIEGO DE AVILA ) گرانما ( GRANMA ) گوانتانامو ( GUANTANAMO )
- هاوانا ( LA HABANA ) شهرهاوانا، لاس توناس ( LASTUNAS ) ماتاناس ( MATANZAS ) سانکتی اسپیریتوس ( SANCTI SPIRITUS )
- پینار دل ریو ( PINAR DEL RIO ) سانتیاگو کوبا ( SANTIAGO DE CUBA ) ویلاکلارا ( VILLA CLARA )
- جزیره جوانان ( ISLA DE LA JUVENTUD )

مهم ترین شهرها: سانتیاگو دکوبا ( ۲۳۶۰۰۰ )، کاماگوئه ( ۲۳۰۹۰۰ )، هولگوین ( ۱۶۱۶۰۰ )، سانیا کلارا ( ۱۵۲۴۰۰ )، گوانتانامو ( ۱۵۵۲۰۰ )  
ترکیب سکنه: کرئول ( ۷۰ درصد ) مولاتو ( ۱۷ درصد ) آفریقایی-آمریکایی ( ۱۲ درصد )، آسیایی ( ۱ درصد )  
مذهب: رومی - کاتولیک

اقتصاد، اوضاع عمومی: کوبا تا پیروزی انقلاب کشوری بود نیمه مستعمره کشاورزی، بکلی وابسته به ایالات متحده آمریکا و با اقتصاد تنگ فرآورددهای ( شکر ) کسرن های بزرگ ایالات متحده آمریکا بیش از ۳۰ درصد نیشکرزارهای کوبا را در اختیار خود داشتند. انحصارات آمریکا از طریق الیگارشی بومی در واقع بر سراسر اقتصاد کوبا فرمانروایی می کردند. کوبا نخستین گام بزرگ را در راه رشد اقتصادی مستقل پس از انقلاب، با اصلاحات ارضی بنیادی برداشت. اموال بزرگ مالکان خارجی و داخلی مصادره و مالکیت زمین برای کوبایی ها به ۶۷ هکتار محدود شد. چندی بعد کارخانه های متعلق به کسرن های آمریکا طی و دیگر کشورهای امپریالیستی ملی گشت. دولت کوبا آنگاه به دولتی کردن مهم ترین شاخه های صنعت همت گماشت. بدینسان روند دگرگون سازی اقتصاد ادامه یافت، بطوریکه امروزه تولید صنعتی کوبا تماما در دست دولت است. اکنون مناسبات تولیدی سوسیالیستی در کوبا فرمانروا است.

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا کوشید، تا با ارباب و تخریب این روند راباز دارد. امریکاییان "سازمان کنسور- های امریکائی" محاصره و تحریم سیاسی و اقتصادی بر علیه کوبا اعمال داشت. اما کمک های بیدریغ کشورهای سوسیالیستی این محاصره و تحریم را با شکست روبرو ساخت. اتحاد شوروی نفت مورد نیاز کوبا را در اختیار آن قرار داد. کشور- های سوسیالیستی با عقد قراردادهای دراز مدت، فروش شکر کوبا را تأمین کردند. پس از چندی ( ۱۹۷۵ )، فشار



کاسترو در سال ۱۹۵۷

کنگره "حزب کمونیست کوبا" در سال ۱۹۷۵ درباره تکمیل مناسبات تولیدی سوسیالیستی در کشاورزی، از سال ۱۹۷۷، به رهبری "اتحادیه ملی دهقانان خرده ها" ( "آ-سپ" )، ابتکارات ارزنده ای در راستای ایجاد تعاونی های تولید کشاورزی بر پایه اصل داوطلبی بعمل آمد.

جدول شماره ۳ تولید مهم ترین فرآورده های کشاورزی کوبا در سال های گذشته نشان میدهد.

مساحت زمین زیر کشت، که در سال ۱۹۷۵ برابر با ۳/۵ میلیون هکتار بود قرار بود در سال ۱۹۸۰ به ۴/۸ میلیون هکتار گسترش یابد ( برای این سال ارقامی در دسترس نیست. برای افزایش محصولات کوشش های فراوانی برای آبیاری مزارع بکار میرود. در سال ۱۹۷۵ ۵۸۰۰۰۰ هکتار مزارع آبیاری می شد.

یکی از اولویت های اقتصادی کوبا افزایش تولید شکر است. همخوان با اهمیت این رشته برای اقتصاد کوبا ۱۷ سال پیش ( ۱۹۶۴ ) وزارت بنام "وزارت صنایع شکر" تاسیس شد. کوبایی ها برای بالا بردن کارایی تولید به تدابیر وسیعی برای بازسازی صنایع شکر همت گماشته اند. مساحت نیشکرزارهای کوبا در حدود ۱/۵ میلیون هکتار است. مکانیزاسیون برداشت محصول نیشکر ( ساپرا - ZAFRA ) هرچه بیشتر توسعه می یابد. بر پایه آمار سه سال پیش ( ۱۹۷۸ ) درجه مکانیزاسیون برابر با ۳۹ درصد بود.

در این زمینه کمابین های مخصوص برداشت محصول نیشکر، که برای نخستین بار در کوبا بکمک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ساخته میشود، دارای اهمیت به سزاست. در سال های ۱۹۸۰-۱۹۷۵، در مقایسه با سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۱، محصول شکر در کوبا ۲۵ درصد افزایش یافت.

دیگر اولویت کشاورزی کوبا مرکبات بقیه در صفحه ۹

توسعه اقتصاد ملی و کوشش برای بهبود شرایط زندگی مردم، بخش انرژی را هر چه بیشتر با وظایف سنگینی روبرو میسازد. در سال ۱۹۷۸ تولید انرژی ۲۰۰۰ مگاوات، یعنی در حدود ۵ برابری بهره ۱۹۵۸ بود پیش از پیروزی انقلاب تنها ۸۷ درصد خانه های شهری و ۹ درصد خانه های روستا-ئی از روشنایی برق بهره مند بودند.

افزایش چشمگیر تولید سیمان و مصالح ساختمانی یکی از شرایط بنیادی توسعه بخش ساختمان در کوبا بود. تولید بخش ساختمان از ۴۳۶ میلیون پسو در سال ۱۹۷۰ به ۱/۲ میلیارد پسو در سال ۱۹۷۸ رسید. قرار است که در سال ۱۹۸۵ تولید سالیانه سیمان به ۴/۵ میلیون تن برسد.

در کوبا در سالهای اخیر، رشته های بکلی جدیدی چون صنایع تولید و تبدیل ماهی و اسکله احداث میشود. این صنایع فزون بر آنکه به اقتصاد کوبا پویایی ویژه میبخشد، در درجه نخست تأمین نیازمندی های اقتصادی - اجتماعی این کشور را در نظر دارد. جدول شماره ۲ تولید مهم ترین فرآورده های صنعتی کوبا را در سالهای اخیر نشان میدهد.

کشاورزی: شرایط طبیعی مساعد برداشت چندبار برخی از محصولات را در کوبا در هر سال ممکن میسازد "انستیتیوی ملی اصلاحات ارضی" ( "اینرا" )، که در سال ۱۹۵۹ تاسیس یافت، اجرای اصلاحات ارضی را در کوبا عمده گرفت. پس از انحلال "اینرا"، در سال ۱۹۷۶، وظایف آن به وزارت کشاورزی سپرده شد.

نخستین و دومین اصلاحات ارضی به پیدایش بخش سوسیالیستی در کشاورزی کوبا انجامید، که امروزه ۷۹ درصد زمینهای قابل کشت کوبا را در بر می گیرد. بر پایه رهنمود نخستین

میرسانند. هریک از کشورهای "شورا" اکتشاف زمین شناسی یکی از استان های کوبا را به عهده دارد.

صنعت: مهم ترین رشته های صنعتی کوبا عبارتست از: تولید شکر، تنباکو، ماشین های کشاورزی، ساختمان (از جمله سیمان)، صنایع شیمیایی و نساجی و معادن در این زمینه، هم - چنین باید از تبدیل فرآورده های کشاورزی و تولید روم، فرآورده های چرمی، صابون، عطر، دارو و نوشابه یاد کرد.

جدول شماره ۱ روندر شدت تولید صنعتی کوبا را در سالهای اخیر نشان میدهد. قرار است که در برنامه پنجساله جاری، تولید صنعتی بطور میانگین سالیانه ۵ درصد رشد کند.

معادن کوبا هر چه بیشتر اهمیت اقتصادی می یابد. صنایع نیکل این کشور در صادرات آن نقش ویژه و فزاینده ای بازی می کند. تولید نیکل، که در سال ۱۹۵۸ برابر با ۱۸۰۰۰ تن بود، در سال ۱۹۷۸ به ۳۶۰۰۰ تن رسید. قرار است که تولید سالیانه فرآورده های نیکلی کوبا به کمک "شورای همیاری اقتصادی" تا سال ۱۹۹۰ به در حدود ۱۲۵۰۰۰ تن افزایش یابد، که یک پنجم تولید جهانی این فلز خواهد بود.



سریازخانه "مونکادا" پس از حمله رزمندگان کوبایی به آن. فرماندهی این عملیات را فیدل کاسترو بعهده داشت.

### مهم ترین رویدادهای تاریخ کوبا

- ۱۴۹۲ - کریستف کلمب کوبا را کشف می کند.
- ۱۵۱۴ - تاسیس هاوانا
- ۱۸۷۸-۱۸۶۸ - جنگ اول استقلال علیه استعمارگران اسپانیائی.
- ۱۸۹۸-۱۸۹۵ - جنگ دوم استقلال
- ۱۸۹۹ (اول ژانویه) - پایان استعمار اسپانیا و آغاز مدخلات ایالات متحده آمریکا در کوبا.
- ۱۹۰۲ (۲۰ مه) - اعلام تشکیل جمهوری کوبا.
- ۱۹۰۳ - قرارداد با ایالات متحده آمریکا درباره پایگاه گوانتانامو
- ۱۹۲۴ - شروع دیکتاتوری ماچادو.
- ۱۹۲۵ (۱۷ اوت) - تاسیس نخستین حزب مارکسیستی - لنینیستی کوبا (حزب کمونیست کوبا) "از سوی گارلوس بالینو و خولیو آنتونیو ملا"
- ۱۹۳۳ - (۱۲ اوت) سرنگونی ماچادو، دیکتاتور کوبا.
- ۱۹۴۰ - وحدت "حزب کمونیست کوبا" با "اتحادیه انقلابی" و تشکیل "حزب سوسیالیستی خلق"
- ۱۹۴۵ (۲۴ اکتبر) - عضویت در "سازمان ملل متحد"
- ۱۹۵۲ (۱۰ مارس) - کودتای باتیستا
- ۱۹۵۳ (۲۶ ژوئیه) - حمله گروهی به رهبری فیدل کاسترو، به "پادگان مونکا دا"، آغاز مبارزه مسلحانه "جنبش ۲۶ ژوئیه"
- ۱۹۵۶ (۲۳ دسامبر) - پیاده شدن سرنشینان گرانما در "ورینته"
- ۱۹۵۷ (۱۳ مارس) - هجوم دانشجویان چپ افراطی، بد کاخ ریاست جمهوری، تشکیل "رهبری انقلابی ۱۳ مارس"
- ۱۹۵۹ (۱ ژانویه) - پیروزی انقلاب مردمی
- ۱۹۵۹ (فوریه) - فیدل کاسترو نخست وزیر می شود.
- ۱۹۵۹ (۱۸ ژوئن) - کناره گیری رئیس جمهور موقت و انتخاب دکتر اوسوالد و دورتیگوس تورا دو به این سمت.
- ۱۹۶۰ (۱۷ مه) - ایالات متحده آمریکا کمک خود را به کوبا قطع می کند.
- ۱۹۶۰ (ژوئیه) - مصادره پالایشگاه های نفت ایالات متحده آمریکا در کوبا
- ۱۹۶۱ (۳ ژانویه) - ایالات متحده آمریکا مناسبات خود را با کوبا قطع میکنند
- ۱۹۶۱ (۱۶ آوریل) - اعلام سرشت سوسیالیستی انقلاب کوبا.
- ۱۹۶۲ (۲۸ اکتبر) - موضع قاطع اتحاد شوروی تهدیدات مداخله گرانده ایالات متحده آمریکا را در کوبا عقیم میگذارد.
- ۱۹۶۴ (ژوئیه) - اعلام محاصره کوبا از سوی "سازمان کشورهای آمریکایی"
- ۱۹۶۵ (۱ اکتبر) - تغییر نام "حزب متحد انقلاب سوسیالیستی" به "حزب کمونیست کوبا"
- ۱۹۶۹ (ژوئن) - شرکت نمایندگان "حزب کمونیست کوبا" در جلسه مشورتی احزاب کمونیست و کارگری در مسکو بعنوان ناظر.
- ۱۹۷۲ (مه - ژوئیه) - سفر فیدل کاسترو به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی.
- ۱۹۷۲ (ژوئیه) - کوبا به "شورای همیاری اقتصادی" می پیوندد.
- ۱۹۷۵ (۱۷ اکتبر) - عضویت در "سلا"
- ۱۹۷۵ (۲۲-۱۷ دسامبر) - نخستین کنگره "حزب کمونیست کوبا"
- ۱۹۷۶ (۲۴ فوریه) - اتخاذ نخستین قانون اساسی سوسیالیستی
- ۱۹۷۹ (۲-۳ سپتامبر) - ششمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد در هاوانا
- ۱۹۸۰ (۲۰-۱۷ دسامبر) - دومین کنگره "حزب کمونیست کوبا"



کوبای انقلابی...

بقیه از صفحه ۸ است، که فزون بر شکر دارای اهمیت صادراتی است. در سال ۱۹۷۶ مساحت باغ‌های مرکبات بیش از ۲۰۰۰۰۰ هکتار بود. تولید سالانه مرکبات، که در سال ۱۹۶۴ برابر با ۱۹۲۹۴ تن رسید. در سال ۱۹۷۸ به ۲۸۰۰۰۰ تن رسید.

در کشاورزی کوبا همچنین به دامپروری توجه خاص میشود. تولید شیر در کوبا پیوسته روبه افزایش بوده و در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ دوبرابر شده است. تولید تخم مرغ، که در سال ۱۹۶۵ برابر با ۷۲ میلیون دانهدان بود، در سال ۱۹۷۸ به ۱۷۷ میلیون دانهدان افزایش یافت.

جدول شماره ۴ شماره دام‌های کوبارادر سالهای اخیر نشان میدهد. پیش از انقلاب، علیرغم منابع غنی، ماهیگیری در کوبا تقریباً بی اهمیت بود. در پرتو پایه‌گذاری تعاونی‌های ماهیگیری و گسترش شناگان صید ماهی در اقیانوس، این صنعت روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. محصول ماهی که در سال ۱۹۵۹ برابر با ۱۹۰۰۰ تن بود، در سال ۱۹۷۸ به بیش از ۲۰۰۰۰۰ تن رسید.

بازرگانی خارجی: ۸۵ درصد صادرات کوبا شکر و مشتقات آنست. فرآورده‌های گیاهی و نیکل نیز از مهم ترین اقلام صادراتی کوبا هستند.

این کشور همچنین تنباکو، مرکبات و برخی مواد غذایی صادراتی کند. صادرات نیکل کوبالت - سولفات کوبا برابر با ۲۳/۲ میلیون پسون بود. ۸۰ درصد مبادلات بازرگانی خارجی کوبا با کشورهای سوسیالیستی است. در این زمینه اتحاد شوروی، با ۳۴۵۲/۱ میلیون روبل، در مقام اول قرار دارد.

جدول شماره ۵ مبادلات بازرگانی خارجی کوبا را در سالهای اخیر نشان می‌دهد. کوبا در ۲۱ تیر ۱۳۵۱ (۱۲ ژوئیه ۱۹۷۲) به شورای همپساری اقتصادی پیوست. این کشور همچنین در "بانک بین‌المللی همکاری اقتصادی" و "بانک سرمایه‌گذاری بین‌المللی" عضویت دارد و در همه کمیسیون‌ها و کمیته‌های شورای

همپساری اقتصادی "فعال است. با شرکت کوبا در روند هم‌پیوندی اقتصادی سوسیالیستی، در چارچوب "شورای همپساری اقتصادی"، گام بزرگی در راه تحکیم جامعه کشورهای سوسیالیستی برداشته شد.

مهم‌ترین شرکای بازرگانی خارجی کوبا در جهان سرمایه‌داری عبارتند از: ژاپن، کانادا، اسپانیا و بریتانیا. در مناسبات اقتصادی علمی - فنی کوبا با کشورهای آمریکا لاتین، مکزیک مقام مهمی حائز است.

وضع زحمتکشان: پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری باتیستا، کوبا در همه گستره‌های زندگی اجتماعی به دستاورد - های درخشانی دست یافت. در سال ۱۹۵۸ از ۲/۲ میلیون زن و مرد کوبایی در سن کار تنها ۶۲ درصد شاغل و ۱۰ درصد نیمه‌شاغل بودند. امروزه در کوبا از بیکاری نشانی نیست. سطح زندگی زحمتکشان کوبا، به‌ویژه در روستاها، پیش از پیروزی انقلاب بسیار نازل بود. ۶۰ درصد روستائیان در کلبه‌های محقر زندگی میکردند. درآمد سرانه از ۳۴۴ پسوندر سال ۱۹۵۸ به ۶۵۰ پسوندر سال ۱۹۷۸ افزایش یافت. در کوبا، برپایه برنامه‌خانه‌سازی فراگیر، هر چه بیشتر در روستاها و مراکز صنعتی برای زحمتکشان خانه ساخته میشود (در سال ۱۹۷۸ ۱۶۵۰۰ واحد).

یکی از بزرگترین دستاوردهای اجتماعی کوبا تأمین برابری زنان با مردان، به‌ویژه در روند کار است. در حالیکه در سال ۱۹۵۹ تنها ۱۹۴۰۰۰ زن کوبایی کار می‌کردند، این رقم در سال ۸۱ به در حدود ۸۵۰۰۰۰ رسید. (تنها در سال ۱۹۷۷ ۵۲۰۰۰ زن وارد روند تولید شدند). بدینسان، اکنون یک سوم زحمتکشان کوبا زن هستند. این سهم در بخش‌هایی چون آموزش پرورش بهداری و صنایع نساجی به ۶۰ درصد می‌رسد. اکنون ۳۸ هزار زن کوبایی، مدیر کارخانه و موسسات و سازمان‌های گوناگون هستند. تنها در پنج سال اخیر بر شماره زنان کوبایی، که در اقتصاد، سیاست علم و فرهنگ دارای سمت‌هایی بر - جسته‌اند، ۱۰ هزار افزوده شده است.

ف. غ. - هوادار سابق "سازمان مجاهدین خلق"، در ابتدای نامه اش مینویسد: "من یکی از هواداران سابق مجاهدین خلق هستم. دیشب با خواندن اتحاد مردم شماره ۱۰۳ (نامه یکی از هواداران مجاهدین خلق) (مردم) (که نویسنده نامه ترور را به دو قسمت خوب و بد، خلقتی و ضد خلقتی، انقلابی و ضد انقلابی تقسیم کرده بود و شمارا متهم کرده بود که هر ترور یا جنایت سیاسی را به حساب سازمان مینویسید، این حرکت را مثبت و مفید تلقی کردم که هواداران سازمان از تحریر روزنامه - ها و نشریات دیگران دیدن دست بر - داشته و آنها را مطالعه میکنند. وظیفه خود دانستم از تحلیل‌های سازمان طی این دو سالونیم بعد از انقلاب مروری بکنیم، به این امید که هواداران صادق معیارهای ذهنی را کنار بگذارند و واقعیت‌ها را قبول بکنند.

ببینیم چرا سازمان اکنون در جنبه ضد انقلاب و براندازی قرار گرفته و دست آخربار سید به ترور ریسم کور به ضد هدف‌هایی که داشته، رسیده است؟ سازمان میخواست ایدای داخلی امپریالیسم را از بین ببرد، بر عکس آنها را تقویت کرد، زیرا ایدای داخلی امپریالیسم (سرمایه‌داران - بزرگ - مالکان - ساواکی - ها - فرا سرسپرده - رژیم سلطنتی - اویسی - ها - پالیزبانها - آریانا - ها - انواع مائوئیستهای رنگارنگ) دست به جنایت میزنند و بحساب سازمان تمام میشود. زیر چتر سازمان دست به ترور و بمب‌گذاری برای به وجود آوردن جو وحشت و نا امنی و با احتکار مواد اصلی زندگانی مردم و ایجاد گرانی و تورم میخواهند توده‌ها را از انقلاب مایوس بکنند و انقلاب را از درون مسخ بکنند.

سازمان میخواست به اصطلاح قشربون و انحصار طلبان را تضعیف بکند (آنها) تقویت شدند و انحصار طلبی ضربه بزرگی به انقلاب می‌زند. برای آزادبهای دمکراتیک مبارزه میکرد. می - بینیم بعد از شروع شدن ترور، آزادی - های دمکراتیک خیلی محدود است. هوادار سابق سازمان م. همدین خلق "در ادامه نامه خود از درون ناآگاه "مجاهدین خلق" می‌نویسد: "سازمان در تحلیل خراب به سازمان چریک‌های فدائی هرگونه در - گیری را در آن زمان (درگیری‌های گنبد) به نفع امپریالیسم و به ضرر انقلاب می - دانست و از آنها خواست که - آ - حه را کنار بگذارند و با امام خمینی و سر حو م آیت اله طالقانی درباره عل درگیری

هواداران صادق ولی ناآگاه «مجاهدین خلق»

بتدریج آگاه می‌شوند و به جبهه انقلاب می‌پیوندند

هواداران صادق ولی ناآگاه «مجاهدین خلق» رامی‌توان و باید با حوصله و پیگیری

ارشاد کرد و به جبهه انقلاب بازگرداند.

بدنبال چاپ پاسخ ما به نامه یکی از هواداران "سازمان مجاهدین خلق" (اتحاد مردم - شماره ۱۰۳) تاکنون نامه‌های متعددی از هواداران "مجاهدین خلق" دریافت داشته‌ایم. این واکنش - صرف نظر از چگونگی آن - خود نشان دهنده آنست که بحث درباره شی و سیاست و روشی که بسودا انقلاب و پایه زبان انقلاب است و بر این اساس بررسی شی و سیاست و روش "سازمان مجاهدین خلق" - مفید و موثر است و حداقل در درازمدت میتواند هواداران صادق، ولی ناآگاه "مجاهدین خلق" را از شی و سیاست و روش ضد انقلابی رهبری "مجاهدین خلق" جدا کند و آنها را به جبهه انقلاب بازگرداند.

در میان نامه‌های رسیده، برخی هنوز حاوی ناسزا و اتهام به "اتحاد مردم" است، که به مخالفت با شی و سیاست و روش ضد انقلابی رهبری "مجاهدین خلق" برخاسته، امری که تا زگی ندارد و شایسته پاسخگویی هم نیست. ولی برخی دیگر از این نامه‌ها، صرف نظر از قضاوت‌ها و ارزیابی‌های نادرستی که هنوز در آنها وجود دارد، در اساس حاکی از آگاهی به ضد انقلابی بودن شی و سیاست و روش رهبری "سازمان مجاهدین خلق" و نشانه روی آوردن نویسندگان آنها به جبهه انقلاب است.

در زیر مهمترین نکات یکی از جالب‌ترین این نامه‌ها را چاپ می‌کنیم، باشد که هواداران صادق ولی ناآگاه "مجاهدین خلق" پیش از پیش درباره ماهیت ضد انقلابی شی و سیاست و روش رهبری "سازمان مجاهدین خلق" تأمل کنند و چون نویسنده نامه، تا به کلی دیر نشده، به جبهه انقلاب بازگردند.

صحبت کنند. حالاکه امپریالیسم آمریکا هارتر از آن زمان شده است، چون امید خود، یعنی لیبرال‌ها را که محافظ منافع امپریالیسم بوده، از دست داده و نیرو - های واکنش سریع همینجا بیخ گوشمان در خلیج فارس مستقر هستند تا با یکا شاره به ایران حمله کنند، چرا سازمان در مقابل خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی ایستاده است؟

تنها راه نجات سازمان، البته نه برای رهبری که دیگر امید برگشت نیست، بلکه برای اعضا و هواداران صادق محکوم کردن ترور ریس است تا چهره ترور ریس‌ها و بمب‌گذارها که امید امپریالیسم آمریکا هستند مشخص و عریان شود و توده‌ها، بقول امام خمینی، این تف - لده‌های امپریالیسم آمریکا را بیرون بریزند.

اما سؤال من از مجاهدین این است: نیروهای واکنش سریع آمریکا در خلیج فارس مستقر و مجهز و آماده برای هرگونه عملیات نظامی هستند و اگر توطئه‌های آمریکا برای شکست انقلاب ضد امپریالیستی ایران (حمله صدام و توسعه ترور ریس) با شکست مواجه شود، آمریکا از نیروهای واکنش سریع که روزانه مخارج هنگفتی برای آمریکا در بر دارد، حتما علیه ایران استفاده خواهد کرد.

شما مطمئن در مقابل تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا خواهید ایستاد. معنی این عمل اینست که شما از این رژیم در مقابل تجاوز نظامی آمریکا دفاع خواهید کرد. حالا چرا با ترور ریس پایه‌های این نظام را سست میکنید؟ هوادار سابق "مجاهدین خلق" سپس می‌افزاید: سازمان دست به یک تاکتیک خطرناک زد و آن اتحاد با لیبرال‌ها علیه باصطلاح ارتجاعیون و قشربون بود. بانظری کوتاه به حرکت‌های لیبرال‌ها و پیروان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، راه غلطی که سازمان در آن قدم گذاشت و ضربه آنرا به انقلاب بعد از یکسال می‌بینیم، مشخص میشود.

الف - سیاست خارجی - امام خمینی آمریکا را - دشمن اصلی خلق‌های مستضعف دانسته و از مردم با هر عقیده و مسلکی خواسته است تا در مقابل شیطان بزرگ آمریکا متحد شوند. لیبرال‌ها سیاست گام به گام میخواستند جاده سازش با امپریالیسم آمریکا را هموار کنند و آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند. امام خمینی شوروی را مطرح میکردند تا آمریکا (منعی شود).

ب - سیاست داخلی - امام خمینی نهادهای انقلابی را تقویت کرده و خواستار گسترش و توسعه آنها بود. اما

لیبرال‌ها بانقاط ضعف و خطاهاییکه گاهی از نهادهای انقلابی سر می‌زد، بر کلیه کارهای مثبت نهادها خط بطلان کشیده و آنها را تضعیف میکردند. امام خمینی خواستار قاطعیت در مقابل افراد سرسپرده رژیم سلطنتی بود. اما لیبرال‌ها نه تنها از آنها دفاع، بلکه آنها را از زندان آزاد میکردند (به خصوص خلیسان شاه سرهنگ معزی، که به دستور بنی صدر از زندان آزاد شد و سرانجام بنی صدر و رجوی همراه او به پاریس فرار کردند) - ج - اقتصادی - امام خمینی همیشه خواستار عدالت اجتماعی و رفع ستم از طبقات محروم جامعه است لیبرال‌ها با مصادره اموال سرمایه‌داران بزرگ و ملی کردن کارخانه‌ها به طور موزیانه مخالفت میکردند و می‌گفتند برای از بین بردن بیکاری باید این آقایان سرکار برگردند. با ملی کردن تجارت خارجی (و کوتاه کردن دست دلال‌ها و واسطه‌ها) که خون طبقه محروم را می‌مکند (مخالف بودند بنی صدر گفت: "تا وقتی که به استقلال نسیم ملی کردن تجارت خارجی معنی ندارد."

سازمان مجاهدین خلق تمام فعالیت خود را روی مبارزه با ارتجاع گذاشت و هیئت حاکمه را همگن و مرتجع میدانست. در صورتیکه در هیئت حاکمه عناصر واقع بین و روشن بین بودند که با انحصار طلبی و تنگ نظری مخالف بودند و خواستار آزادبهای دمکراتیک و اجرای قانون اساسی بودند.

هوادار سابق "مجاهدین خلق" سپس در مورد شیوه صحیح برخورد با هواداران ناآگاه و فریب خورده "مجاهدین خلق" می‌نویسد: "در مورد کسانی که مستقیماً

اسلحه به دست دست به ترور میزنند باید با قاطعیت عمل کرد. اما در مورد هواداران که دستگیر میشوند باید درایت و آگاهانه عمل کرد و برنامه‌های تربیتی برای آنها ایجاد کرد تا در یک محیط دور از وحشت حقایق را درک کنند و به قول امام تمام قلم‌ها و مسلسل‌ها را به سوی آمریکا نشانه بروند.

البته مسئولان مملکتی باید صبر بیشتری داشته باشند. انتظار اینکه اینها طی یک یا دو هفته به اشتباه هایشان بی‌بهرند نداشته باشند سعادت می‌مآهد که عضو کادر مرکزی بود و سالها با رژیم سلطنتی مبارزه کرده بود، پس از دو سال فهمید راهی که سازمان در پیش گرفته اشتباه است و به خاطر اینکه نگویند توانائی ادامه مبارزه را نداشت و خیانت کرد. حتی زندگی خود را در این راه گذاشت، به نظر من جریان سعادت نه به این زودی ولی در درازمدت در درون سازمان رشد خواهد کرد.

هوادار سابق "مجاهدین خلق" در پایان نامه خود می‌نویسد: "خواهران و برادران عزیز من است بر من ایراد بگیرند که با نوشتن این مقاله به سازمان ضربه میزنم - ولی به نظر من مسئله سازمان یا فلان حزب یا گروه در این مقطع مطرح نیست، بلکه مسئله میرم و اساسی تحکیم و گسترش ویر - گشت نا پذیر این انقلاب بزرگ و اسلامی است که بیش از ۷۰ هزار شهید و صدها هزار معلول داده‌ایم و اگر این انقلاب شکست بخورد، دژ خیمان امپریالیسم مجاهد و حزب الهی را از هم سوانمی - کند و همه را قتل عام خواهند کرد. پس لااقل شما در برگشت پذیری انقلاب نقشی نداشته باشید. تاریخ و آیتدگان این اشتباه بزرگ را بر شما خواهند بخشید."



احزاب، جمعیت ها، سازمان ها...

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هشدار می دهیم!

خطر تجاوز امپریالیسم آمریکا و مزدورانش از کشورهای ارتجاعی مجاور به میهنمان جدی است

هم میهنان مبارز و انقلابی!

اطلاعات و شواهد موجود بطور بسیار جدی حاکی از آن است که امپریالیسم آمریکا با شکست های اخیر ارتش تجاوزگر صدام و با شکست نقشه خائنانه و جنایتکارانه بنی صدر و رجوی وهمه باند های ضدانقلابی و سلطنت طلب اکنون برای نابودی انقلاب ما و سرنگونی جمهوری اسلامی نقشه جدیدی طرح ریزی کرده است.

امپریالیسم آمریکا می خواهد یکبار دیگر توطئه اشغال بخش مهمی از خاک میهن ما و تشکیل یک دولت ضدانقلابی در مناطقی که نقشه اشغال آنرا کشیده است، امتحان کند. این همان توطئه ای است که هدف اصلی تجاوز صدام به خاک ایران بود اما مقاومت دلیرانه و یکپارچه خلق ما آنرا درهم شکست.

در مرداد ماه سال گذشته، زمانی که بیش از یک ماه به آغاز هجوم گسترده رژیم صدام به میهن باقی مانده بود. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بنا به وظیفه ملی، میهنی و انقلابی خود طی اعلامیه ای از خطر تجاوز قریب الوقوع ارتش صدام به ایران و نقشه گسیل نیروهای ضدانقلابی سلطنت طلب و وابسته به آمریکا به مناطق اشغالی با وضوح تمام پرده برداشت. متأسفانه در آن زمان چون بنی صدر در راس این فرماندهی کل قوا بود، به این هشدارهای ما و همه نیروهای مدافع انقلاب و مدافع استقلال و آزادی ایران توجه نشد و به غلت بخشی از خاک میهن ما به اشغال جنایتکاران مزدور صدام درآمد و این جنگ بدین شکل به ما تحمیل شد.

اکنون یکبار دیگر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نسبت به تکیه یک توطئه تجاوزکارانه جدید به خلق قهرمان ایران هشدار می دهد. تمام شواهد نشان می دهد پس از شکست توطئه براندازی جمهوری اسلامی از طریق توسل به جنایتکارانه ترین عملیات تروریستی، اکنون دوباره امپریالیسم آمریکا و دولت های ارتجاعی مجاور مجدداً آماده می شوند تا از جانب جنوب، جنوب شرقی و شمال غربی وارد خاک ما شوند و مناطق وسیعی را به اشغال خود در آورند. و اگر بتوانند یک دولت دست نشانده متشکل از ضدانقلابیون فراری در این مناطق برای خود تشکیل دهند.

تمام شواهد نشان میدهد که شکست های جبرانناپذیر و پیاپی ارتش صدام در جبهه های کرخه نور، آبادان، بستان و گیلانغرب، که شمره حماسه قریبی های رزمندگان مسلح ماست، امپریالیسم آمریکا و دیگر رژیم های ارتجاعی را به فکر تدارک توطئه تجاوزکارانه جدیدی انداخته است.

دولت ریگان طرح عملیات اشغال برق آسیا نواحی نفت خیز جنوب ایران را، که در زمان کارتر تهیه شده بود، تکمیل کرده است. برای این عملیات اسم رمز تزییب و اوبر "انتخاب شده است و مانور نظامی اخیر آمریکا و تقویت نیروهای "تجاوز سریع آن در منطقه خلیج فارس و دریای عمان به منظور تمرین و تدارک طرح اشغال جنوب ایران صورت گرفته است. الکساندر هیگ در کمال وقاحت اعلان کرده است که برای روی کار آوردن دولتی در ایران، که طرفدار ارزش های غربی باشد، از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

وزیر دفاع دولت ریگان اخیراً به ترکیه رفته است و از دولت ارتجاعی ترکیه خواسته است که علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان نقش فعالتری بر عهده بگیرد. دولت آمریکا از همه کوشش های ژنرال های ترک برای تدارک حمله به ایران و بسیج و سازماندهی افسران ارتش شاه و دیگر ضدانقلابیون فراری وسیعاً حمایت می کند. هم اکنون در پادگان های ارتش ترکیه دهها هزار از این نیروهای سلطنت طلب به هزینه دولت آمریکا

ترکیه و کمک های مالی بیدریغ سرمایه داران فراری ایران نگهداری می شوند. روستاهای مرزی ترکیه حالت کاملاً نظامی به خود گرفته و سکنه غیر - نظامی آن تخلیه شده اند. مردم مرز نشین ایران نیز در اوج نگرانی اموال و رهنمای خود را از محل هایی که در معرض خطر قرار دارند، خارج می کنند. دارو دسته ضدانقلابی قاسملوی خائن با پایگاه های ضدانقلابیون فراری در ترکیه مرادیه منظم دارند. قاسملو اخیراً گفته است که با عضویت در

"شورای مقاومت ملی" امکانات وسیعی به دست آورده است. خوانین مرتجع آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاهان نیز با دولت های عراق و ترکیه نزدیکترین روابط را برقرار کرده اند.

سفر الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا به پاکستان، که به علت حوادث لهستان به تأخیر افتاد، فرار است در آینده نزدیک انجام شود. این مسافرت دوهدف دارد. کمک های بیشتر به مزدوران افغانی و پاکستانی علیه انقلاب افغانستان و کمک های بیشتر به پاکستان برای به پایان بردن تدارکات نظامی برای تهاجم به ایران در منطقه سیستان و بلوچستان. امپریالیسم آمریکا به حکام نظامی پاکستان ۳/۲ میلیارد دلار کمک کرده است. دولت پاکستان در مرزهای خود با ایران از ماه ها پیش به این طرف مشغول ساختن راه های ارتباطی و استحکامات نظامی بوده است. بخش مهمی از ضدانقلابیون ایران نیز در پاکستان گرد آمده و به تمرینات و تدارکات نظامی مشغولند. خوانین مرتجع سیستان و بلوچستان هم با دولت پاکستان و هم با مرتجعین آنسوی خلیج فارس مناسبات تنگ تنگی برقرار کرده اند.

دوهفته قبل کنان اورن رئیس دولت فاشیست ترکیه به پاکستان رفت و با ضیاء الحق رئیس دولت فاشیست پاکستان، که هر دو از شناخته شده ترین رژیم های آمریکائی منطقه بشمار می روند، ملاقات و راجع به هماهنگی نقشه های تجاوزکارانه علیه میهن ما مذاکره کرده است. آخرین تصمیم مشترک دولت های آمریکا، ترکیه، عربستان و پاکستان و شیوخ مرتجع خلیج فارس برای هجوم به ایران و اشغال مناطق جنوبی و غربی ایران حاکی از آن بوده است که این نقشه برای زمستان امسال به اجرا گذاشته میشود. تسریع و تشدید فعالیت دیپلماتیک و نظامی مرتجعین منطقه در یک ماهه اخیر کاملاً هشدار دهنده است.

هم میهنان آگاه و مبارز!

اکنون که توطئه مشترک مجاهدین، لیبرال ها و سلطنت طلبان و همه گروهک های ضدانقلابی با شکست مواجه شده است، اکنون که جنگ تحمیلی صدام می رود که به سود ما به پایان پیروز مند خود نزدیک شود، اکنون که انقلاب ما می رود که گام های بسیار مهمی به سود توده های وسیع مردم محروم و زحمتکش بردارد. بزرگ مالکی و کلان - سرمایه داری را براندازد و غارتگری سرمایه داران و فئودالها را مهار کند، اکنون که پایه های انقلاب ما می رود که باید دست آوردن پیروز بهای بسیار مهمی بر سرمایه داری و فئودالیسم مستحکم گردد.

امپریالیسم آمریکا و مرتجعین کشورهای مجاور و همه دستجات ضدانقلابی داخلی مسلماً بی کار ننشسته اند و بیکار هم نخواهند نشست. همه دشمنان خلق ما برای اینکه جلوی انقلاب ما را بگیرند، بخصوص برای اینکه نگذارند انقلاب ریشه پایگاه های اجتماعی مهم آنها، یعنی سرمایه داران بزرگ و فئودالها را از دل جامعه بکنند و برای مردم زحمتکش کاری بکنند، دست به دست هم می دهند که بر ما هجوم بیاورند، قسمتی از خاک ما را اشغال کنند. میهنمان را دستخوش تجزیه سازند. این نقشه ای است که در زمان کارتر تهیه شده و اکنون تکمیل گردیده است. مافدائیان خلق ایران (اکثریت) نسبت به خطر اجرای این نقشه به همه نیروهای مبارز و انقلابی، به میلیونها مردم مبارز و زحمتکش

میهن و به دولت جمهوری اسلامی هشدار می دهیم. هم میهنان آگاه و مبارز!

اکنون که دشمنان داخلی و خارجی ما از توطئه و تجاوز علیه انقلاب ما و میهن انقلابی ما دست بر نمی دارند، وظیفه ما چیست؟ آیا وظیفه ای مهمتر و حیاتی تر از دفاع از این میهن انقلابی سراغ داریم؟ امپریالیست ها به سرکردگی امریکای جنایتکار و همه رژیم های ارتجاعی منطقه قصد دامن زدن به تجاوز به حرم میهن ما را دارند. در برابر این توطئه ها وظیفه یکایک ماست که به هر طریق که می توانیم و در هر حدی که از عهده ما ساخته است، در راه حفظ استقلال یکپارچگی و تمامیت میهنمان و دفاع از دستاورد های انقلابمان، در راه سرفرازی و سعادت مردمان بکوشیم. بایستیم و تا پای جان بانثار همه هستی خود پیروزی هایی را که در انقلاب بدست آورده ایم، حفظ کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را، با هر مرام و عقیده ای که باشد، فرامی خواند صوف خود را فشرده تر سازند. دشمنان اصلی امپریالیسم آمریکا و اعمال جنایتکار آن را از یاد نبریم و همانگونه که امام خمینی رهبر انقلاب بارها تأکید کرده اند، از هرگونه تفرقه و دشمنی بپرهیزیم و راهی در پیش نگیریم که خواست و نیاز دشمنان ماست. اتحاد، رمز پیروزی ماست، رمز شکست ناپذیری ماست. ما از همه نیروهای مدافع انقلاب و یشتیبان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی مصرانه می خواهیم که از یاد نبرند که اگر امروز ما دست به دست یکدیگر ندهیم و همه نیروهایمان را برای مقابله با این توطئه تجاوزگرانه امریکائی به کار بندیم تاریخ قضاوت سختی درباره ما خواهد داشت. اگر همه با هم متحد باشیم، آمریکا و همه دشمنان انقلاب را حتماً شکست خواهیم داد. مایه کمال تأسف ماست که می بینیم، چه در میان مسئولین جمهوری اسلامی و چه در میان سایر نیروهای مدافع انقلاب کسانی یافت میشوند که علیرغم خطراتی که به طور بسیار جدی انقلاب ما را تهدید می کند، دست از تفرقه جویی و کینه پرانی علیه یاران صدیق انقلاب نمی شویند. مافدائیان خلق (اکثریت) با تمام نیرو در سراسر ایران، در هر کجا که باشیم، از هیچ کوششی برای نزدیک کردن، فشرده کردن و متحد کردن همه نیروهای مدافع انقلاب دریغ نخواهیم کرد. ما از همه مدافعان انقلاب می - طلبیم که در این لحظات حساس که سرنویشت میهنمان مطرح است، برای مقابله با دشمنان انقلاب و استقلال و آزادی مان متحد شوند و توطئه عوامل دشمن را برای دامن زدن به تفرقه و نفاق میان مردم و منحرف کردن روحانان از خطراتی که انقلاب را تهدید میکند، در نقطه ناکام گردانند.

خطر تشدید تجاوز نظامی به میهن ما جدی است. در چنین شرایطی دفاع ملی و آمادگی و هشیاری همه ما مهم ترین وظیفه ماست. ما در آغاز جنگ عراق با ایران از همگان خواستیم که به بسیج بپیوندند. متأسفانه در ماه های بعد، بدون توجه به این امر بسیار مهم که دفاع از میهن انقلابی وظیفه و دین هر عنصر انقلابی است که باید ادا کند، جز مسلمانان پیرو خط امام سایر انقلابیون را از پیوستن به بسیج محروم ساختند. با این سیاست، سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و سایر انقلابیون، از پیوستن به بسیج مستضعفین محروم شده اند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انحصاری کردن بسیج را سیاستی نادرست می داند و از مقامات مسئول انتظار دارد که با اتخاذ یک سیاست صحیح از سایر مدافعین انقلاب دعوت کنند، با هر مرام و عقیده ای که باشند، به بسیج بپیوندند. ما تأکید داریم که تا دیر نشده ضروری است که این سدا را درآید، در راه بسیج را به

روی نیروهای راستین انقلابی بگشایید. امیدو آرزوی خلق، خلق قهرمان ماست که ارتشی واقعا ۲۰ میلیونی داشته باشد. ارتشی که تمام خلق را دربرگیرد.

دفاع در برابر تجاوز، نیروهای مسلح قوی می خواهد. تهیه سلاح های پیشرفته و کارساز از منابعی که برای ما وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی بوجود نیآورد، برای ادامه دفاع از استقلالمان ضرورت حیاتی دارد. سازمان ما روی ضرورت اتخاذ سیاست صحیح و مستقل و منسجم در تهیه سلاح های ضروری برای دفاع از میهن انقلابی مان تأکید جدی دارد. واقعیت این است که سلاح های سنگین ارتش ایران عمدتاً از آمریکا و انگلیس تهیه شده است. این کشورها امروز بزرگترین دشمنان ما هستند. آنها به ما اسلحه نخواهند داد. اگر هم بدهند، استقلال ما را گروگان می - خواهند. آنها وقتی به ما اسلحه می دهند که ایران مال آنها باشد. ارتش ما باید تقویت شود. سپاه باید تقویت شود. پاسداران باید به سلاح سنگین مجهز شوند. اینها همه ضرورت هایی غیر قابل چشم پوشی است. مردم می خواهند که نیروهای

مسلح ما نیرومند باشند. مردم انتظار دارند به همه درنگ ها و تردیدها در زمینه تهیه بدون قید و شرط سلاح های نیرومند از کشورهای که مدافع انقلاب و استقلال ما هستند، پایان داده شود. هر تاخیری در این زمینه زبان های بسیار جدی بار خواهد آورد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بدین وسیله اعلام میکند که همه فدائیان خلق (اکثریت) در سراسر ایران آماده اند که چه در جبهه ها چه در پشت جبهه ها به مرم ترین وظایف خود برای دفاع در برابر تجاوز عمل کنند. فدائیان خلق، در هر کجا که باشند، پیوستن به خدمت و وظیفه و قرار گرفتن تحت فرماندهی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را وظیفه خود می شمارند. آنها از دیگران نیز دعوت می کنند که این وظیفه میهنی را انجام دهند. فدائیان خلق (اکثریت) شرکت در دفاع مسلحانه از انقلاب و جمهوری را حق و وظیفه انقلابی خود و همه نیروهای انقلابی میدانند. فدائیان خلق (اکثریت) موکداً می خواهند که کلیه محرومیت های قانونی و غیر قانونی در راه پیوستن همه نیروها در دفاع از میهن از میان برده شود.

هم میهنان مبارز!

انقلاب ما لحظات حساسی را پشت سر می - نهد. توطئه جدید امپریالیست ها و مرتجعین در حال تکیه بر است. خلق ما بی گمان توان آنرا دارد که این توطئه را نیز درهم شکند. دست در دست یکدیگر بگذاریم، با هر مرام و عقیده ای که هستیم چه در جبهه های جنگ، چه در جبهه های تولید، چه در سایر سنگر هایی که هستیم، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را که شمره خون دهها هزار شهید ماست، برپا و سرفراز نگاه داریم. امروز تاریخ از تک مافداکاری و جان بازی می طلبد، عزم و شورا انقلابی می طلبد، اتحاد و یکپارچگی می طلبد همه با هم حول رهبری امام خمینی متحد شویم و همه توطئه های تجاوزکارانه امپریالیست ها و مرتجعین را درهم شکنیم.

برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

پیروزی باد انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۶۰



در افسانه‌ها آورده‌اند که مغولی شیخ عطار را اسیر کرد. پس از گفت و شنیدی، که به مذاق مغول خوش نیامد تیغ برکشید و در دم سزای او جدا ساخت. اما شیخ خم شد، سرخویش بر گرفت و برگردن نهاد و سرودن منظومه "بی سرنامه" را آغاز کرد. و در برابر چشمان حیران مغول، پس از پایان آوردن منظومه، دوباره جان داد.

گویا منظور بافندگان این افسانه ساختگی و بسیار خوش آمدنی، آن بوده که برای بزرگ مردی چون عطار، که در حق فنا شده است، مرگ وجود ندارد مرگ وزندگی عطارها در دست خود آنهاست. اما از گذرگاه این افسانه به این اندیشه نیز توان رسید که شاعر راستین، تا هنگامی که تعهد و رسالتش رایه انجام نرساند، خاطر آسوده نمی‌یابد و حتی با سر بریده می‌سراید.

**سیاوش کسرائی** که آشنا و نا آشنا اورا از خودشان میدانند و صمیمانه‌اش سیاوش میخوانند، از مره ۶۰ چنین شاعران متعدد است. او جز به مردم نمی‌اندیشد و جز به مصلحت آنان چیزی نمی‌سراید. سیاوش در تمام سال‌های خوب و بد راه مردم رفته است و با این خلصت شهره شهر شده.

**"چهل کلید" سیاوش** "گزیده" ۶۰ چهل و چند شعر است و هدیه‌ای به چهل سالگی دوست. احسان طبری، استاد و انسان گرانمایه روزگار ما، در مقدمه‌ای بر "چهل کلید"، به حق نوشته است که:

"این جنگ کارنامه و دردنامه این ایام است."

شکست‌ها، تردیدها، بیم‌آمیدها در بدری‌ها و هزارها درد بی درمان و درمان‌پذیر سی چهل ساله اخیر در این مجموعه بازتابی شاعرانه دارد. از این شعرها ساده نباید گذشت. بسیاری از این سروده‌ها سالها مونس و غمخوار دل سوختگان و شکسته‌دلان سرزمین ما بوده. در سرمائی که سنگ را می‌ترکاند، دل‌ها به این آتش گرم می‌شود. در شبهایی که تک و توک ستاره‌های تارهای لیزان پریده رنگش را در تاریکی دام‌گیر می‌تند، این پرتو، روشنایی بخش جانها بود. بیشتر این سروده‌ها، حتی اگر در کتاب دفتر هم گرد نمی‌آمد، در نهاد نگاه سینه‌ها محفوظ میماند و سالهای سال به زندگی شریف و پنهانی اش ادامه میداد که به قول حافظ:

**به روز واقعه غم با شراب باید گفت  
کما عتقا دبکس نیست در چنین زمینی**

شعر سیاوش در آن ایام محرم و مرهم دلها بود. دل‌های نومید را به هم پیوند میداد. دست‌های گریزان را به هم گره می‌بست. نگاه‌های رمنده و فرو افتاده را در هم میدوخت. گاهی چنان در دل و جان زمزمه‌کننده، به خلوت نشسته می‌نشست، که سیاوش در این میان فراموش میشد و هر کس گمان می‌برد که خود، سراینده این شعرهای خوب و صمیمی است، و آنچه زمزمه میکند، زاده طبع و پندار اوست، و شاید والاترین آرزوی شاعران آزاده مردم دوست همین باشد که خود از میان برخیزند و شعرشان بی واسطه بر لب‌ها بنشیند. افسوس که سیاوش در پاره‌ای از این شعرهای قدیم در این مجموعه، به مصلحت یا به اعتبار تجربه، دست برده است. ولی به گمان ما "به روزگار ن شعر نشسته بر دل" را نباید دوباره پیراسته و آراسته کرد، حتی اگر با این بزرگ مختصر زیبایی‌اش چندین برابر شود.

اشعار این مجموعه را به سه بخش میتوان کرد: بخش نخست شعرهای پیش از کودتای ۳۲، دوم سروده‌های بعد از کودتا تا چندماه پیش از انقلاب، و سوم دوران هیجان‌انگیزهای پیش از انقلاب تا مهرگان امسال و چهل سالگی دوست. شعر آزاد "در گذر از خون"

هشتم"، که در مقدمه آمده، به همین بخش تعلق دارد.

**سیاوش** از اشعار پیش از ۳۲، تنها پنج شعر را برگزیده است. اشعار این دوران، که به فراوانی در جراید آزاد آن ایام به چاپ میرسید و پاره‌ای از آنها هنوز ورد زبان جوانان قدیم است، اگر چه از اعتلا و آوج سیاوش حکایت نمیکند ولی از آتشی تند و فرزانه لبریز است. در شعر "پس از من شاعری آید"، که حاصل آن روزهاست، از آینده‌آباد تا ناکی سخن میگوید که شاعرش از رنج‌ها و نگرانی‌های طاقت‌سوز شاعران نسل‌های پیشین بی‌خبر است. او دیگر ناچار نیست "باموج اشک آرزو"ها را بشوید. نمیداند که "غنچه‌های عمرنا" سیراب "سیاوش‌ها در کام اوشکفته‌است با اینوصف شاعران امروزی "لبهای نا-سپاس" اورا "در دهان شعرهای خود می‌پوسند". و اما "اسم شب" معروفترین و "فرهادها" بهترین شعر برگزیده این بخش است.

بخش دوم، که به گمان ما برابری‌ترین و والاترین شعرهای سیاوش را در بر میگیرد، زاده دوران شکست و نا-مرادی است. در روزگاری که نمی‌توان با صراحت سخن گفت، او از پاکیزه‌برگ ریز مدد میگیرد. و به هنگام "گریختن تا بوی گل از دروازه گشوده" پایتیز

اشک میریزد. آن چنان غمگین است که پنداری در سینه دم تیرباران تک تک گلوله‌ها را در سینه پیر احساساتش انداخته. برای پایتیز، این "بیوه عزیز غم-انگیز مهربان"، غصه میخورد که چنین بی‌مرد مانده است.

و از آن پس سیاوش، به جان - سختی، با کشاکش روزگار دست و پنجه نرم میکند، با آن که در میگذرد عشق را بسته، سبوی عاشقان را درهم شکستند به ظاهر از میخوارگی دست می‌شویید، اما با تمام قلبش فریاد میزند:

**با آنکه گرفتند ز لب توبه و پیمان ز دستم  
با محاسب شهر بگوئید که هشدار  
هشدار که من مست می‌هر شب هفتم**

و در آن هنگام که "چراغ‌ها یکبه یک خاموش میشود و شهر از تک و پو می‌افتد" و هر کس سردر لاک خود میبرد کم کم بی‌زاری و بی‌حوصلگی و دل زدگی بر همه چیز سایه می‌اندازد، سیاوش هر بهار با پرور از مرغان حس میکند که آرزوی در دلش پرمیکشد و یقین دارد که:

**بال دارد، بال دارد مرغ عشق  
باز خواهد کرد او پروازها**

و این "بال دارد" را چه زیبا و سمج تکرار کرده است. به تدریج تیرگی بیشتر و انبوه‌تر میشود، تا آنجا که چشم چشم را نمی‌بیند و دست دست را نمی‌شناسد. سیاوش که نمی‌خواهد در خاموشی و تیرگی گم شود، به بهانه ستودن پوری گاکارین - انسان فضا - نورد، از پرده دود آلود مجاور خویش فراتر می‌رود و به ستایش انسان می‌نشیند. ستارگان را به سجده انسان وامیدارد و از دوست داشتن آغاز میکند و سرانجام در سال ۱۳۳۷ منظومه "ماندگار" "آرش کمانگیر" را می‌سراید که بدون تردید در دنیای شعر نو یک واقعه است. سیاوش "آرش کمانگیر" را به نام سردار امید خسرو روزبه سروده است، ولی آنچنان هوشمندانه این منظومه را در قالب کلام می‌ریزد که حتی به تیرجانشکار آرش دیوارهای بلند رخنه-

ناپذیر شکافته می‌شود و این منظومه حتی در آن روزگار سیاه تمام درها را به روی خود باز میکند. در کتاب‌های درسی دانش آموزان جای میگیرد و لب و دهان جوانان ونو - جوانان را معطر میکند. بسیاری از مادران از آن پس به فرزندان توریسیده نام "آرش" می‌نهند و با آرزوهای فرو خورده، به امید برومندی آنان می - نشینند. اما سماجت شب‌چندان است که دل سیاوش هم غمین میشود و پنهان میگرد و او برای آرام کردنش آواز میخواند:

**غم نشسته باغ جان من  
جنگلی است بی شکوفه، لیک  
بنگر ای بهار دیررس  
شاخه‌ها جوانه دارد**

شاعر با تمام این اوضاع و احوال در روزهای که حتی تنفس دشواری - شود، در نمی‌ماند. از هر گوشه جهان که ندائی به گوش میرسد، بی پروا و عاشقانه بدان سو پرواز میکند. و در میهن غم زده، خویش بازو بند پهلوانی را به بازوی ستبر جهان پهلوان تختی می - بندد و در یکی از پاکیزه‌ترین اشعارش "روی آرزوگین و خوی پاک و صافی سخن گفتن آن یل بولاد دست" را می‌ستاید و همچنان در تاریکی به جرقه های گاه‌به‌گاه چشم میدوزد و یک لحظه

چشم غمگین و امیدبارش نمی آساید. و در سال ۱۳۴۲ "باور" را می‌سراید، که در روح ناباوران زمانه اشوب به پای کند:

**باور نمی‌کنند دل من مرگ خویش را  
نه، نه من این یقین را باور نمی‌کنم  
تا همدم من است نفس های زندگی  
من با خیال مرگ دمی سرنمی‌کنم**

و غزلی برای درخت میگوید که در نهایت رعنائی و کمال است و شاید یکی از زیباترین شعرهای او باشد:

**وقتی که بادها  
در برگیهای درهم تولانه میکنند  
وقتی که بادها  
گیسوی سبز ترا شانه می‌کنند  
غوغایی ای درخت.**

اما سیاوش دل بولادین ندارد. امیدهایش دروغین و قالبی نیست. انسان است و شاعری حساس و هوشیار. امکان ندارد غم زمانه روح عزیزش را در هم نشکند. در لحظه‌های زودگذر تخلی‌یابی بسیار زیبا در کام او می‌ماند:

**من در صدف تنها  
بادانه‌ای باران  
پیوسته می‌میختم پندار مروارید بودن را  
غافل که خاموشانه می‌خشکد  
در پشت دیوار دم دریا**

این لحظه‌ها دیری نمی‌پاید و باز به رسن امید چنگ می‌زند و در این روزهای توان‌سوز، با زهم، غمگسار مهربانش، شعر است. در سالهایی که گروهی از شاعران به پیوجی و بی‌ارگی می‌آمیزند و تاب می‌خورند، سیاوش از اندیشه روشن و سخن پاکیزه جدا نمیشود. او تابش صبحدم را در پشت دیوارهای ضخیم می‌بیند و هر بهار سرودش را چون رد خون آهوی مجروح بر هر شیخ می‌افشاند و آنگاه عطر تلخ جوانش را با لب‌های مهاجم تا ذهن دشت‌های گمشده می‌راند و در جشن - های دوهزار و پانصدساله با آن همه شکه (!) و زرق و برق، یا شعر دل‌نشین

"اشاره"، سراسر شکوه شوش را در برابر کرمکی سخت کوش، که از ساقهای تن پیرانحنای خود را بالا میکشد، ناچیز و بی‌رنگ می‌بیند.

و اما بخش سوم با شعر وحدت و آغاز شور انقلابی مردم رنگ میگیرد شاعر زیرکانه تمام هم نفسان و یاکان روزگار و دوستداران انقلاب را در زیر ردای وحدت می‌خواهد و آرزو میکند و از این پس، روزهای تنگ و تار را فراموش میکند و با خلق به خیایان می - شناید. با مردم فریاد میزند. تفنگ بر دوش میگیرد. اشک شوق می‌ریزد. به جبهه می‌رود. با آمریکا درمی‌افتد و به شادی رنگ باختن ستارگان پرچم آمریکا در آفتاب "دست می‌افشاند". امام بزرگوار و ستوده خلق را ستایش میکند. در بهشت زهرا شهیدان را به خاک می‌سپارد. و در این دوران بیشتر با شعر آزاد به بیان مقصودی پردازد. گوئی برای خروش و فریاد دره‌های آزاد وزن و قافیه را دست و پاگیر می‌بیند و نمی‌خواهد از خلق پر جوش و شتابنده واپس‌ماند. "بر سکوی ماهه"، "بهشت زهرا" و "خانه خیایان شانزده آذر" فرصت پرداختن به ریزه‌کاری‌ها و قالب‌گیری معمول نیست. در این شعرهای آزاد، به سنت همیشگی، شاعر کلمات و تعبیرات زیبا و شسته و

رفته‌ها بکار میگیرد و میکوشد، تا تعادل جوهر شاعرانه و درونمایه فکری‌اش بر هم نخورد. زمانه شعر ویژه خود را می - طلبد و سیاوش، که شاعر برآزنده دوران خویش است، حتی در خشکسال ادب‌پس از انقلاب، سرسری و طراوت و شعرش را حفظ میکند، که مرغ عشق، کم و بیش، بال‌های گشوده تری دارد و پرواز جانانه‌ای را طلب میکند. شاعر هم پاره‌ای از قیدها را از دست و پای این مرغ بر میدارد. او می‌خواهد شعرش از حصار کتاب و روزنامه فراتر رود، به دیوارهای شهر نقش بندد. در اجتماعات خوانده شود. بر دکان نانوایی بوی نان را ببویید. و منت‌های کوشش خود را در این راه کاری - بندد. "از قرق تا خروسخوان" یکی از این شعرهای آزاد است که در آذر ۵۷ دو ماه پیش از انقلاب، سروده. در این محدوده هم سیاوش قواعد و نظم مخصوصی را در نظر دارد. کلمات و تعبیرات را ببوده و بی‌پناه رانمی - کند و از تجربه‌های پرشمارش بهره بسیار میگیرد. در بیشتر "پاره" های "از قرق تا خروسخوان"، جمله "شب‌ماچه باشکوهست" را تکرار میکند. و با این تکرار ستون‌هایی زیربنای شعرش می - گذارد که استوار و پایدار باشد. در دو "پاره" آخر، که دیگر این تکرار را لازم نمی‌بیند و حس میکند که بدون این ستون هم بنا پای‌برجا میماند، با آهنگ شتابنده تر و تک‌ضربه‌های موثرتر به پایان شعر نزدیک میشود و رای نهائی را در آخر صادر میکند که:

**صبح حتمی الوقوع است.  
شعر کلمات غیر شاعرانه، که در بارگاه شعر معمولاً بار نمی‌یافت، راهی به درون می‌یابد. تعدادشان انگشت‌شمار است: "متنخ" - نظامیان - ترحیم - حتمی الوقوع" و شاید یکی دو کلمه دیگر. سیاوش این کلمات بیگانه و چموش را به آسانی رام و دست‌آموز میکند و زبری و زمختی شان را می - رباید. وقتی میگوید:**

**شب ما چه با شکوه است  
وقتی که نظامیان**

چاک سالها فرونشسته و در آسمان پاک و آبی بسیاری از نهفته‌ها آشکار شده، شاید بتوان گفت که روی تنه محکم و بیخ خورده شعر نیما، شاخه‌های سرسبزی روئیده و هر یک از سوتی بالاگرائیده - اند و هر کدام سرسبزی و طراوت خود را دارند و در گشای از این درخت گل‌برگ داده‌اند و جاشی را زیر سایه خود گرفته‌اند. شاعرانی مانند سهراب سپهری، سایه، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث، و دیگران هر یک رنگ و عطر و صفای تازه‌ای به این فضا بخشیده‌اند. و اگر چه این باغ هنوز در برابر باغ شکوه هند و ادب کهن فارسی ناچیز می‌نماید، اما آراستگی و بار - وری و تنوع رنگهای آن انکارناپذیر است. شعر کسرائی نیز در این میان ویژگی - های خود را دارد. شعرش اندام خواستنی و حساب شده‌ای دارد، که کمال و رعنائی آن در اندام را "اشاره" "خاموشانه" و "غزلی برای درخت میتوان دید و به تحسین نشست. اشعار موفق و درخشان او کم نیست. با مهارتی کم نظیر جوهر شعری را با اندیشه‌ها و پندارهایش می‌آمیزد، تغزل در سخن او موج میزند. اما او این عطر را به سر و روی دردمندان و ستم دیدگان می‌پاشد. او در کنار آزادگان آرزو مند می‌نشیند. دردش را در میان درد مردم می‌جوید و غم خود را در این میان، عاشقانه گم میکند. همه این ویژگی‌ها باعث شده که سیاوش از چهره‌های مشخص و درخشان شعر نو به حساب آید و حتی پس از انقلاب، که بسیاری از نام‌های مشهور از خاطره‌ها محو میشوند سیاوش درخشش بیشتری می‌یابد. او این توفیق را نه تنها مدیون توانایی و استعداد شگرف شاعری، بلکه مرهون اعتقاد و ارادت صادقانه‌اش به مردم است و میتوان امیدوار بود که عطر باور های او همواره در فضا لبریز خواهد بود:

**می‌ریزد عاقبت  
یک روز برگ من  
یک روز چشم من هم در خواب می‌شود  
زین خواب چشم هیچکسی را گریز نیست  
اما درون باغ  
همواره عطر باور من در فضا پراست.**

**در محاصره چشمان شب‌زنده داران اسیرند**  
در محاصره چشمان سیاه شب - زنده داران، "نظامیان" به آسودگی در این یادگان مستقر میشوند و در آخرین پاره شعر:

**کشتگان  
سحر را نمی‌بینند  
اما  
صبح حتمی الوقوع است**

وقتی که "کشتگان سحر رانمی - بینند" و زنده‌ها انتظار سوزان صبح را در سینه دارند، مفهوم "حتمی - الوقوع" با شوق در دل‌های نشیند و کسی، به شکل آن کاری ندارد. سیاوش با این شعر خاطره آن شبها را زنده میکند که دل‌ها در تاریکی بهم می‌پیوست و یکی میشد و در یک رود جریان می‌یافت. لحظه - های نابی از زندگی و خروش مردم ما در این اشعار قاب میشود. شاعر آتش درون را باطنیتی خوش آهنگی دلنواز بیان میکند، اما آن‌سی که ما ایرانیان د حلقه گمشده‌ای را حس می‌کنیم و ای کاش سیاوش کمتر به این شیوه سخن میگفت. و اما این بحث بی‌شمار خواهد بود. اگر از مقام بلند سیاوش در کارگاه شعر نو چیزی نگوییم. حالا که گرد و

**چهل کلید سیاوش**

باز تحکیم و تقویت جبهه متحد نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی جبهه متحد ضد انقلاب را درهم شکنیم!



متحدان بنی صدر - سرمایه داری لیبرال ایران (۹)

لیبرال ها: حمله به نیروهای مدافع انقلاب - سکوت قانید آمیز

در برابر گروهک های ضد انقلابی

یکی از اجزاء نقشه حربه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر فراری، برای مسخ و در نهایت شکست انقلاب اسلامی ایران، حمله به یاران نزدیک امام خمینی، سازمانها و احزاب هوادار و همفروان انقلاب بود. سرمایه داری لیبرال ایران، که خواب حکومت آینده، حکومت میانبروها را، که ریگان رئیس جمهور آمریکا وعده آن را داده است، می دید، در اجرای این امر نقش اصلی بر عهده داشت، نقشی که دقیقاً با آنچه سایر متحدانش در جبهه بنی صدر: "رهبری خاشی" "مجاهدین" و "گروهک های رنجبر"، "پیکار"، "جبهه ملی" ... انجام می دادند، هماهنگ و هم سو بود. حمله حربه متحد ضد انقلاب به نیروها و گروه های هوادار انقلاب، به موازات تعمیق انقلاب، چهره عریان - تری به خود می گرفت و درون این جبهه سرمایه داری لیبرال ایران، روز به روز دلائل خود را برای حفظ ظاهر آراسته از دست می داد. اگر در آغاز این طور مطرح می شود که:



... حالا چطور است؟ آیا اختناق وجود دارد؟ اگر واقع بین و اهل حرات و انصاف باشیم، باید بگوئیم همان شقوق و شیوه ها با تغییر عناوین و شعارها، کم یا بیش و در بعضی موارد به وجه شدیدتر، به انضمام تازه های حکمفرماست... (۲۷ آبان ۵۹ - "میزان" - از مقاله مهندس بازرگان تحت عنوان "اختناق شاخ و دم ندارد") و یا اینکه... این روش ها (دستگیری صادق قطب زاده) روش کسانی است که تصور می کنند قباله مکتب و مسلمانی و ایمان فقط به نام آنها صادر شده... روش کسانی است که به مردم تکیه ندارند... (۱۹ آبان ۵۹ - میزان)

که اگر... مولیان انقلاب... مردم را آزاد نگذارند، انقلاب... بدست خود مردم تداوم می باید... (۳۰ آبان ۵۹ - میزان)

حمله به نیروهای مسلمان مدافع انقلاب

اما این "هیولای بی شاخ و دم" مدت زیادی زیر همین اسم هم باقی نماند. طاقت لیبرالها طاق شده بود و وقت آن بود که این حمله جدید وارد مرحله متکامل تری شود:

"... ای امام، این نودولتسان را بخای خودشان نشان... (۱۳ بهمن ۵۹ - میزان) و این "نودولتسان" چهره شان هم باید مشخص می شد:

"... دکنتر بهشتی از رسانه های گروهی بطور ممتاز و استثنائی استفاده کرده و به تبلیغات می پردازد... (۲۷ بهمن ۵۹ - میزان) و چندی بعد، همصدا با بنی صدر صریحاً "خواستار کناره گیری شهید دکنتر بهشتی از سمت ریاست دیوانعالی کشور شدند:

"... به نظر ما جامعه اسلامی امروز ایران به صورتی است که رئیس قوه قضائیه نمی تواند سمت دبیر کلی حزب را به عهده داشته باشد و در عین حال بی طرفانه در مورد فردی که متعلق به حزب اوست... قضاوت کند... به نظر ما، موجبات تضعیف مقام ریاست دیوانعالی در وضع موجود نهفته است و اگر ریشه این شکل بصورت کناره گیری رئیس دیوانعالی کشور از حزب و یا ریاست دیوانعالی صورت نگیرد، بدون

عاقبت هم به زبان لیبرالی نوشتند که:

"... از پدیده های چشمگیری که در حکومت های مطلقه... حکمفرماست، عارضه مطلق بینی است... در این نظام افراد در کلیه حالات خوبند یا بد خادمند یا خائن... در اینگونه جوامع مردم مایلند وجود الگوهای فوق طبیعی را بیاورند و رهبران خود را به سرحد معجزه آفرینی برسانند. برای افراد بنوعی قائل شوند و سطح فکری آنان را به اندازه ای بالا ببرند که سؤال کردن یا توضیح خواستن... از آنان را کاری بسوده و حتی گناه بشمرند... بدین دلیل در جامعه ای با چنین فرهنگ مقاماتی قدرتمند و در عین حال غیر مسئول که در رأس آنان سایه خدا قرار می گیرد، بر همه گسترده و در همه جا نمود می کند... بدون شک جامعه انقلابی ما هنوز دچار چنین فرهنگی است... (۱۰ خرداد ۶۰ - میزان)

این "رهبران" مورد نظر حتماً شهید بهشتی و شهید رجایی و نظائر آنها نبودند، زیرا آقایان لیبرال، چه چیزها که به ایشان نسبت داده بودند آیا جز این بود که سرمایه داری لیبرال ایران حرات اهانت به رهبری انقلاب را هم بدست آورده بود؟ به تاریخ نقل قول فوق دقت کنید: ۱۰ خرداد ۶۰! این درست در اوج روزهای است که لیبرالها به گمان خود کار انقلاب را پایان یافته می دیدند و در همزیبایی کامل با همه اعضای جبهه متحد ضد انقلاب سعی در اعتبار کردن رهبر انقلاب داشتند. (و توده ها با فریاد "درود بر خمینی، مرگ بر بنی صدر" چه جواب دندان شکنی به جبهه متحد ضد انقلاب دادند)

حمله به دگر اندیشان مدافع انقلاب

و اما در مورد احزاب و سازمانهای پیرو سوسیالیسم علمی، لیبرالهای مسلمان دو تشویش د کمونیست در مقابل با دگر اندیشان بسیار ثابت قدم بودند، اما ثبات قدمی که فقط شامل کمونیست های طرفدار انقلاب میشد، والا کمونیست - نماها و چپ های آمریکایی و تریچه های پوک - این محصولات مشترک چین - آمریکا، از گزند این مقابله در امان بودند.

نگاهی به گذشته نشان می دهد که "میزان" ارگان سرمایه داری لیبرال ایران، درست به سبب "انقلاب اسلامی" "مجاهد"، "پیکار"، "رنجبر"، "صدای آمریکا"، "بی بی سی"، "صدای آزاد" و... در تمام طول انتشار خود، حتی کلمه ای علیه گروهک های ضد انقلاب ننوشت. "میزان" حتی یک کلمه درباره "پیکار"، که از همان آغاز شعار سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را داده بود، ننوشت. "میزان" حتی یک "تو"

هم به انواع و اقسام مائوئیست های آمریکایی نگفت. "میزان" درباره "گومهله" و "فاسملو" و "شیخ عزر - الدین" سکوت کامل کرد.

اما برعکس هر چه دشنام و اتهام در آستین داشت، نثار نیروهای مدافع انقلاب - نیروهای مسلمان پیرو خط امام و نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی - کرد. هیچ شماره "میزان" نبود که در آن گوشه چشمی هم به انواع دشمنان انقلاب اشاره شده باشد، و هیچ شماره ای از "میزان" منتشر نشد که پر از دشنام و اتهام به نیروهای مدافع انقلاب نباشد.

به تبع این سیاست بود که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قهرمان های اول کابوس های سرمایه داری لیبرال ایران و در برابر "رنجبر" آمریکایی و متحدین آن بودند، بویژه حمله به حزب توده ایران موزیک متن روزنامه های "میزان" و "انقلاب اسلامی" بود. هر مقاله ای در این روزنامه ها، از هر چه آغاز می شد، باریط و بی ربط، به حمله به حزب توده ایران اختتام می یافت. کاریکاتورهای مبتذل این روزنامه ها به طور عمده سوزش آن حزب توده ایران بود. لیبرالها و باند بنی صدر به محض آنکه قلمشان به کاغذی، دستشان به میکروفنی و زبانشان به گوشی میرسید، دق دل خود را خالی و به این حزب حمله میکردند.

و درست همین لیبرالها و باندهای بنی صدر و مائوئیست های آمریکایی بودند که تصحیح موضع فدائیان به مدافع انقلاب نیز به مذاقشان خوش نیامد و چه مقاله ها که در حمله به فدائیان اکثریت ننوشتند "گناه" بزرگ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم این بود که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کرد، و الا جناح "اقلیت" این سازمان، برغم موضعگیری خصمانه در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، هرگز از گل نازکتر هم از لیبرالها نشنید.

ضمناً موضع لیبرالها و باندهای بنی صدر در حمله به دگر اندیشان انقلابی، بویژه پیروان سوسیالیسم علمی و درجه اول حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درست همانند آنچه می آید که رادیو آمریکا، رادیو بی بی سی، رادیو بغداد، رادیو اسرائیل، رادیو ایوسی، رادیو بختیار و همه نشریات امپریالیستی و ضد انقلابی داشتند و دارند. آیا این تصادفی است؟!

آری، لیبرالها، با حمله به نیروهای مدافع انقلاب و سکوت قانید آمیز در برابر گروهک های ضد انقلابی، در تلاش تضعیف جبهه انقلاب و هموار کردن راه برای روی کار آمدن دولت میانه روی ریگان هستند بودند.

(ادامه دارد)

سپاه دانش می گذشت، به موجب آمارهای رسمی همان رژیم، بین ۱۳ میلیون روستایی شش ساله به بالا، که در روستا - های دارای کم تر از پنج هزار نفر جمعیت سکونت داشتند، بیش از ۱۰ میلیون نفر به کل، پیسواد بودند. پس از این مقایسه، اکنون وقت تشریح خطوط اساسی سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه داری است، کاری که به عهده بخش های آتی این سلسله مقاله ها است. ادامه دارد

روستایی کوبا تحقق یافت. مثلاً انواع مراقبت های پزشکی برای ساکنان روستاها تضمین شده است و همه کودکان در سنین تحصیل به مدرسه می روند، در حالیکه حتی پر درآمدترین کشورهای رشد یافته، که راه سرمایه داری را در پیش گرفته اند، از این لحاظ به کلی عقب مانده اند. در سال ۱۳۵۱، یعنی وقتی که ده سال از لاف و کزاف رژیم پهلوی در مورد مبارزه با بی سوادی و تشکیل

هم بود چه مکفی اختصاص داده است، چنانکه در سال ۱۹۷۸ بیش از یک میلیون تن کودک، که معادل پنج برابر سال ۱۹۵۸ بود، تولید شد. کودکان نیتروژنی، که پیش از انقلاب وجود نداشت، امروزه در کوبا تولید میشود در عین حال همه این دستاوردها به موازات پیشرفت های بزرگی در زمینه تامین مسکن، آموزش، درمان، بهداشت، ورزش و غیره برای جامعه

در کوبا روند اصلاحات فنی - اقتصادی در امور کشاورزی به سرعت پیشرفت می کند، مکانیزه شدن امور در تولید نیشکر پیش می رود و دروی مکانیزه جایگزین درو با دست میشود. به همین لحاظ، به زودی ساختمان کارخانه عظیمی که بتواند هر ساله ۶۰۰ کمپاین برای دروی نیشکر تولید کند، به پایان خواهد رسید. دولت کوبا برای تولید دستگاه های جدید تهیه کود

سیاست کشاورزی... بقیه از صفحه ۷ هزارتن ارتقاء یافت و تولیدشیر، که در سال ۱۹۶۲ معادل ۱۹۲ میلیون لیتر بود، در ۱۹۷۸ به ۵۷۰ میلیون لیتر رسید و تمام دانش موزان شهری و روستایی در کشور، همه روزه شیر مجانی میخورند.



# تهاجم اقتصادی گسترده و پرشتاب امپریالیسم ژاپن به کشورهای "جهان سوم"

\* ژاپن ۸۸ درصد انرژی اولیه خویش را از منابع خارجی بدست می آورد.

\* استراتژی سرمایه داری ژاپن آنستکه بر منابع مواد خام کشورهای "جهان سوم" مستقیماً سلطه یابد.

\* نیمی از صادرات ژاپن به کشورهای "جهان سوم" می رود.

\* ژاپن، برخلاف نص صریح قانون اساسی خود، ارتشی ۲۴۰ هزار نفری دارد.

اقتصادی با ماوراء دریاها - در دو کشور برزیل و اندونزی نشان میدهد که "توکيو" از اصطلاح مناسبات میان "شمال" و "جنوب" چه برداشتی دارد.

بی گمان، برزیل کشوری است که سرمایه داران ژاپن از همه کشورهای "جهان سوم" بیشتر بدان چشم امید بسته اند. به گفته یوکو کی تاژاوا، اقتصاد دان ژاپنی:

"پیش از پایان سده کنونی، سرمایه گذاری های ژاپن در برزیل از مرز ۵ میلیارد دلار خواهد گذشت" و برزیل پس از ایالات متحده دومین آماج سرمایه گذاری های ژاپن در خارج خواهد بود.

در دهه گذشته سرمایه گذاری های ژاپن در برزیل نه برابر شده و "توکيو" امروز پس از ایالات متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان سومین شریک بازرگانی خارجی برزیل است.

انتظار می رود که ژاپن به زودی از آلمان غربی سبقت بگیرد.

به ویژه پس از دیدار گایزل، رئیس جمهور برزیل، از ژاپن در سال ۱۳۵۵، همکاری اقتصادی میان دو کشور به شکل پروژه های غول آسای در آمده است (شرکت های مختلط سرمایه داران خصوصی ژاپن و دولت برزیل). برای نمونه میتوان از طرح های زیر نام برد:

شرکت سرمایه ژاپن در بهره برداری از منطقه آمازون از طریق تاسیس "آلبراس" (میتسوئی آلومینیوم) و چند شرکت دیگر ژاپنی و کمپانی برزیلی "سیاواله ریودوسه"، استخراج آهن در "کارایاس" از سوی "نیبراسکو" (نیپون استیل و سیاواله ریودوسه)، پروژه توسعه کشاورزی در "سرادو"، طرح جنگلداری "تشی خین دسن ول وی منتوا کریکوارو"، کاغذسازی "کانیبراس" (اوجی پیپر کمپانی) و "سیاواله ریودوسه" نگاهی به فعالیت اقتصادی طرح های نامبرده نشان میدهد که سرمایه داران ژاپنی به ویژه به وارد کردن فرآورده های نیمه نهایی علاقمندند. آنها از این راه از یک سو به علت تنوع منابع برداشت، از دریافت پیوسته این فرآورده ها بهره مند می شوند و از سوی دیگر تنها به ایالات متحده وابسته نیستند.

همین انگیزه را در سرمایه گذاری شرکت های ژاپنی در اندونزی نیز میتوان یافت. چهار سال است که شرکت های "کانسای الکتریک" و "اوساکا گیس" سالیانه ۲/۵ میلیون تن گاز مایع از "باداک" در "کالی منتان" و "آرون" در شمال "سوماترا" دریافت می دارند. فزون بر این، میتوان از پروژه های "آساهان آلومینیوم" (میتسوبی شی کارپوریشن)، کشاورزی و تبدیل چوب (میتسوئی اند کامپانی) و نساجی، شیمی و سیمان سازی نام برد.

در کنار فعالیت های چشمگیر شرکت های ژاپنی در اندونزی، باید از دو ویژگی دیگر منافع ژاپن در این منطقه جهان نیز یاد کرد: مناسبات خاص ژاپن با "آستان" (آستان ۱۴ سال پیش تاسیس شد و کشور - های عضو آن عبارتند از: تایلند، فلپین، مالزی، سنگاپور و اندونزی) و ایجاد منطقه اقتصادی قدرتمندی در اقیانوس آرام.

کشورهای "آستان" از ده درصد صادرات ژاپن بهره مند می شوند و ۱۵ درصد واردات آنرا می پوشانند. یک چهارم مبادلات بازرگانی خارجی "آستان" با ژاپن است (مقام اول). اما از آنجا که بازار این کشورها چندان اهمیتی ندارد، تراز بازرگانی خارجی آنها با ژاپن برای کشور اخیر منفی است. واردات ژاپن از کشورهای "آستان"، که ۹۰ درصد آنرا مواد خام (از جمله نفت) تشکیل میدهد، در سال ۱۹۷۹ بالغ بر ۱۶ میلیارد دلار بود، در حالیکه صادرات آن به این کشورها ۱۰ میلیارد دلار هم نمی شد. این گرایش همچنان ادامه دارد. ژاپن از همه کشورهای بیشتر در این منطقه سرمایه گذاری می کند (یک سوم کل سرمایه -

قیمت نفت - از این هم بیشتر بوده است. در حالیکه سهم واردات ژاپن از کشور - های "جهان سوم" در سال ۱۹۷۰ چهل درصد بود، این پیکره در سال ۱۹۷۸ به ۵۵ درصد رسید.

فعالیت اقتصادی بین المللی "توکيو" - تنه به داد و ستدهای وارداتی - صادراتی محدود نیست. حتی میتوان گفت که یکی از ویژگی های سالهای ۷۰، افزایش حرکت سرمایه ژاپنی بود. سرمایه گذاری های ژاپن در خارج در اوایل سال ۱۹۸۰، بالغ بر ۳۲ میلیارد دلار می شد. بیش از یک سوم این مبلغ در سه سال اخیر سرمایه گذاری گردیده است.

استراتژی سرمایه داری ژاپن، که از عدم دسترسی به مواد خام مورد نیاز خویش هراس دارد، آنستکه در کشورهای "جهان سوم" هر چه بیشتر مستقیماً بر منابع مواد خام سلطه یابد.

مدتی است که گرایش های جدیدی در سرمایه گذاری های ژاپن در خارج به چشم می خورد. ژاپن از یک سو در کشورهای پیشرفته مجتمع های صنعتی می سازد و از سوی دیگر در "کشورهای صنعتی نوپا"ی "جهان سوم" به سرمایه گذاری دست می زند.

ژاپن تقریباً در سراسر جهان سرمایه گذاری کرده است. اما ۴۴ درصد این سرمایه گذاری ها در سه کشور متمرکز است: ایالات متحده (۷/۴ میلیارد دلار)، اندونزی (۳/۹) و برزیل (۲/۷). بدین ترتیب، گذشته از ایالات متحده (که ژاپن با آن از پایان جنگ دوم جهانی دارای مناسبات نزدیک اقتصادی بوده است) دو کشور "جهان سوم" با منابع عظیم طبیعی، از همه بیشتر سرمایه های ژاپنی را بخود جذب کرده اند.

فعالیت های شرکت های خصوصی ژاپن و بنگاه های دولتی - مانند "بنیاد همکاری

وضع در سال گذشته تغییر یافت، اما گرایش کنونی تراز بازرگانی ژاپن را به سوی کسری در پیوند با این واقعیت باید دید که سهم صادرات تلویزیون، اتومبیل، منسوجات سنتتیک و کشتی سازی در تولید اجتماعی اکنون بین ۴۰ تا ۸۰ درصد در نوسان است. بدین ترتیب تاحدی به اهمیت حیاتی بازرگانی برای اقتصاد ژاپن پی می بریم. حال باید پرسید که: در این زمینه مناسبات اقتصادی "توکيو" با "جهان سوم" چگونه است؟

در حدود نیمی از صادرات ژاپن به این - گونه کشورها می رود. صادرات ژاپن به کشورهای "جهان سوم" از ۷/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۲۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ افزایش یافت. رشد واردات ژاپن نیز از کشور - های "جهان سوم" بطور کلی با ارقام نامبرده همرو بود و از ۷/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۴۲/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ رسید، که بیش از ۵۰ درصد واردات کل ژاپن را تشکیل میدهد.

بررسی ارقام بالا از ساختار بازرگانی خارجی ژاپن پرده برمی دارد. مقایسه ترکیب واردات (۷۵ درصد مواد خام) و صادرات (۹۷ درصد کالاهای نهایی) نشان میدهد که سهم ژاپن در تقسیم بین المللی کار کاملاً با مدل کلاسیک کشورهای رشد یافته سرمایه داری تطابق دارد. ژاپن به کشورهای "جهان سوم" کالاهای نهایی صادر می کند و برای به کار انداختن چرخ اقتصاد صنعتی خود احتیاج گریز ناپذیر به مواد خام آنها دارد.

هم پیوندی اقتصاد ژاپن با اقتصاد جهانی از آغاز سالهای ۶۰ باشتاب بیشتری به پیش رفت. از سوی دیگر، سرعت رشد مناسبات اقتصادی این کشور با "جهان سوم" سه ویژه پس از ۱۹۷۳ و افزایش پی در پی

"اگر کشورهای صنعتی پیشرفته نتوانند خواست های کشورهای رشد یافته را برآورده سازند، امکان دارد که کشورهای اخیر الذکر نه تنها خواستار اصلاح نظام موجود شوند، بلکه آنرا یکی رد کنند. در چنین حالتی ممکن است که منافع ژاپن و دیگر کشورهای صنعتی پیشرفته با خطر بی ثباتی مناسبات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای رشد یافته و روابط خصمانه با آنها روبرو گردد. از این گذشته، سر درگمی که احیاناً از این بابت در سیستم های بین المللی سیاسی و نظامی پدید خواهد آمد، میتواند خطری برای وجود همه کشورها، از جمله خود کشورهای رشد یافته باشد."

جملات بالا، که از گزارش "کمسیون امنیت ملی ژاپن" به نخست وزیر آن کشور گرفته شده است، به خوبی حاکی از طرز تفکر مسلط در میان مسئولان اقتصاد ژاپن است. در این جاعزم راسخ برای دفاع از سرمایه داری جهانی با آگاهی بر آسیب پذیری اقتصادی ژاپن تلفیق می یابد.

ژاپن در سال ۱۹۷۳ بر وابستگی خود به بازرگانی بین المللی واقف شد. این کشور، که دارای جمعیتی بس مترکم است، موفقیت اقتصادی خویش را بر پایه واردات مواد خام بنا نهاده است. ریشه این استراتژی رشد را باید در نوسازی کشور در دوران "میجی" جستجو کرد، لیکن از جنگ دوم جهانی به اینسو این استراتژی عمق به مراتب بیشتری یافته است. آگاهی افکار عمومی بر این واقعیت و بازتاب آن در نگرانی سرمایه داران ژاپن، در سال ۱۹۷۳ آغاز شد. در ژوئن این سال، ایالات متحده آمریکا صدور سوپا (یکی از عمده ترین مواد غذایی در ژاپن) و پنبه به این کشور را تقریباً قطع کرد. چندی بعد "شوگنفت" اقتصاد ژاپن را به لرزه در آورد.

ژاپن، چه در زمینه مواد غذایی و چه صنعت، سخت به خارج وابسته است. این کشور هر چند از نظر تولید برنج، سبزی و میوه تا اندازه ای خودکفاست، ولی دیگر مواد غذایی مورد نیاز خود، از جمله گندم، سویا و ذرت را از خارج وارد می کند. ژاپن کمتر از ۵۰٪ کالری مورد نیاز خود را میتواند در داخل تامین سازد. در گستره انرژی وضع از این نیز بدتر است، زیرا که این کشور ۸۸ درصد انرژی اولیه خویش را از منابع خارجی بدست می آورد. ۹۹ درصد نفت، که سه چهارم این انرژی اولیه را تشکیل میدهد، از محل واردات تامین می گردد.

با این همه، ژاپن، این دو مبین قدرت اقتصادی جهان سرمایه داری، مصرف انرژی بسیار نازلی دارد. نزدیک به ۶۰ درصد مصرف انرژی ژاپن را باید در بخش صنعت جستجو کرد. این کشور از نظر مصرف سرانه انرژی در جهان در مقام بیست و هفتم قرار دارد. یک سوم کمتر از میانگین کشورهای عضو "سازمان بین المللی انرژی".

فزون بر این، ژاپن مواد خامی را نیز، که برای رشته های فلزکاری، پارچه بافی و تبدیل چوب بکار میبرد، وارد می کند. بخش عمده واردات ژاپن، که در حدود ۷۰ درصد بازرگانی جهان غیر سوئیالیستی را تشکیل میدهد، خواربار و مواد خام صنعتی را در بر میگیرد. سهم کالاهای نهایی کمتر از ۲۵ درصد است. یادآور می شویم که این پیکره برای ایالات متحده آمریکا ۶۰ درصد و برای "جامعه اقتصادی اروپا" ۴۵ درصد است.

برای آنکه تصور کامل تری از نقش ژاپن در بازرگانی جهانی داشته باشیم، لازمست که اهمیت صدور کالاهای نهایی را در سیاست اقتصادی "توکيو" در نظر بگیریم. رقابت پذیری و گسترش صادرات کالاهای صنعتی و نوسانات مساعد "بین" (واحد پول ژاپن) به رکوردهای جدیدی در مازاد تراز بازرگانی ژاپن انجامیده است (۱۹۷۷: ۱۷ میلیارد دلار، ۱۹۷۸: ۲۵ میلیارد دلار). این

## دانستنی های چند درباره ژاپن

۱۶ کسرن بزرگ ژاپن ۲۹ درصد مجموع فروش را در دست دارند و در پایان سالهای ۷۰ در زمره ۱۰۰ کسرن بزرگ جهان ۲۷ کسرن ژاپنی دیده می شدند. ۳۹ درصد نیروی کار ژاپن در صنعت، ۱۳ درصد در کشاورزی و ۱۳ درصد در خدمات شاغل است.

نرخ رشد اقتصادی ژاپن در سال های ۷۰ به طور میانگین ۵ درصد و نرخ تورم ۱۰ درصد بود. در ژاپن رسماً ۱/۲ میلیون نفر بیکارند ولی در واقع خیل بیکاران ژاپن ۳-۲ میلیون نفر را در بر می گیرد. مصارف اجتماعی ژاپن پائین تر از دیگر کشورهای غربی است. انتظار عمر در ژاپن ۷۶ سال است.

### رویدادهای مهم تاریخی

- ۱۸۶۷: انقلاب بورژوازی نافرجام
- ۱۸۸۹: سلطنت مشروطه
- ۱۹۰۴: ادغام گره
- ۱۹۳۷: آغاز جنگ با چین
- ۱۹۳۹: تجاوز علیه جمهوری خلق مغولستان
- ۱۹۴۱: اعلان جنگ با ایالات متحده آمریکا و بریتانیا
- ۱۹۴۵: تسلیم بلا شرط ژاپن، اصلاحات ارضی، تقسیم اراضی بزرگ

### مالکان

- ۱۹۵۱: قرارداد امنیتی با ایالات متحده آمریکا و واگذاری پایگاه نظامی به این کشور
- ۱۹۵۴: قرارداد "کمک دفاعی" با ایالات متحده آمریکا
- ۱۹۵۶: پایان رسمی جنگ با اتحاد شوروی، عضویت در سازمان ملل متحد
- ۱۹۷۲: مناسبات دیپلماتیک با جمهوری خلق چین

وسعت: ۳۷۲۲۹۳ کیلومتر مربع  
جمعیت: ۱۱۸ میلیون نفر  
پایتخت: توکیو (بیش از ۱۱/۵ میلیون نفر)  
زبان: ژاپنی  
پول: یین = ۱۰۰ سنت

حکومت: سلطنت مشروطه، امپراتور ("تنو") هیروهیتو. بالاترین نهاد قانونگذاری پارلمان (مرکز از دو مجلس) است، که در آن حزب کلان بورژوازی "لیبرال دمکرات" بیش از ۲۵- سال است که اکثریت دارد (در انتخابات ۱۹۸۰ ۴۸ درصد آرا). دیگر احزاب پارلمانی عبارتند از: "حزب سوسیالیست" (۱۹ درصد)، "حزب کمونیست" (۱۰ درصد)، "حزب خرد - بورژوازی - بودایی" "گومئیتو" (۹ درصد) و "حزب سوسیال دمکرات" (۷ درصد). نخست وزیر کنونی ژاپن زنکو سوزوکی نام دارد.

برخلاف قانون اساسی پس از جنگ ژاپن (ماده ۹)، که نگهداشت نیروهای مسلح را "برای همیشه" منع می کند، این کشور امروز، بار دیگر، ۲۴۰۰۰۰ نفر سرباز (با اصطلاح نیروهای دفاع از خود) دارد. ژاپن از نظر بودجه نظامی در میان کشورهای غیر هسته ای مقام سوم را حائز است.

### اوضاع اقتصادی - اجتماعی

ژاپن از حیث فراورده کل اجتماعی پس از ایالات متحده، و از نظر صادرات پس از ایالات متحده و جمهوری فدرال آلمان در میان کشورهای صنعتی سرمایه داری در مقام سوم قرار دارد. سهم صنعت و کشاورزی در تولید فراورده کل اجتماعی به ترتیب ۴۰ و ۵ درصد است. سرمایه تولید در ژاپن بی اندازه متمرکز است.



در هفته ...

بقیه از صفحه ۱۵

اتحاد تصمیماتی مقابله با سوجدویان را آغاز کرد. اما این تجربه باز هم نشان داد که تا پایگاه سرمایه داری غارتگر وابسته از کشور ما برچیده نشده، ترور اقتصادی و توطئه علیه انقلاب، ادامه خواهد داشت.

ادامه توطئه سرمایه داران در مورد برنج

و درست در همین حال که بخشی از غارتگران به احتکار پیاز پرداخته اند، توطئه بخشی دیگر از آنها علیه طرح خرید برنج توسط دولت، ادامه دارد. وزیر کشاورزی در گفت و گویی با روزنامه اطلاعات در هفته گذشته اعلام کرد: "در مورد برنج که نیز کالای استراتژیک است. امسال دولت خود عهده دار تهیه و توزیع آن شد و از این طریق توانست میلیاردها تومان استفاده نامشروع واسطه های سودجور از بین ببرد و واسطه های مذکور از شیوه های مختلفی برای ضربه زدن به طرح خرید برنج در شرایط فعلی استفاده کرده و می کنند تا بتوانند بار دیگر به مطامع خود دست یابند" (اول دی ۱۳۶۰)

تغییر سیستم مالیاتی

آقای محمد قاسم محمدیان معاون درآمد های مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی در مصاحبه ای اعلام کرد که سیستم مالیاتی کشور تغییر خواهد کرد. معاون وزیر گفت: "سیاست دولت و وزارت امور اقتصادی و دارایی این است که در صد مالیات های غیر مستقیم را کاهش و مستقیم را افزایش دهند. زیرا مالیات های غیر مستقیم در اکثر موارد گسترده در توده مردم دارد و به همین مناسبت در واقع که ضرورتی ندارد نباید این گونه مالیات گرفته شود، بلکه باید تنها مالیات های مستقیم را بیشتر وصول کرد. این آهنگ در تمام کشورها به خصوص در کشور اسلامی و انقلابی ما باید اجرا شود و نرخ مالیات تصاعدی گردد. باین صورت که افرادی که درآمد و ثروت کمتری دارند، مشمول مالیات نشوند و بر عکس کسانی که از درآمد و ثروت بیشتری برخوردارند مالیات بیشتری نیز پرداخت نمایند" (اطلاعات - اول دی ۱۳۶۰)

اطهارات معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی در ایتمورد که در آینده از بار طبقات کم درآمدتر و محروم جامعه کاسته خواهد شد و سیستم مالیاتی کنونی که سود غارتگران و طبقات مرفه تنظیم گردیده است، دگرگون خواهد شد، مورد تأیید ما و همه نیروهای انقلابی و توده های میلیونی مردم است. این دگرگونی ضروری باید هرچه سریع تر تحقق پذیرد.

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۸)

اوج گیری یهودستیزی و مهاجرت بی سابقه یهودیان

به سرزمین فلسطین

سرکوب وحشیانه انقلاب ۱۳۰۸ (۱۹۲۹)، آتش جنبش آزادیبخش را خاکستر بوش کرد. سیل کوچندگان یهود زیرتبغ پرگزند یهودستیزی، به سوی "سرزمین موعود" جاری شد. در حالی که میانگین سالانه شمار کوچندگان یهودی در خلال سال های ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) تا ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) به ۷۲۰۱ تن می رسید، به یکباره در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) شمار کوچندگان یهودی از راه های قایمی و غیر قانونی بر روی هم به ۴۰۰۰۰ نفر رسید. یافت و یهودیان ۱۹ درصد کل جمعیت فلسطین را تشکیل دادند، که این خود هنوز آغاز بود، سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) سال روی کار آمدن فاشیسم در نده خوی هیتلری در آلمان، در نتیجه آزار و شکنجه نازی ها، مهاجرت یهودیان از آلمان اوج بی سابقه و فزاینده ای به خود گرفت. در این سال، قراردادی رسمی میان شرکت حمل و نقل صهیونیستی هاورا و بانک "رایش" آلمان بسته شد. منی برای اینکه یهودیان بتوانند سرمایه های خود را به وسیله این شرکت به فلسطین منتقل کنند، یعنی دارای خود را به صورت کالاهای آلمانی در آورند و به هنگام ترک گفتن کشور، آن را به فلسطین بفرستند. در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) ۳۰۰۰۰ تن، در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) ۴۰۰۰۰ تن و در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) ۶۱۰۰۰ تن یهودی آلمانی ماگر به کوچ به سرزمین فلسطین شدند. بدیده مهاجرت سیل آسای یهودیان از آلمان و تنگتر شدن تسمه یهودستیزی بازتاب تردیدناپذیر پیوندها و مناسبات نهفته ای است، که میان سردمداران صهیونیسم و فاشیسم هیتلری جوش خورده بود. پژوهشگرانی که انگیزه های بنیادین همکاری تنگاتنگ سردمداران برجسته صهیونیسم و فاشیسم را بررسی کرده اند علت این همکاری انکارناپذیر صهیونیستی را راندن یهودیان به سرزمین فلسطین می دانند، "داوید" و "جون کمیکه" (لندن ۱۹۵۴) می نویسند:

"فرستادگان صهیونیسم برای نجات یهودیان به آلمان نیامده بودند. آنها در پی زنان و مردان جوانی چشم می گرداندند، که مایل به رفتن به فلسطین و آماده مبارزه و جنگ در راه فلسطین باشند."

لوی اشکول، نخست وزیر سابق اسرائیل، یکی از آن "همکاری" بود که با شرکت مستقیم او، اداره کنای فلسطین "که زبرچتر حمایت نازی ها کار میکرد- سرگرم "گرینش" پناهندگان بود. دیوید فلینگر، روزنامه نگار

شعله و ساختن آتش نژادپرستی و شوونیسم کور، برخاسته از سرشت ابده ثلوزی صهیونیسم، تحت شعار "تنها کارگران یهودی را بکارگیرید" به اجرا در می آمد.

نتایج پشیمرد این سیاست چنین شد: در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) سرمایه داران یهود ۸۷۲ موسسه صنعتی را از کل ۱۳۱۲ موسسه یا ۱۳۶۷۸ کارگر در فلسطین در چنگ داشتند، حال آنکه در ۳۴۰ موسسه صنعتی فلسطینی تنها در حدود ۴۰۰۰۰ کارگر سرگرم کار بودند. سایر یک آمار رسمی در شهریور ماه ۱۳۱۶ (سپتامبر ۱۹۳۷) یک کارگر متوسط یهودی دستمزدی تا ۴۳۳ درصد بیشتر از همتهای عرب فلسطینی خود دریافت میکرد.

هماهنگ با این سیاست، خریداری زمین از سوی سازمان های صهیونیستی دگر بار در سطح وسیعی آغاز شد. به عنوان نمونه زمین های شرکت صهیونیستی "اسکان یهودیان"، که در سال ۱۳۰۸ (۱۹۲۹) یک میلیون دونم بود، در سال ۱۹۳۵ (۱۹۳۵) به یک میلیون و ۲۵۰ هزار دونم رسید. از سوی دیگر، افزایش مساحت سقعه های زمین، گرایش فئودال ها و بزرگ مالکان عرب را به فروش زمین بیشتر کرد. خطوری که صهیونیست ها تنها در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) بر زمین های صحرای خاوندانه دست انداختند و باغ آوارگی بر سر نوشت آمان زدند.

در سال های ۱۳۱۲-۱۳۰۹ (۱۹۳۳) بحران عمومی جهان سرمایه داری به فلسطین نیز راه یافت و زندگی مردم را دستخوش نابسامانی ساخت. صنعت محلی دچار رکود گردید و شمار بیکاران به ۳۰ تا ۳۵ هزار رسید. در کنار گرانی طاقت شکن، کاهش دستمزد کارگران تا ۵۰ درصد، خشم پر خروش کارگران را برمی انگیخت.

در سال های ۱۳۱۲-۱۳۰۹ (۱۹۳۳) جنبش کارگری اوج و جوش تازه ای گرفت. جنبش اعتصابی رو به رشد نهاد. در خلال یک سال و نیم کارگران عرب ۲۰ بار دست از کار کشیدند و بر روی هم چهار هزار کارگر در این اعتصاب ها شرکت جستند. از آن جمله بود اعتصاب سراسری رانندگان، کارگران کارخانه سیمان حیفا و سنگ تراشان بیت المقدس و روحیفا. این اعتصاب ها با درگیری و برخورد بین اعتصاب گران و اعتصاب شکنان و پلیس همراه بود.

بر این روال، مجموعه این اوضاع و احوال زمینه ساز خیزش کارگران و دهقانان شد و در ادامه منطقی خود به انقلاب ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) انجامید. ادامه دارد



امریکائی در ۳۳۲۲ در چهارم ماه مه ۱۹۴۳ در محله ساک مورگن ژورنال "نوست" که:

"بن گوریون در مقام رئیس نمایندگی یهود در اورشلیم، طی دهه سی قراردادی تحت عنوان "مسئله انتقال با حکومت هیتلر منعقد کرد، که به موجب آن اموال یهودیانی که آلمان را ترک گفته بودند، بصورت کالا به فلسطین منتقل میشد، و بدین ترتیب مانع از اجرای تحریم کالاهای آلمانی می گردید."

اگر نازیسم بر پاسازنده کوره های آدم سوزی و مسئول روانه ساختن ۶ میلیون یهودی به گام آتشناک آنها، و نیز صدها هزارتن به خارج از آلمان بود، سرمایه داری "دمکراتیک"، به یاری جنبش صهیونیستی، مسئول گسیل بسیاری از مهاجران یهودی به سرزمین فلسطین بود. ارقام زیر روشنگر است:

از همه ۲۵۶۲۰۰۰ یهودی که از اجاق های شکنجه مار و هسنی سوز قربانگاه های نازی به سلامت گریختند و ایالات متحده آمریکا تنها پذیرای ۱۷۰۰۰ تن (۶/۶ درصد) و بریتانیا ۵۰۰۰۰ تن (۱/۹ درصد) گردیدند. حال آنکه راه یافتگان به فلسطین ۸/۵ درصد از آن شمار را دربر

تهاجم اقتصادی ...

Table with 3 columns: منطقه (Region), سرمایه گذاری های مستقیم ژاپن در خارج (Direct Japanese investment abroad), به میلیون دلار (in million dollars). Rows include Asia, North America, Latin America, Europe, Middle East, and Africa.

تاکون ۱۰ میلیون بیسواد سواد آموخته اند

در حدود چهار میلیون بزرگسال اتیوپیایی اوایل مهر ماه امسال با مداد و کتاب درسی و مجهز به دانشی که در دوره های پنج ماهه فرا آموخته بودند، روانه کانون های مبارزه با بی سوادگی گشتند. پدران و مادران و پدر بزرگ ها و مادر بزرگ های اتیوپیایی یک هفته پیش از فرزندان و نوه های خود سر امتحان نهایی پنجمین مرحله برنامه آموزشی سراسری حاضر شدند. این برنامه در سال ۵۸-۱۳۵۷ آغاز گردید. بسیاری از آن ها از مناطق دور دست می آمدند، چه مرحله پنجم برنامه سواد آموزشی در درجه نخست برای روستا نشینان پیش بینی شده بود. این برنامه همه استان های چهارده گانه اتیوپی را دربر می گرفت. برای این که هرچه بیشتر از متجاوز از صدمت و گروه قومی اتیوپی در جنبش مبارزه با بی سوادگی شرکت کنند، سواد آموزی به از زبان مهم این کشور صورت می گیرد. شرکت کنندگان علاوه بر الفبا برخی معلومات سیاسی و تخصصی نیز (مانند اصول بهداشت، برنامه ریزی خانواده و کشاورزی و غیره) فرا می آموزند. با پایان مرحله پنجم، رویهم رفته در حدود ۱۰ میلیون اتیوپیایی در دوره های سواد آموزی شرکت کرده اند. بدین سان، یکی از بزرگترین هدف های دولت اتیوپی - "دانش برای همه" - رفته رفته تحقق می پذیرد.

خوانندگان محترم و نمایندگان فروش هفته نامه اتحاد مردم

کمک های خوانندگان عزیز و پرداخت مرتب و به موقع بهای این نشریه در شهرستانها، به رفع مشکلات مالی این هفته نامه یاری می رساند. لذا خواهشمند است وجوه بدهی و کمک های نقدی را از طریق شعب بانکها، به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران شعبه آریاشهر تهران، به نام محمود اعتمادزاده حواله و فتوکی رسیدن را به آدرس صندوق پستی ما ارسال فرمایند. باتشکر فراوان از همکاری شما



گامهای ...

بقیه از صفحه ۱

اسلامی ایران را در پی خواهد داشت. از تیرماه سال گذشته، که تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی بنام "انقلاب فرهنگی" آغاز شد، تاکنون، "مسئله" دانشگاهها یکی از مسایل بحث برانگیز مبین ما بوده است. چه بسیار امیرالایم سرکردگی امیرالایم آمریکا، ضد - انقلاب داخلی و دیگر دشمنان رنگارنگ انقلاب شکوهمند مردم ایران کوشیده اند تا از آن به منظور اغتشاش و خرابکاری در جامعه و ایجاد نارضایتی در میان مردم، جوانان و خانوادهها بهره جویند.

هیچ برائی انقلابی و مبین دوست در صورت دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی، که به دلیل سالها سیطره "امریضی امیرالایم از محتوای غیر - مردمی و نواستعماری برخوردار بود، و انطباق آن با نیازهای انقلاب و مبین انقلابی ذره ای تردید نداشته و ندارد. ولی این که، انجام این دگرگونی، الزاما باید با متوقف ساختن چرخهای آموزش عالی همراه باشد، مسأله ای است که از سوی مردم و برخی از سازمانها و نیروهای مومن به انقلاب و متعدد به جمهوری اسلامی ایران بحق زیر سؤال قرار گرفت. آنان معتقد بودند که دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی روندی است طولانی که با شرکت همه دانشجویان و دانشگامیان و در شرایط تداوم فعالیت دانشگاهها امکان پذیر است. لذا تعطیل مراکز آموزش عالی بنام "انقلاب فرهنگی"، نه تنها به این مهم یاری نمی رساند، بلکه خود مانعی است در راه آن. تداوم و طولانی شدن تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی برگرانیها را دامن زد و خواست بازگشایی مراکز آموزش عالی در جهت منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به یکی از خواستهای مبرم مردم بدل شد.

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، همواره بر این خواست به حق تاکید داشته اند. امام خمینی اخیرا به درستی گفتند که:

"اگر بخواهند تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی بدهند، این کار بیش از ۲۰ سال طول خواهد کشید و نمی شود دانشگاهها را برای این مدت تعطیل نمود. البته با باز شدن دانشگاهها کار ستاد انقلاب فرهنگی برای تغییرات اساسی ادامه پیدا می کند. اکنون که نخستین گامها در جهت بازگشایی دانشگاهها برداشته شده است بجاست که مسئولین و دست اندر کاران "انقلاب فرهنگی" در برداشتن گامهای بعدی سرعت بیشتری از خود نشان دهند و با تعیین تکلیف بقیه دانشجویان، پذیرش دانشجوی جدید و رفع کاستیهای موجود در زمینه نیروی انسانی (استاد و فنی) (آزمایشگاه و...) لازم برای اداره و فعالیت مراکز آموزش عالی، هر چه سریع تر دانشگاهها را تمام و کمال بگشایند. مسلما، در شرایط فعالیت شمر بخش و سازنده، دانشگاهها، با شرکت فعال همه نیروهای دانشگاهی مومن به انقلاب و متعدد به جمهوری اسلامی ایران، پی ریزی و ایجاد یک نظام آموزش عالی مردمی و پیشرفته، آن چنان که شایسته انقلاب بزرگ اسلامی ضد امیرالایستی و مردمی ایران است،

در هفته ای که گذشت:

شعارهای انقلاب باید عملی شود

هفته گذشته حجت الاسلام سید علی خامنه ای ریاست جمهوری در پیامی که به سمینار وحدت حوزه و دانشگاه فرستاد، از جمله گفت: "انقلاب ما امروزه بیش از هر زمان دیگر نیاز به آن دارد که شعارهای خود را جامعه عمل ببوشاند و بدون تردید امکان و شایستگی و ابزار این کار را نیز در اختیار دارد." (اطلاعات - ۲۸ آذر ۱۳۶۰)

باید گفت رئیس جمهور باروشن بینی بر روی مسئله حیاتی انقلاب انگشت گذاشته است. انقلاب اسلامی، ضد امیرالایستی و مردمی ایران برای تحکیم خویش و درهم شکستن توطئه های امیرالایسم جهانی سرکردگی آمریکا، پیش از همیشه نیازمند این است که به شعارهای خود جامعه عمل ببوشاند. چنانکه رئیس جمهوری بدرستی گفته است خوشبختانه ایران انقلابی، امکان شایستگی و ابزار این کار را نیز در اختیار دارد. این ابزار بیش از همه توده های میلیونی هستند که زیر رهبری امام خمینی آماده هر نوع فداکاری هستند. در خارج از کشور نیز جبهه جهانی ضد امیرالایستی پشتیبان انقلاب ایران است و از هیچگونه کمکی روگردان نیست. همانطور که رئیس جمهور در پیام یاد شده گفته است "وحدت کلید موفقیت و رمز پیروزی انقلاب خونبار ما بود" و امروز نیز با تأمین وحدت همه نیروهای خلق و استفاده از همه امکانات موجود در ایران و جهان باید شعارهای انقلاب را در مورد ریشه کن کردن کلان سرمایه داری و بزرگزمینداری عملی کرد. باید با تصویب

و اجرای هر چه سریعتر قوانین اصلاحات ارضی، بازرگانی خارجی و دیگر قوانین اقتصادی مندرج در قانون اساسی، زمینه تأمین استقلال اقتصادی را فراهم ساخت و به این ترتیب یکی از شعارهای اصلی انقلاب ایران را به انجام رساند. باید آزادی فعالیت نیروهای طرفدار انقلاب را با هر مسلک و عقیده در چهارچوب قانون اساسی، تأمین کرد. تنها از طریق تحقق بخشیدن به این شعارها - که شعارهای اساسی انقلاب ما هستند - سربلندی و رفاه خود را پیوند میان انقلاب ایران و جبهه جهانی ضد امیرالایستی می توان انقلاب ایران را شکست ناپذیر نمود.

و آزادیها ...

در چهارچوب انجام شعارهای اصلی انقلاب ایران، هفته گذشته حجت الاسلام محمد یزدی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مصاحبه ای به آزادی های سیاسی و نحوه برخورد جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره کرد و گفت: "آن آزادی که در اسلام مطرح است، این است که گذشته از اینکه همه پیروان خود را اجازه فعالیتهای مشروع و قانونی و عقلمندی را میدهد، در زندگی و فعالیت های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شان به گروه های غیر مذهبی و یا از مذاهب دیگر هم در چهارچوب مقررات خاص، این آزادی را می دهد".

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: "در قانون اساسی ما تصریح شده که هم اقلیت های مذهبی آزاد هستند برای فعالیت های اجتماعی و سیاسی و مذهبی خودشان و حتی گروه های غیر - مذهبی تاجائی که برابر حکومت وارد مبارزه های به اصطلاح مسلحانه نشده باشند و در صدد براندازی حکومت بر - میسر خواهد شد. ولی متأسفانه، علیرغم این گامهای مثبت، در برخی مراکز آموزش عالی اقداماتی صورت میگیرد که نه تنها با منافع و نیازهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مغایرت دارد، بلکه در صورت گسترش، بر پیکر نظام آموزش عالی کشور لطمات جبران ناپذیری وارد خواهد آورد. از جمله می توان به پرسش - نامه هایی که در موقع ثبت نام دانشجویان ۲۵ واحدی از آنان دریافت شده است، اشاره کرد. این پرسش نامه های بدون مهر و امضاء که معلوم نیست از سوی کدام مرجع قانونی است، در بردارنده سؤالاتی است که تنها میتوان بر آن نام "تفتیش عقاید" گذارد. تعدادی از دانشجویان پزشکی متعدد به جمهوری اسلامی ایران، به بهانه های انحصار طلبانه و تنگ نظرانه، خلو - گیری بعمل آمده است، تعدادی از آنها اخراج شده اند و بیا به حالت تعلیق درآمده اند. این اقدامات غیر قانونی و خود سرانه، با رهنمودهای امام خمینی، با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با سیاست رسمی و اعلام شده آموزش

نیابند، آزاد هستند" (جمهوری اسلامی ۲۳ آذر ۱۳۶۰) این سخنان نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که مقامات جمهوری اسلامی ایران در صدد مطابق قانون اساسی به آزادی های سیاسی فعالیت بخشند. قانون مربوط به فعالیت های سیاسی هم، در مجلس تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ شده است. اکنون نوبت عملی ساختن آنست.

امنیت زمینه ساز اجرای قانون

برای اجرای قوانین نیاز به امنیت اجتماعی هست. اجرای قوانین نیز خود متقابلا به برقراری امنیت در کشور کمک میکند. دشمنان انقلاب با آگاهی از این امر است که در سه سال گذشته تمام نیروی خود را بکار گرفتند. تا هم امنیت را از میان ببرند و هم با جلوگیری از تصویب و اجرای قوانین مردمی و انقلابی، تأمین امنیت را غیر ممکن سازند. خوشبختانه بدنبال فرمان مهم امام خمینی در مورد اجرای قانون مقامات جمهوری اسلامی ایران، مقابله جدی با این توطئه دشمن را در دستور روز گذاشته اند.

هفته گذشته حجت الاسلام ناطق نوری وزیر کشور در مصاحبه ای گفت: "آنچه در شرایط امروز بیش از همه باید به آن بهاداده شود، مسئله امنیت کشور است که به نظر من در درجه اول قرار دارد. در این راه گام هایی با همکاری سایر ارگان های دولتی، نهادها و پیش از همه خود ملت که همیشه در صحنه بودند و آنها هستند که تأمین کننده امنیت هستند بتوانیم موفق شویم و گام های موثری بر - داریم (کیهان - ۲۹ آذر ۱۳۶۰)

موقفیت مسئولین جمهوری اسلامی ایران را در تأمین هر چه سریعتر و کاملتر امنیت آرزو مندیم.

اجرای قانون

اخبار منتشره در جریان نشان می - دهد که سازمان بازرسی کل کشور طبق

تخلفات و قانون شکنیها فرا خوانده - اند و هم اکنون سازمان بازرسی کل کشور اقدامات پیگیری را در جهت رسیدگی به تخلفات آغاز کرده است، شایسته است که مسئولین آموزش عالی به موارد فوق رسیدگی کنند و شرایط ادامه تحصیل دانشجویان را در محیطی آرام و فارغ از دغدغه، اخراج و تعلیق فراهم آورند. در عین حال، در شرایطی که به منظور بازگشایی مراکز آموزش عالی و فعالیت شمر بخش و سازنده آن، بیش از هر زمان دیگر به اساتید متخصص و معتمد نیاز است، در برخی دانشگاهها - مدارس عالی، موانعی ناروا و انحصار طلبانه بر سر راه استخدام اساتید جدید و مربیان غیر رسمی پدید آمده است. این امر می تواند بر نارسائی های کنونی در زمینه کمبود نیروی متخصص دامن زند و بر بازگشایی و فعالیت دانشگاهها و مدارس عالی لطمه وارد آورد.

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، همواره بر یکارگیری اساتید متخصص، که کارشان سودمند و نافع به اجتماع باشد و عمل آو به هیچ وجه برخلاف نهضت نباشد ولو

فرمان ماه گذشته امام خمینی با جدیت بر اجرای قانون در نهادها، سازمانها و ارگان های اداره کننده کشور، نظارت میکند هفته گذشته حجت الاسلام محقق داماد، معاون وزارت دادگستری و رئیس سازمان بازرسی کل کشور در مصاحبه ای اعلام کرد: "یک حکام شرع دادگاه صنفی پیکر رئیس شهربانی و ۲ معاون آموزش و پرورش به جرم تخلف از قانون از کار برکنار شدند" (اطلاعات - ۳ دی ۱۳۶۰) ادامه این روش و اجرای قانون در مورد همگان بدون کمترین استثنا از ضروریات مبرم انقلاب ایران در مرحله حساس کنونی است.

احتکار پیاز

سرمایه داران غارتگر که تقریباً تمام مواد غذایی مورد نیاز مردم را در انبارها احتکار کرده و سپس در بازار سیاه به چند برابر قیمت می فروشند، هفته گذشته دست به احتکار پیاز زدند. غارتگران علاوه بر سود اقتصادی که از این بابت می برند، طبق معمول قصد بهره برداری سیاسی هم داشتند. آنها هم - زمان با احتکار پیازها شایع کردند که کمبود پیاز بدلیل وضع بد کشت این محصول در سال زراعی جاری بوده است. و این در حالی بود که حتی مقداری پیاز برای صدور به خارج کشور، به خارج حمل شده بود. خوشبختانه وزارت کشاورزی به سرعت این توطئه را فاش کرد. آقای محمد سلامتی وزیر کشاورزی، طی اطلاعیه ای وضعیت کشت و برداشت پیاز را در سال جاری بسیار خوب توصیف کرد و اعلام داشت: "عده ای از عوامل سود - جو با وجود آنکه پیاز را با قیمت ارزان از کشاورزان خریداری کرده اند، از عرضه آن به قیمت مناسب خودداری نموده و با نشان دادن کمبود مصنوعی در بازار قصد بالا بردن قیمت و کسب درآمد نامشروع دارند" (اطلاعات - ۲۸ آذر ۱۳۶۰) مطابق همین اطلاعیه دولت با بقیه در صفحه ۱۴

این که مسلمان نباشد... تاکید داشته - اند. پس ملاقات اعضای "ستاد انقلاب فرهنگی" با فقیه عالیقدر آیت - اله منتظری نیز اعلام شده: "در زمینه مسایل مربوط به اساتید همگونی که امام فرمودند ایشان (آیت الله منتظری) هم نظرشان این بود که همینقدر که اساتید علوم وطن دوست خدمتکار به مردم و متخصص نباشند و ضمن برخورداری از شایستگی تدریس، معاندتی با جمهوری اسلامی نداشته و متجاهر به فسق نباشد، کافی است." (اطلاعات، ۲۴/۹/۱۳۶۰) باشد که همه مسئولین و دست اندر کاران آموزش عالی کشور این رهنمودهای ارزنده را فرا راه خود قرار دهند، از اقدامات خود سرانه و انحصار طلبانه قاطعانه جلوگیری کنند و بیا بهره گیری از همه نیروهای دانشگاهی مومن به انقلاب و متعدد به جمهوری اسلامی ایران صرف نظر از عقاید سیاسی، مسلکی، و مذهبی روند بازگشایی و فعالیت شمر - بخش دانشگاهها و مدارس عالی و دیگر گونی بنیادین در نظام آموزش عالی را شتاب و عمق بیشتری بخشند.

خواسته یا ناخواسته، از روی غرض یا از روی اعتقاد به کفایت نیروی معین جدا از دیگر نیروهای ضد امیرالایستی، تفرقه برانگیزد و یا مانع اتحاد ضد امیرالایستی گردد، آب ریختن به آسیاب امیرالایسم است. با توجهی حتی سطحی، ولی واقع بینانه به خطری که از جانب آمریکا و همه متحدانش انقلاب و کشور ما را تهدید می کند، به انواع توطئه ها و توطئه چینی ها، که از سوی آمریکا و دستیارانش برای شکست انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اجراء شده و بیا در شرف اجرا است، کمترین شبهه و تردیدی برای هیچ انقلابی راستین هوشمندی باقی نمی گذارد که، فقط و فقط با سلاح اتحاد همه نیروهای ضد امیرالایستی کشور، منطقه جهان می توان در نبرد سرنوشت - ساز و دشواری که امیرالایسم آمریکا بر ما تحمیل کرده است، پیروزی های حاصله را حفظ کرد و به پیروزی نهائی رسید. سلاح دیگری برای کسب این پیروزی وجود ندارد.

اتحاد همه ...

بقیه از صفحه ۱ "تربیب و ایر" (حمله نظامی از ناحیه جنوب ایران)، طرح لوئیز (طرح تجزیه ایران و ایجاد کشورهای کوچک از بلوچستان ایران و پاکستان، از خوزستان، از کردستان - شامل مناطق کرد - نشین ایران و عراق و ترکیه)، ایجاد "شورای - همکاری" از شش کشور ساحل جنوبی خلیج فارس (که فعلا بصورت "شورای همکاری" پایه - ریزی شده، تا سپس به صورت قرار - داد نظامی "تکامل" یابد)... این فهرست را می توان با تهاجم نظامی عراق به ایران، با حاکم فرسایند در لبنان، با ترورها و بمب گذاریها در ایران، سوریه، لبنان و... با ایجاد انواع دستجات و گروهک های ضد انقلابی "ایرانی"، "سوری"، "لبنانی" و... تکمیل کرد و یک منظره عمومی و کلی از سیاست آمریکا و عملکردها در منطقه بدست آورد. در حقیقت امیرالایسم آمریکا بعنوان سرکرده

امیرالایسم و صهیونیسم جهانی، که در نتیجه انقلابهای پیروز مندرهائی بخش در لیبی، در سوریه، در الجزایر، در یمن جنوبی، در آنگولا، در موزامبیک، در اتیوپی، در افغانستان، در ایران... زخمهای جندی برداشته و با مشاهده نضج بی وقفه و بیداری خلقها و جنبشهای آزادی بخش در سراسر منطقه، دچار وحشت مرگ شده، تمام توان جهانی نظامی، جاسوسی، سیاسی، مالی و اقتصادی خود را بکار گرفته، تا بکمک همه نیروهای دست نشانده، همه مزدوران و جیره خواران، همه متحدان و دستیاران خود، از هر قماش و در هر لباس، "ثبات" مجددی در این منطقه لیزان برقرار کند و به هر قیمتی شده آب رفته را در کشورهای از دست رفته، مجدداً به "جوی" بازگرداند. بانگاتی به این منظره واقعی، میتوان به بازگویی این حکم کلی اکتفا کرد که: "ولی کاری از دست امیرالایسم ساخته نیست، تلاش آمریکا عبث و مرگ امیرالایسم محتوم است."



# پایانی بر لجام گسیختگی

## ضد انقلاب

### آغازی بر عادی شدن اوضاع در لهستان

روز شنبه ۲۸ آذر ۶۰ (۱۹ دسامبر ۸۱) رادیو ورشو گزارش داد، که هر چه بیشتر از کارگران از اعتصاب دست برمی دارند و به سرکار بازمی گردند. رهبری "حزب متحد دهقانی لهستان" از روستایان خواست، تا همه مقررات حکومت نظامی را رعایت و به عادی سازی سریع اوضاع کمک کنند.

#### نقشه کشتار هشتاد هزار کمونیست

خبرگزاری "پاپ" در تفسیری در باره درگیری های، که بر اثر تحریک عمل "همبستگی" در گدانسکو کاتوویته صورت گرفت، مسبین زد و خورد ها و خوربیزی را به شدت محکوم ساخت. دادستانی نظامی به بررسی چگونگی این رویدادها پرداخت. مطبوعات لهستان به انتشار سندهای محرمانه "همبستگی" ادامه دادند. بر پایه یکی از این سندها، گزار بود ۸۰ هزار تن از اعضای "حزب متحد کارگری لهستان" کشته شوند. "تاس" نوشت:

"گفته های ریگان، رئیس جمهور آمریکا، درباره لهستان از آن جا خشم-آلود است، که رویدادهای لهستان در راستای مورد علاقه "واشنگتن" تحول یافت. حقیقت آنست، که ایالات متحده آمریکا در امور داخلی لهستان مداخله می کند. ایستگاه های رادیویی کلسون های خرابکار آمریکا، از جمله فرستنده هایی، که از چندی پیش در کسولگری های آمریکا در کراکو و بیزنان شروع به کار کرده است، به تفرقه افکنی در میان لهستانی ها مشغولند. هدف از اظهارات خود ریگان تحریک به جسارت-های بیشتر است."

#### اوضاع لهستان رفته رفته بحالت عادی بازمی گردد

در روز شویهت رئیس دولت لهستان روز یکشنبه ۲۹ آذر ۶۰ (۲۰ دسامبر ۸۱) تصمیم گرفت، تا اصلاحات اقتصادی را، که اکنون می توان انجام داد، سرعت بخشد.

هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان به بررسی وظایف سازمان های حزبی در زمینه عادی سازی اوضاع کشور پرداخت. وزارت کشور گزارش داد، که در بیش از ۹۵ درصد کارخانه ها تولید عادی است. از این رو، در بسیاری از نواحی ساعات منع عبور و مرور کاهش یافته است. تهبادر نقاطی، که سرکردگان لهستانی به تحریک مشغولند، مقررات منع عبور و مرور به طور کامل اجرامی شود. اینان در اکثر موارد به تهدید و ارباب دست می یازند. در یکی از معادن کاتوویته ماجراجویان یکی از مداخله را منفجر ساختند و تهدید کردند، که در صورت مداخله نیروهای امنیتی مداخل دیگر را نیز منفجر خواهند ساخت.

تاکنون ۱۳۰۰ تن بازداشت شده اند. در اسکله های آشتین در سواحل دریای بالتیک، انبار سلاح ها و مهمات "همبستگی" کشف گردید. تریبونالودو "در تفسیری درباره هواخواهی "غرب" از "قماربازان سیاسی"، همبستگی نوشت: "مخالف امریالیستی مایلند روی ورق لهستانی شرط ببندند." روز دوشنبه ۲۸ آذر ۶۰ (۲۱ دسامبر

(۸۱) خبرگزاری "پاپ" خبر داد، که: "اوضاع در بیشتر نقاط لهستان آرام است. در اقتصاد کشور گام های مثبتی برداشته می شود، که هدف آن ها تثبیت تولید است. در روزهای اخیر وضع آذوقه رسانی به ساکنان شهرهای بزرگ بهبود یافته است."

بر پایه این گزارش: "علیرغم تلاش های افراطیون "همبستگی" برای برانگیختن درگیری، تقریباً همه معادن کار خود را بدون هیچ گونه وقفه ای ادامه می دهند. در صنایع انرژی، اوضاع عادی است." "شورای نظامی رستگاری ملی" از دهقانان، کارگران روستایی، مزارع دولتی و اعضای تعاونی های دهقانی خواست، که به وظیفه مبینی خود عمل کنند و نیازمندی های غذایی کشور را برآورده سازند. "شورا" اعلام داشت، که به اصلاحات کشاورزی ادامه خواهد داد و وسایل تولید بیشتری در اختیار روستاها خواهد گذاشت.

#### افشای اسناد دسیسه های ضد انقلاب

رسانه های گروهی لهستان افشای اسناد بیشتری را درباره "همبستگی" ادامه دادند. این اسناد جزئیات نقشه کودتای افراطیون و کشتار کمونیست ها را نشان می دهد.

سیارای از کمیته های ایالتی و استانی "حزب متحد کارگری لهستان" گروه های کارگری دفاع از خود تشکیل داده اند، که به محریان قانون کمک می رسانند. به گزارش رسانه های گروهی لهستان، در ۴۳ منطقه، مقررات منع عبور و مرور تخفیف یافت. این تخفیف شامل پنج منطقه نمی شود، که در آن ها افراطیون "همبستگی" و ضد انقلابیون "ک.و.ر.ک.و.س." به اقدامات براندازی خود ادامه می دهند.

تلویزیون ورشو در فیلمی از تماس های مستقیم موجولسکی، سرکرده گروهک ضد انقلابی "کنفدراسیون لهستان آزاد"، با دولت آمریکا و کانون های خرابکاری غرب پرده برداشت. موجولسکی گفته است: باید کمونیست ها را کشت. در این فیلم فاش شد، که این "کنفدراسیون" در زرادخانه های خود برای کشتار ۸۰ هزار کمونیست لهستان سلاح گرد آورده بود. کویاچسکی، رهبر "همبستگی" در شهر ژشو، می گوید تا کارگردان خود را پس از جنگ ادامه دهد: پدر کویاچسکی نیز سرکرده یک باند راهزن ضد انقلابی بود.

برخی از افراطیون "همبستگی" در کارخانه فلزکاری کاتوویته به تحصن دست زدند و تهدید کردند، که کوره اصلی این کارخانه را منفجر خواهند ساخت.

روز سه شنبه ۱ دی ۶۰ (۲۲ دسامبر ۸۱)، خبرنگار "پراودا" از ورشو گزارش داد، که "اوضاع لهستان گام به گام به حالت عادی بازمی گردد و آذوقه رسانی منظم ترمی شود. اما ضد انقلابیون هنوز در راه برانگیختن اعتصاب کوشش می ورزند. در شهرهای گدانسک، ورشو و وروتسلاوا اعتصاب هایی صورت گرفت و اعتصاباتی در سیلزی نیز ادامه دارد." بر پایه مدارکی، که نزد ضد انقلابیون کشف و افشاء شد، نیروهای ضد سوسیالیستی قصد داشتند پیش از پایان سال ۱۹۸۱ دست به کودتایی بزنند.

آن ها امیدوار بودند، که پیش از آن از راه ساپوتاز، خرابکاری و جنگ پارتیزانی به ثبات زدایی بپردازند.

#### زحمتکشان از روند عادی سازی پشتیبانی می کنند

از سراسر لهستان سیلی از نامه به سوی "شورای نظامی رستاخیز ملی" جاری شده است، که در آن ها از مقابله با ضد انقلاب پشتیبانی به عمل می آید. زحمتکشان آمادگی خود را برای افزایش تولید ابراز می دارند. روز شنبه ۲۸ آذر ۶۰ (۱۹ دسامبر ۱۹۸۱) معدن چیان ۵۵۷۰۰۰ تن ذغال سنگ استخراج کردند که برای شنبه های ۱۲ ماه اخیر رکورد جدیدی به شمار می رود.

"تاس" در تفسیری نوشت: "دولت ایالات متحده نمی خواهد بپذیرد، که اقدامات رهبران لهستان برای پیشگیری از کودتا و جنگ داخلی بود. کارزار ضد لهستانی و ضد شوروی، که در ایالات متحده به راه افتاده است، این را ثابت می کند - کارزاری که هر دم گسترده تر می شود. "واشنگتن" می - خواهد متحدان اروپای باختری خود را به تحریم لهستان و اتحاد شوروی بر - انگیزد - سیاسی، که طرح آن اکنون در ایالات متحده ریخته می شود. ایگل برگر، معاون وزارت خارجه آمریکا، برای این منظور رهسپار اروپای غربی گردیده است."

"پراودا" روز پنجشنبه ۳ دی ۶۰ (۲۲ دسامبر ۸۱) نیز مداخلات "ایالات متحده و دیگر کشورهای "ناتو" را در امور لهستان محکوم ساخت. به نوشته این روزنامه:

رسانه های گروهی غرب کارزار تبلیغاتی بی سابقه ای را علیه لهستان راه انداخته اند. هدف آن ها تحریف اوضاع لهستان و مقاصد اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است. "واشنگتن" می خواهد به محاصره اقتصادی - مالی لهستان دست بزند و مجموع بلوک "ناتو" را درگیر چنین سیاستی بکند."

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه ای رهبران لهستان را فراخواند تا از هرگونه اقدامی علیه نیروهای ضد انقلابی لهستان دست بردارند. از سوی دیگر، رادیو "اروپای آزاد"، که متعلق به "سیا" است ضد انقلابیون را به شورش علیه دولت برمی انگیزد.

#### فرستنده های ضد انقلاب

در کسولگری های آمریکا در لهستان

"پراودا" روز جمعه ۴ دی ۶۰ (۲۵ دسامبر ۸۱) در تفسیری دیگر پیرامون اوضاع لهستان نوشت:

"هرگونه تلاش برای ثبات زدایی در کشورهای سوسیالیستی محکوم به شکست است. نیروهای ضد انقلابی لهستان را "سیا" رهبری و به آن ها سخاوتمندانه کمک می کرد. پول "سیا" صرف پایه گذاری گروهک ضد سوسیالیستی "کمیته کارگری دفاع از خود" ("ک.و.ر.ک.و.س.") در سال ۱۹۷۶ شد، که بعدها نام "کمیته اجتماعی دفاع از خود" ("ک.و.س.") را بر خویش افزود. این کمیته ("ک.و.س.ک.و.ر.") کانون سازمانی "همبستگی" بود. مرکز "سیا" در مونیخ فعالیت همه نیروهای ضد

# وقایع مهم جهان در یک هفته

بر پایه یک قرارداد سری

## پاکستان

### پایگاه "سپاه واکنش سریع" شده است

پاکستان به تدارکات جنگی خود در موز با هند ادامه می دهد. به اعتراف جاسوسان دستگیر شده پاکستان، واحدهای نظامی و شبه نظامی این کشور در مناطق مرکزی تمرکز می یابند. از سوی دیگر، پاکستان ساختن جاده ها و فرودگاه های استراتژیک را سرعت بخشیده است. به گزارش یک هفته نامه لبنانی، ایالات متحده و پاکستان قرارداد سری درباره استفاده "سپاه واکنش سریع" آمریکا از خاک پاکستان امضاء کردند. این هفته نامه می نویسد: "واشنگتن" از این راه به باری رژیم پاکستان حضور نظامی خود را در منطقه از مدیترانه تا اقیانوس هند گسترش می دهد."

#### ایندیرا گاندی:

### اتحاد شوروی خواهان حل مسئله افغانستان است

بینهان خود بهره می جویند. "سلطان علی کشتمند، نخست وزیر افغانستان، گفت، که پلنوم وسیع "حزب دموکراتیک خلق افغانستان"، که چندی پیش در کابل برگزار شد، به اتخاذ یک برنامه عمل برای بهبود سیاست و فعالیت حزب و دولت دست زد. وی در یک جلسه کابینه در کابل سخن می گفت. سلطان علی کشتمند افزود: "با چنین برنامه ای می توان به دگرگون سازی های گسترده اقتصادی و اجتماعی به سود مردم همت گماشت. از سوی دیگر، در پایان سفر ببرک کارمل به بلغارستان قرارداد دوستی و همکاری میان افغانستان و جمهوری خلق بلغارستان امضاء شد."

یکی از خبرنگاران "نیویورک تایمز" پس از دیدار از یکی از اردوگاه های تروریست های افغانی در پاکستان گزارش داد، که این باند ها سلاح های هر چه مدرن تری دریافت می دارند. به گزارش "کائوناسپای" (آمریکا) بیشتر این سلاح ها از ایالات متحده می آید. ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، در مصاحبه ای با "اینترنشنال هیرالد تریبیون" گفت، در حالیکه اتحاد شوروی خواهان حل مسئله افغانستان است، ایالات متحده و پاکستان چنین تمایلی نشان نمی دهند. به گفته گاندی: "آن ها (آمریکا و پاکستان) از اوضاع (افغانستان) برای منافع تنگ-

بقیه از صفحه ۱۴

## در هفته ای که گذشت:

### راه پیمائی سرتاسری ۲۸ صفر

۴۰۰۰ روز، هفته گذشته، کشور انقلابی ما شاهد سوگاری میلیونی مردم در سالروز وفات پیغمبر اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) بود. در این روز دستجات مختلف مردم در سهرهای سراسر کشور طی راه-پیمای کیهانی پر شکوه، به عزاداری پرداختند و طی قطننامه های عزم

راسخ خود را به ادامه مبارزه علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا و غارتگران داخلی، به نمایش گذارند. در قطننامه راه پیمائی پر شکوه تهران، مردم از جمله خواستار قاطعیت در اجرای فرمان امام خمینی و تامین حاکمیت قانون و مقابله قاطع مسئولین با محتکران شدند.

انقلابی لهستان راهم آهنگی می بخشید. رادیو "اروپای آزاد"، مستقر در مونیخ، در برنامه بیست و چهار ساعته خود به زبان لهستانی مردم را به شورش برمی - انگیزد. فرستنده های رادیویی آمریکا در کسولگری های این کشور در کراکو و پوزنان نیز پیوسته به تحریک مردم مشغولند."

"پراودا" افزود: "واشنگتن" با مداخله خود در لهستان قوانین بین المللی را زیر پا می - گذارد. ولی دسیسه گران علیه لهستان باید به یاد داشته باشند، که جامعه کشورهای سوسیالیستی در چندین مورد همانند نقشه های دشمن را عقیم گذاشته است."

## اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمودا عنادزاده (م. ا. بقا دین) آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴